

۱۷۱

هفته

سال چهارم - شماره ۱۷۱
پنجشنبه ۵ ابان ۱۳۹۰ - ۲۷ اکتبر ۲۰۱۱
بها: ۲/۵۰ دلار / در مونترال رایگان

www.Hafteh.ca

◀ مونترال

بزرگداشتی برای انجمن ادبی
مونترال
مهدیه مصطفایی

◀ صفحه‌ی دری

گفت‌وگویی با بودای بامیان
یوسف کهزاد

◀ سینما

فستیوال «سینمای مدرن مونترال»
و اصغر فرهادی
آتوسا اخوان

◀ خانواده: تغذیه سالم

خطر مصرف بی رویه ویتامین E
جدی است!
دکتر پرویز قدیریان

◀ صفحه ادبی

سهراب سپهری، شاعری که جور
دیگر می دید (۲)
حسن الف. طبری

◀ ورزش

نفت نسوخت و استیلی هم
شعله‌ور نشد
تورج عاطف

مهرگان امیر خسروی و طوبی عبدالله زاده سیاهکلی،

شرکای متهم اختلاس میلیارد دلاری در مونترال!

آیا کانادا مأمن متهمان اختلاس است؟



سرمایه‌گذاری دیگری که از نظر شما دور مانده است!



سهام ممتاز (Preferred shares) به عنوان یک راه درآمد، غالباً از نظر سرمایه‌گذاران پنهان می‌ماند زیرا آنها، درباره‌ی این نوع سهام اطلاعات کافی در دست ندارند. سهام ممتاز می‌تواند برای سرمایه‌گذاران محافظه‌کار و همچنین گروه طالب رشد، مناسب باشد و جذابیت‌های زیر را دربرداشته باشد.

✓ بهره با امتیازات مالیاتی

✓ در دسترس بودن اصل سرمایه

✓ امنیت اصل سرمایه

Naghmeh Sabet, BSc, FCSI

Associate Director, Wealth Management
Wealth Advisor

514-287-3690

naghmeh_sabet@scotiamcleod.com

Scotia Tower

1002 Sherbrooke Street West, Suite 600

Montreal, Quebec H3A 3L6

MacDougall Sabet Team
Personal Attention, Professional Results

 **ScotiaMcLeod®**



présente

fma

Festival
du Monde Arabe
de Montréal

12^e édition



SIAMAK NASR
SUFİ, YOGI

سیامک نصر

AND SIVANANDA ensembles
KHORSHID KHANOOM
and dance troupe

خورشید خانم

و گروه سیواناندا

SUFI-YOGI

WED. 2 NOV. 2011

CINQUIÈME SALLE



laplacedesarts.com
514 842 2112 / 1 866 842 2112

En collaboration avec



www.festivalarabe.com

محل فروش تیکت تیش دیجیتال: ۵۱۴-۲۲۳-۳۳۳۶

کنسرت موسیقی گروه سرو

Festival du Monde Arabe

Wed. Nov 9, 8:00 PM

Place des Arts, Studio Theatre
175, Rue Sainte-Catherine Ouest
22\$ (15% off students & seniors)
Reservation: 514-842-2112



HAFTEH.CA با تشکر از هفته

محل فروش تیکت تپش دیجیتال: ۵۱۴-۲۲۳-۳۳۳۶

صفحه ۶ آیا کانادا مأمّن متهمان اختلاس است؟ / سردبیر

صفحه ۹ اخبار کبک و کانادا

صفحه ۱۰ حضور پرشور در مدرسه دهخدا برای نجات جان تایماز / مهدیه مصطفایی

صفحه ۱۳ اخبار جامعه افغان و ایرانی

صفحه ۱۸ قهقهه کبک دری: گفت‌وگویی با بودای بامیان/ یوسف کهزاد

صفحه ۲۱ دیدگاه: فلندران حقیقت به نیم‌جو نخرند، قباى اطلس آن‌کس که بی‌هنر باشد! / امیر آرش

صفحه ۲۲ رونمایی اثر جدید اختر نراقی، نویسنده کانادایی ایرانی‌تبار / ژیل گانیه

صفحه ۲۵ پرونده / مهرگان امیرخسروی و طوبی عبدالله‌زاده سیاهکلی، شرکای متهم اختلاس میلیارد دلاری در مونتreal! / خسرو شمیرانی

صفحه ۳۰ ادبی: سهراب سپهری، شاعری که جور دیگر می‌دید(۲) / ح.الف. طبری

صفحه ۳۲ چهره‌ها: محمدمین ریاحی، وطن‌پرستی که هرگز ... / سحر وحدتی

صفحه ۳۴ داستان: قلب افشاگر از ادگار آلن پو / ترجمه: ح. ا. طبری

صفحه ۳۶ سینما: فستیوال «سینمای مدرن مونتreal» و اصغر فرهادی / آتوسا اخوان

صفحه ۳۸ ورزش نفت نسوخت و استیلی هم شعله‌ور نشد! / توج عاطف

صفحه ۴۰ تغذیه سالم: برنج مصنوعی به بازار آمد! / دکتر پرویز قدیریان

صفحه ۴۱ بهداشت دهان و دندان: رابطه بیماری لثه و بیماریهای دیگر/ افروز سالاردینی

صفحه ۴۶ کتاب: خودآموز فروید، آشنایی با نظریه‌های بنیادی و توجه به تأثیرات مداوم او / زاگرس



Financière

Money Wise

Financial

مطابق با قوانین و استانداردهای بانکی بین‌المللی

ارسال ارز به ایران
و سایر نقاط جهان

صدور Money Order

514-485-6000

6520 St. Jaques

Montreal, QC H4B 1T6



دکتر شریف نائینی

جراح دندان پزشک

514-731-1443

DDS دانشگاه تهران ۱۹۷۳

DMD دانشگاه مونتreal ۱۹۹۸

5450 Cote des neiges

Suite 308

Metro: CDN



David Berger

Avocat - Attorney

نماینده سابق مجلس فدرال کانادا و سفیر در چند کشور

با سالها تجربه در نظام سیاسی، دیپلماتیک و اداری در سطح ملی و بین‌المللی

وکیل عضو کانون وکلای کبک

متخصص در فرجام‌خواهی در پرونده‌های ردشده‌ی مهاجرت، حفظ شهروندی و حفظ اقامت

ریسک‌ها و دشواری‌های مهاجرت را به حداقل برسانید، یک زندگی جدید را در سرزمین نو آغاز کنید

برای صحبت به زبان فارسی مستقیماً با همکار ما، خانم آریستا معتضدی تماس بگیرید: 514-621-7796

مهاجرت از طریق

نیروی متخصص

خوشاوندی

سرمايه گذارى

Tel: 514-961-8746

1635, rue Sherbrooke Street West, Bureau/ Suite 400 Montreal, Quebec H3H 1E2

Fax: 514-935-2663 Courriel/ E-mail: bergerdav@gmail.com

ناشر: مجله‌ی هفته

ویراستار: مهدی مرعشی

مدیر هنری: بهروز زمانی

سردبیر: خسرو شمیرانی

تحریریه اتاوا: دکتر ماریا صباي مقدم

طراحی و صفحه آرایی: BehGraphics.com

کاریکاتوربست: سیروس یحیی‌آبادی

عکاس: مرجان راهنورد

◀ اخبار مونتreal: مسعود بطحایی

◀ صفحه ایران: مسعود باستانی

◀ صفحه سینما: آتوسا اخوان

◀ صفحه ورزش: بابک سرائی‌آذر و شروین برزگر

◀ صفحه دانش و فناوری: حمید شایگان‌نیا

◀ صفحه جامعه: میترا روشن

خسرو نوشادروان، سحر وحدتی و فریده خوش عاطفه

گروه فنی تارنمای هفته: پیمان سلیمی

و شروین برزگر

با سپاس ویژه از همکاران این شماره: امیر آرش،

افروز سالار دینی، حسیب فضل و دکتر پرویز قدیریان،

مهدیه مصطفایی

● هفته از همی علاقه‌مندان دعوت به همکاری می‌کند.

● برداشت مطلب با ذکر ماخذ آزاد است.

لطفاً مطالب خود را زیر هزار واژه (بر مبنای واژه‌شمار ورود)

نگاه دارید.

هفته در ویرایش و کوتاه کردن مطلب‌های رسیده آزاد است.

● نوشته‌های فرستاده شده پس فرستاده نمی‌شوند.

● استفاده از طرح‌ها و آگهی‌های هفته نیاز به

کسب اجازه دارد.

● درباره‌ی مضمون آگهی‌های منتشر شده هیچ گونه

مسئولیتی متوجه هفته نیست.

در صورت تمایل برای حمایت از تلاش‌های ما
کمک‌های مالی خود را به حساب زیر واریز کنید

Chacavac Cultural Centre

TD Canada Trust

Transit #: 0515

Account #: 5209119

3418 Stanley, unite# R1

Montreal QC H3A 1R8 Canada

(514)787-8848

info@hafteh.ca

editor@hafteh.ca

ad@hafteh.ca

ISSN 1918-4379 HafteH

آیا کانادا مأمّن متهمان اختلاس است؟

انقلاب تونس و مورد اعضای خانواده بن‌علی را هنوز به یاد داریم. همان‌ها که با سرمایه‌های مردم تونس در اینجا ویلا خریداری کرده بودند. راستی چه شد، سرنوشت داماد بن‌علی و دخترش که جایی در همین نزدیکی‌ها ساکن شده بودند؟

داستان محمودرضا خاوری، مدیر کل بانک ملی، بزرگترین بانک ایران نیز تازه‌تر از آن است که نیاز به یادآوری داشته باشد، و صدا البته این دو، نه تنها موارد و نه بزرگترین موردها هستند. به نظر می‌آید که کشور دوم ما کانادا، برای این گروه از انسان‌ها که به زندگی با دست‌رنج دیگران علاقه‌مند هستند، کششی ویژه دارد.

پرونده این شماره هفته به آقای مهرگان امیرخسروی و همسر او، خانم طوبی عبدالله‌زاده سیاهکلی، اختصاص یافته. طی هفته‌های گذشته نام این دو نفر در کنار ارقام بزرگی ذکر شده که شمارش تعداد سفرهای آنها برای انسان‌های معمولی همچون تو و من، سرگیجه‌آور است.

هفته گذشته مقامات کانادا اعلام کردند که به چگونگی اخذ شهروندی توسط محمودرضا خاوری رسیدگی خواهند کرد. مردم کانادا به‌ویژه مهاجران و بیش از همه، مهاجران ایرانی انتظار دارند دولت کانادا در این رابطه کاملاً شفاف عمل کند و در صورتی که خلاف قانون عمل شده باشد با آقای خاوری همان‌گونه برخورد کند که با هر فرد عادی دیگر؛ منظورم از فرد عادی، همان کسانی است که قدرت خرید خانه ۳ میلیون دلاری را با پرداخت نقد و یک‌جا ندارند.

اینکه آیا حضور امیرخسروی‌ها در کانادا به حق یا به ناحق است نیز باید توسط قانون مشخص شود، اما اگر دستگاه قانون نداند، طبیعتاً نمی‌تواند وارد عمل شود.

همکاران هفته این «اقبال» را داشتند که هنگام انجام مصاحبه مهاجرت آقای مهرگان امیرخسروی، در همان نزدیکی‌ها باشند و ما بتوانیم امروز در این باره آگاهی‌رسانی کنیم.

جامعه ایرانی انتظار دارد اگر ناحقی صورت گرفته یا در حال صورت گرفتن است، در این رابطه نیز قانونی برخورد بشود و تصمیم مقتضی با توجه به این نکته گرفته شود که، ثروت‌های به اصطلاح «بادآورده» که در کشورهایی نظیر ایران کسب می‌شود خواه ناخواه آلوده به خون است؛ آلوده به خون انسان‌هایی که برای بیان نظر خود به خیابان می‌روند و با فجیع‌ترین سرنوشت‌ها روبه‌رو می‌شوند. مگر نه اینکه این تجاوزات و توحش‌ها برای حفظ قدرتی آلوده به اختلاس و ارتشا صورت می‌گیرد؟

ما می‌توانیم امیدوار باشیم که در کانادا که کشور قانون است بار دیگر حق قربانی نشود، اما درعین حال می‌توانیم با تلاش‌های خود از این «امیدواری» یک واقعیت ملموس بسازیم. ما حق این انتخاب را داریم!

اخبار کانادا و کبک



طلایی بهترین فیلم و خرس های نقره‌ای بهترین گروه بازیگران زن و بهترین گروه بازیگران مرد را دریافت کرد و اخیراً در جشنواره بین‌المللی فیلم تورنتو، دومین فیلم منتخب تماشاگران معرفی شد. لیلیا حاتمی، شهاب حسینی، پیمان معادی، ساره بیات، سارینا فرهادی، علی اصغر شهبازی، بابک کریمی، شیرین یزدان‌بخش، کیمیا حسینی و مریلا زارعی در این فیلم بازی می‌کنند که به نمایندگی از ایران در بخش فیلم خارجی‌زبان هشتاد و چهارمین دوره جوایز اسکار حضور دارد. / ایران‌تو

«جدایی نادر از سیمین» برای دریافت جایزه اصلی جشنواره ونکوور ۳۷۵ فیلم دیگر را شکست داد.



یکی از نمایندگان این گروه‌ها که رویترز از آن باعنوان فعال حقوق بشر یاد کرده است گفت: ما می‌خواهیم بدانیم آیا خاوری در کانادا جرمی انجام داده است. ما می‌خواهیم بدانیم او پولش را از کجا آورده و چگونه یک ویلای ۳ میلیون دلاری در کانادا خریده است. آیا او پولی پرداخت کرده و آیا وی واقعاً برای دریافت تابعیت خود در کانادا حضور داشته یا این‌که در این زمینه تقلبی صورت گرفته است.

این فرد همچنین این موضوع را مطرح کرد که آیا فعالیت وی در ایران با سوگند وفاداری به کانادا و ملکه، که دریافت‌کنندگان تابعیت کانادایی باید به آن التزام داشته باشند هم‌خوانی دارد یا نه.

بر اساس گزارش رویترز دولت کانادا هیچ گزارشی در مورد این که تحقیقات در مورد خاوری چه زمانی به پایان می‌رسد منتشر نکرده است. / ایران‌تو

«جدایی نادر از سیمین» فیلم برگزیده تماشاگران جشنواره ونکوور شد

به گزارش خبرآنلاین، تازه‌ترین ساخته اصغر فرهادی در جشنواره بین‌المللی فیلم ونکوور، برنده جایزه انتخاب مردم شد.

تحقیق دولت کانادا درباره احتمال تقلب خاوری در دریافت حق شهروندی

رویترز اعلام کرد، دولت کانادا تحقیقاتی را در زمینه تقلب احتمالی مدیرعامل سابق بانک ملی ایران، برای دریافت تابعیت کانادایی آغاز کرده است. به گزارش «فارس» رویترز اعلام کرد، دولت کانادا تحقیقاتی را در زمینه تقلب احتمالی خاوری، مدیرعامل سابق بانک ملی ایران برای کسب تابعیت کانادایی آغاز کرده است. این تحقیقات شامل محمودرضا خاوری می‌شود که در سال ۲۰۰۵ تابعیت کانادایی دریافت کرده است.

خاوری پس از افزایش پرونده موسوم به اختلاس ۳ هزار میلیارد تومانی در ایران، که بانک ملی ایران نیز نقش مهمی در آن داشت از ایران خارج شد و تاکنون از بازگشت به تهران خودداری کرده است. رسانه‌های غربی از حضور وی در ویلایی در تورنتوی کانادا، که به نام خود وی است و از داشتن تابعیت کانادایی توسط او خبر داده‌اند.

بر اساس این گزارش، گروه‌های ایرانی مقیم کانادا نسبت به حضور وی در این کشور اعتراض کرده‌اند و خواستار محاکمه او به اتهام فعالیت در ایران شده‌اند.

حقوق نخست‌وزیر کانادا چقدر است؟



استفان هارپر، نخست‌وزیر کانادا، ششمین و بیشترین حقوق و دستمزد را در بین رهبران جهان دریافت می‌کند. بر اساس مطالعه انجام شده توسط سایت Investopedia.com، مبلغ دریافتی وی، سالانه بالغ بر ۲۹۶۴۰۰ دلار است.

تماشاگران جشنواره همچنین «ترانه خود را بخوان»، به کارگردانی سوزان روستاک را به عنوان بهترین فیلم غیرداستانی و «استارباک» ساخته کن اسکات را به عنوان بهترین فیلم کانادایی انتخاب کردند.

«Peace Out» به کارگردانی چارلز ویلکینسن، فیلمساز کانادایی هم بهترین مستند جشنواره از نگاه تماشاگران معرفی شد.

جشنواره بین‌المللی فیلم ونکوور ۲۹ سپتامبر تا ۱۴ اکتبر در کانادا برگزار شد. «جدایی نادر از سیمین» سال گذشته در جشنواره فیلم برلین جوایز خرس

Sam Bayat & Associates
A Canadian and International Law Firm

CLS international

Canadian Legal Services

Tel: +1 5148458146 Fax: +1 5148455091
www.ilsgroup.com Email: cls@ilsgroup.com
1470 Peel Street, Suite B-915, Montreal, Quebec, H3A 1T1

دفتر وکالت و مشاوره حقوقی سام بیات

وکیل پایه یک دادگستری کانادا با بیش از هفده سال سابقه در زمینه مهاجرت (با تخصص در مهاجرت سرمایه گذاران، مدیران و صاحبان مشاغل آزاد) و اخذ تابعیت، در شعبه‌های امارات، ایران، کانادا، انگلستان و کویت آماده ی ارائه ی خدمات به ایرانیان عزیز است.

پشتیبانان پذیرش مهاجر معرفی می‌کنند و مردم نیز بر این باورند که نیازی به پرسش درباره مواضع حزبی آنان پیرامون بحث مهاجرت وجود ندارد. این درحالی است که در بسیاری از کشورهای غربی، از جمله، آمریکا، انگلیس، هلند و فرانسه، برخی از سیاستمداران، علناً از این موضوع ابراز نارضایتی کرده، خواهان محدود کردن ورود خارجی‌ها به آن کشورها هستند. / ایران‌تو

مقاضیان شهروندی کانادا باید در امتحان جدید زبان شرکت کنند



دولت فدرال در نظر دارد، سختگیریهایی بیشتری را نسبت به دانش زبان انگلیسی یا فرانسه مقاضیان شهروندی کانادا به عمل آورد. بر مبنای اطلاعاتی که روز جمعه گذشته منتشر شد، اتاوا معتقد است، آزمون تستی نمی‌تواند بیانگر میزان توانایی مهاجران در گفت‌وگو به یکی از زبان‌های رسمی کشور باشد. در حال حاضر، مقاضیان شهروندی که دست کم سه سال از اقامت آنها در کانادا

از سیستم مهاجرت، به‌ویژه در طول ۱۵ تا ۲۰ سال گذشته، به‌ویژه در میان کانادایی‌های تحصیل‌کرده، جوانان، کارمندان تمام‌وقت و مردان افزایش یافته است. اما افراد سالمند، زنان و محافظه‌کاران، چندان به این موضوع علاقه نشان نمی‌دهند.

حدود ۵۸ درصد جمعیت کشور، از تعداد پذیرش فعلی رضایت دارند. این رقم حتی برای استان‌های کوچک غربی و شرقی و همچنین کبک، ۶۲ درصد است.

موافقت ساکنان استان‌های انتاریو و بریتیش کلمبیا، با پذیرش تعداد بیشتر مهاجر، به نسبت سایر مناطق کمتر است. اما در شهرهای تورنتو و ونکوور که حجم وسیعی از مهاجران را در خود جای داده‌اند، موضوع برعکس است.

کارشناسان به این نتیجه رسیده‌اند، هر جا که مهاجر بیشتری سکونت داشته باشد، اشتیاق به افزودن مهاجران نیز در آنجا بیشتر است.

این گزارش همچنین حاکی است، بین یک سوم تا حتی نیمی از تازه‌واردان، به شهر تورنتو عزیمت می‌کنند.

جالب این‌که در نظرسنجی به عمل آمده، کانادایی‌ها، بیشتر از آنکه به بحث افتخار به چندفرهنگی شدن کشور بیاندهند، به دنبال افزودن منافع اقتصادی در سایه پذیرش مهاجر هستند.

کمتر کسی، مهاجرت را مشکلی برای کانادا دانسته است، اما بیشتر آنها خواهان آمیخته شدن تازه‌واردان در جامعه و فرهنگ ملی کانادا شده‌اند تا تشکیل گروه‌های قومی خاص.

همه احزاب کانادایی، خود را از قوی‌ترین

دریافت می‌کند. اضافه می‌شود، حقوق اعضای کابینه و نمایندگان پارلمان فدرال کانادا در حدود ۱۰۰ تا ۲۰۰ هزار دلار است و لیست دقیق مبالغ دریافتی آنها، همه ساله از سوی دولت، منتشر می‌شود. / ایران‌تو

کانادایی‌ها هنوز از افزایش تعداد مهاجران استقبال می‌کنند



اکثر کانادایی‌ها، با افزایش میزان پذیرش مهاجر و منافع تردیدناپذیر آنها برای اقتصاد و پیشرفت کشور، موافق هستند. بر اساس مطالعه‌ای که اخیراً توسط «مؤسسه تحقیقات سیاستگذاری عمومی مونترال» انجام شده، کانادا، در حالی همچنان از حجم وسیعی از مهاجران حمایت می‌کند که چنین امری هیچ‌گاه تحت تأثیر وضعیت اقتصادی یا مسائل مربوط به تروریسم و گروه‌های قومی قرار نگرفته است.

به گزارش سی تی وی، «جفری ریتز» استاد مطالعات قومی دانشگاه تورنتو که خود جزء مهاجران است، با اشاره به اینکه در طول ۲۰ سال گذشته، کانادا سالانه حدود ۲۵۰۰۰۰ نفر تازه‌وارد را پذیرش کرده است، افزود: «حمایت

در مقایسه با باراک اوباما، که با ۴۰۰۰۰۰ دلار، در رتبه چهارم قرار دارد، حقوق رهبر سنگاپور به عنوان رتبه اول جهان، سالانه ۲۱۸۳۵۱۶ دلار است!

در این مطالعه با این پرسش روبه‌رو هستیم: «آیا مبلغ دریافتی هارپر عادلانه است؟»

برخی معتقدند چنین مبلغی برای یک نخست‌وزیر زیاد است. جالب اینکه نام دیگر رهبران گروه G۲۰ نظیر نخست‌وزیران انگلیس و ایتالیا، که جمعیت و اقتصاد بزرگتری را هدایت می‌کنند، اصلاً در این لیست نیامده است.

متوسط درآمد مردم در کانادا طی سال ۲۰۱۰، حدود ۴۲۹۸۸ دلار در سال بوده است. بنابراین هارپر، تقریباً ۷ برابر متوسط ملی، حقوق دریافت می‌کند. اما در مقایسه با مدیران عامل شرکت‌های خصوصی، دریافتی نخست‌وزیر، بسیار اندک می‌نماید.

بر مبنای مطالعه Canadian Centre for Policy Alternatives حقوق و مزایای ۲۵ رئیس شرکت خصوصی در کانادا طی سال ۲۰۰۹، در حدود ۱/۵ میلیون دلار در سال بوده است. این درحالی است که این مبلغ، با در نظر گرفتن انواع پاداش‌ها، کارانه، سود سهام و بازنشستگی، به ۶/۶ میلیون دلار نیز می‌رسد. حتی در میان مشاغل عمومی نیز، برخی، درآمدهای بالاتری نسبت به نخست‌وزیر دارند.

به عنوان مثال، در بریتیش کلمبیا، رئیس کمیسیون امنیتی آن استان، حقوقی معادل ۵۰۳۰۹۶ دلار و رئیس دانشگاه بریتیش کلمبیا نیز ۵۲۳۱۳۴



مینو اسلامی

مشاور املاک در مونترال بزرگ - مسکونی و تجاری

تهیه وام مسکن برای دانشجویان و تازه‌واردان
گام به گام با شما تا پایان قرارداد
ارزیابی رایگان



Minoo Eslami

Real estate broker
Minoo.eslami@century21.ca

Cell: 514-967-5743



Maison de Voyages House of Travel

آژانس مسافرتی / فرناز معتمدی

پرواز به ایران و
سایر نقاط با بهترین نرخ‌ها

مناسبتین بسته‌های مسافرتی last minute

(514) 842-8000 Ext. 296



Titulaire d'un permis du Québec

farnaz@hot.ca www.hot.ca

1170 Place du Frère André (Square Phillips), Montreal, Quebec, H3B 3C6

هندوستان، اما شهروند انگلیس است، این مسیر را در مدت ۸ ساعت و ۲۵ دقیقه به پایان برد، در حالی که دونه کنیایی و نفر اول مسابقه، تنها در عرض ۲ ساعت و ۹ دقیقه به خط پایان رسید. جالب اینکه، کارگران از مدت‌ها قبل از رسیدن وی به خط پایان، نسبت به جمع‌آوری بنرها و علائم مسابقه اقدام کرده بودند، اما گروهی از تماشاگران، خبرنگاران و اعضای خانواده از او استقبال کردند.

آقای فیوجا دوندگی را ۲۰ سال پیش و در سن ۸۰ سالگی آغاز کرده و روزانه ۱۶ کیلومتر می‌دود.

گزارش خبرگزاری‌ها حاکی است، طی همین مسابقه، یک جوان ۲۶ ساله نیز به دلیل نامعلومی به زمین افتاده و پس از انتقال به بیمارستان فوت می‌کند.

بیست و دومین مسابقات بین‌المللی دو ماراتن اسکوشیا بانک تورنتو، با شرکت ۲۳۰۰۰ دونده و با حضور بیش از ۱۰۰۰۰ تماشاگر در خیابان‌های ساحلی تورنتو برگزار گردید. / ایران‌تو

صدور حکم شهروندی برای بزرگسالان ۲۰۰ و کودکان ۱۰۰ دلار است و به طور متوسط ۱۹ ماه، از زمان درخواست، به طول می‌انجامد. / ایران‌تو

دونده ۱۰۰ ساله، رکورد شرکت در مسابقات ماراتن را شکست



یک مرد ۱۰۰ ساله، روز یکشنبه گذشته، با شرکت در مسابقه دو ماراتن تورنتو به مسافت ۴۲ کیلومتر، نام خود را به عنوان کهنسال‌ترین دونده ماراتن جهان در کتاب رکوردهای گینس ثبت کرد. آقای Fauja Singh که متولد

روزمره، استفاده از نکات گرامری اولیه، تسلط به لغات و جمله‌سازی» ساده می‌شود، اثبات کنند.

یک کارشناس سیاست‌گذاری مهاجرتی معتقد است، قوانین و آزمون جدید می‌تواند، به عنوان یک ابزار استاندارد سنجش توانایی زبان مطرح شود، اما باعث نارضایتی کسانی خواهد شد که در کشورها و مناطق انگلیسی یا فرانسوی‌زبان متولد و بزرگ شده‌اند.

وی می‌افزاید، با توجه به اینکه همه متقاضیان شهروندی باید در آزمون اجباری زبان شرکت کنند، این‌گونه افراد می‌باید از چنین شرطی مستثنی گردند. در عین حال، ناظران معتقدند، چنین آزمونی برای کسانی که به صورت پناهنده وارد کشور شده یا جزء افراد فامیل مهاجر اولیه یا سالمندان باشند، بسیار سخت خواهد بود.

اضافه می‌شود، متقاضیان شهروندی کانادا، می‌باید دست کم سه سال از چهار سال منتهی به درخواست خود را در کانادا سپری کرده باشند. هزینه

گذشته، صرفاً در یک آزمون کتبی از محتوای کتابچه ویژه شهروندی، درباره کانادا و تاریخچه آن شرکت می‌کنند و دانش زبان آنها نیز به همین طریق سنجیده می‌شود.

اگر شرکت‌کننده‌ای، در این امتحان رد شود، باید در یک مصاحبه شفاهی، قاضی مهاجرت را، نسبت به احراز شرایط شهروندی متقاعد کند. تغییرات جدید شامل افراد ۱۸ تا ۴۴ سال می‌شود که در حدود ۱۳۴۰۰۰ نفر در سال می‌شود.

سال گذشته نیز، دولت محافظه‌کار، امتحان شهروندی را سخت‌تر کرد. (پاسخگویی به ۲۰ سؤال تستی در نیم ساعت و افزودن حداقل نمره قبولی از ۶۰ به ۷۵). بلافاصله پس از آن، آمار ردی‌ها، از ۴ تا ۸ درصد به ۳۰ درصد رسید.

بدین ترتیب، متقاضیان شهروندی طبق طرح جدید، می‌باید دانش زبان انگلیسی یا فرانسه خود را در حد «سطح ۴» که شامل مواردی از جمله «توانایی شرکت در گفت‌وگوهای عادی درباره موضوعات

 ICP Immigration Inc.

www.icpimmigration.com



معصومه علی‌محمدی (بهیانی)

به همراه گروه مجرب خود ارائه‌کننده کلیه خدمات مربوط به اخذ مجوز اقامت دائم و یا موقت کانادا در زمینه کلیه برنامه‌های مهاجرتی فدرالی و ایالتی از طریق: سرمایه‌گذاری، تخصصی، کارآفرینی، خویشاوندی، دانشجویی، ... و همچنین تایید رسمی مدارک و تهیه سوگندنامه می‌باشد.



جهت مشاوره و تعیین وقت قبلی با دفاتر ما در مونترال و تهران تماس حاصل فرمایید.

رضایت شما پشتوانه نام و اعتبار ماست.

Cell: (514) 778-9011
Tel: (514) 289-9011
Fax: (514) 289-9022

info@icpimmigration.com

1117 Ste. Catherine West Suite 511
Montreal, QC, Canada, H3B 1H9

Toll free from Iran
(021) 971-1878 ext. 4000 or
(021) 971-1873 ext. 4000

محضردار کبک و دانش‌آموخته حقوق از ایران مشاور حقوقی و همراه هم‌میهنان

خدمات ما برای شما

تایید امضا	توافق‌نامه رسمی جدایی	وصیت‌نامه
رونوشت برابر اصل	امور مهاجرت	وکالت‌نامه
حقوق خانواده	امور املاک، خرید و فروش، اجاره‌نامه	امور ارث
و دیگر خدمات حقوقی	ثبت و امور شرکت‌ها	ازدواج رسمی

مونا صالحی

سردفتر اسناد رسمی
Notaire-Notary



www.MonaSalehiNotaire.com

514-903-8560

3859 Décarie, Montréal, QC, H4A 3J6



حضور پرشور در مدرسه دهخدا برای نجات جان تایماز



▲ گروه داوطلبان کمک برای نجات جان تایماز، یکی از فرزندان جامعه ما

این قدم را برای نجات جان یک پسر بچه انجام دهم و امیدوارم که شانس تایماز عزیز در یکی از این تست‌هایی باشد که امروز از مراجعه‌کنندگان صورت می‌گیرد.

خانم پروانه ابهری در روز برگزاری مراسم در مدرسه دهخدا به خبرنگار ما گفت: مدتی قبل در حالی که با خیریه پردیس تورنتو همکاری می‌کردم متوجه ماجرا شدم و چند روزی بر روی این ماجرا فکر کردم تا اینکه تصمیم گرفتم این تست ساده را با همکاری hema quebec سازماندهی کنم. به همین خاطر بعد از انجام اقدامات اولیه به سراغ مجله‌های فارسی‌زبان رفتم تا بتوانم به وسیله آنها قدمی را برای حضور بیشتر مردم در روز برگزاری مراسم داشته باشم. از سوی دیگر پیگیریهاییم برای گرفتن اجازه از سوی شرکت hema quebec این امیدواری را در من چندبرابر کرد تا اینکه امروز با تلاش فراوانی که داشتم توانستم

جزء اولین نفرهایی باشم تا برای نجات جان تایماز آزمایش می‌دهند. در شماره‌های گذشته مجله هفته به وضعیت تایماز باغبانی، نوجوان ایرانی ساکن تورنتو که احتیاج به پیوند مغز استخوان دارد پرداخته شده بود. خانم پروانه ابهری که از مدتی قبل از طریق یک مؤسسه در تورنتو در جریان بیماری تایماز قرار گرفته بود تصمیم گرفت تا با



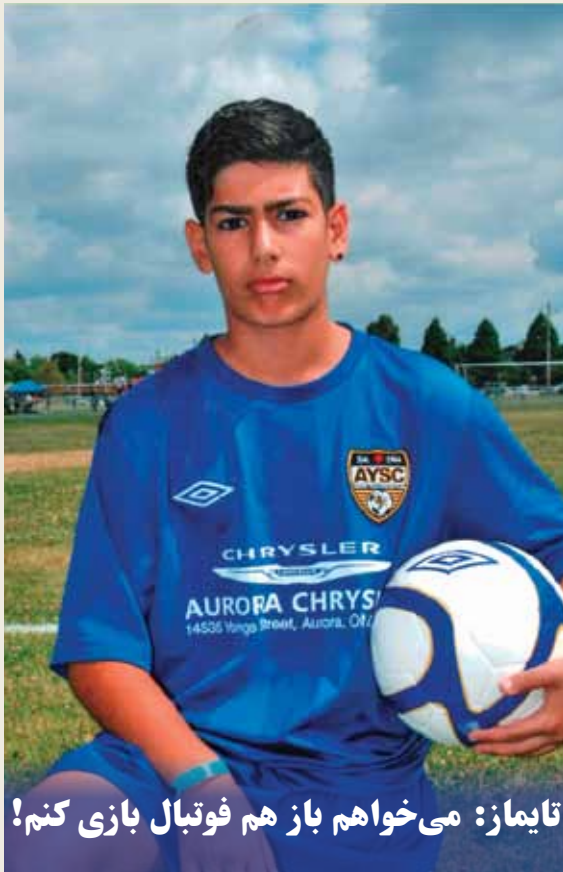
▲ آقای باغبانی، پدر تایماز که از تورنتو به مونترال آمده بود در کنار خانم پروانه ابهری که سازماندهی برنامه‌ی آزمایش بزاق دهان را به عهده گرفته است.

■ مهدیه مصطفایی عکس‌ها: هفته

صبح روز شنبه ۲۲ اکتبر ۲۰۱۱، در حالی که عقربه‌های ساعت هنوز به ۱۱ صبح نرسیده بود، چند جوان با حضور در پشت در مدرسه دهخدا منتظر بودند

در پشت در مدرسه دهخدا منتظر بودند





تایماز: می خواهیم باز هم فوتبال بازی کنیم!

تایماز باغبانی، نوجوان ایرانی ساکن تورنتو، احتیاج به پیوند مغز استخوان دارد. این آخرین شانس تایماز برای زنده ماندن است. هموطنان عزیز ایرانی مقیم مونترال نیز می توانند با انجام یک تست ساده بزاق دهان برای نجات جان تایماز تلاش کنند. این تست ساده با همکاری hema quebec دوباره بزودی انجام می شود.

شاید تو یا من فرشته نجات باشیم!

یک آزمایش ساده نشان خواهد داد!

زمان و مکان بزودی اعلام خواهد شد!

برای اطلاعات بیشتر در مونترال
با خانم پروانه ابهری تماس بگیرید

۵۱۴-۷۸۴-۰۳۰۵

در سراسر جهان به وبسایت تایماز مراجعه کنید!

www.tymaz.webs.com



میکنم و امیدوارم قدمی را برای نجات جان یک انسان برداشته باشیم. در این مراسم که پدر تایماز نیز حضور داشت در حالی که از خوشحالی بغض گلویش را می فشرد، گفت: این اتفاق یک سوپرایز بزرگ برای من و خانواده ام است. باید از خانم پروانه ابهری و تمام کسانی که در این راه ما را همراهی می کنند تشکر و قدردانی کنم. پدر تایماز با اشاره به اینکه این کار می تواند قدم بزرگی برای نجات جان پسرش و افراد محتاج به این کار باشد گفت: این اقدام می تواند اطلاعات زیادی درخصوص این بیماری در اختیار مردم قرار دهد.

در ادامه برگزاری این مراسم، یکی از داوطلبان انگیزه خود از شرکت در این مراسم را حس انسان دوستی بیان کرد و گفت: ما انسانها فارغ از نژاد و فرهنگ و ملیت، همگی یک وجه مشترک داریم و آن حس انسان دوستی ماست. من نه به خاطر اینکه تایماز یک ایرانی است،



امنیت عزیزان شما در ایران در دست شماست

با **گدار** سانسور اینترنت
در ایران را بی اثر کنید

بنی گدار به نت نزن

گدار

هزینه: ۲ دلار در ماه

www.godarnet.com

514-447-9597

1-888-568-1247

با استفاده از گدار، آی پی کانادا را به دست آورده و از مزایای آن برخوردار شوید

■ اینترنت آزاد

آزادی اینترنت را همان طور که در آمریکا و اروپا هست تجربه کنید

■ تلفن رایگان به آمریکا و کانادا

با استفاده از سرویس هایی مانند گوگل کال، به کانادا و آمریکا رایگان تلفن بزنید

■ حساب شخصی پی پال (PAY PAL)

حساب پی پال شخصی خود را گشوده و به راحتی در اینترنت خرید کنید

اخبار جامعه افغان و ایرانی مونترال

■ خبرهای مربوط به فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و علمی خود را در هفته منتشر کنید montreal@hafteh.ca



سپس استاد آصف فکرت، از ادیبان افغانستان نیز به سخنرانی با موضوع «یگانگی فرهنگی ایران و افغانستان» پرداخت و گفت: با این که امروز تکنولوژی مسیر پیوندها را به ظاهر هموار کرده اما وقتی به قرن‌های دور گذشته، ۷۰۰-۸۰۰ سال پیش و دورتر از آن نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که پیوندهای فرهنگی میان سرزمین‌های ایران و سرزمین امروزی افغانستان، در گذشته بسیار محکم‌تر بوده است به طوری که اواخر قرن ۱۹ و شروع قرن ۲۰ این یگانگی به حد تأسفبرانگیزی کاهش پیدا کرده است.

وی در جریان سخنرانی‌اش با ذکر نام و تاریخ به ارتباطات موجود بین شاعران و متفکران فارسی‌زبان در شهرهای دور و نزدیک پرداخت و در باره وحدت فکر و زبان این دو سرزمین، که مرزهای سیاسی آن را از هم جدا کرده پرداخت. در پایان برنامه دکتر محمد استعلامی با تشکر از جمع حضار، هدایایی را به رسم یادبود به سخنرانان، دو هنرمند جوان و بنیانگذار انجمن ادبی اهدا کرد.

فرهنگ و هنر و ادب ایران است و یکی از بزرگترین برتری‌های انجمن فرهنگی و ادبی مونترال پایداری و دوام آن است و این پایداری مدیون آقای محمد فاضل است.

وی با اشاره به این که فرهنگ ایران‌زمین با وجود ناملایمت‌های تاریخی که بر آن روا شده است جزء معدود ممالک باستانی است که هنوز زبان خود را حفظ کرده است، گفت: نقشی که ما ایرانی‌ها در حفظ این زبان و فرهنگ داریم بسیار مهم است. وی در ادامه سخنرانی خود به پیشینه زبان فارسی در ایران پرداخت و در پایان به نقش زنان تلاش‌گر، شاعر، هنرمند و... در حضور فرهنگ ایران در عرصه جهان اشاره کرد و از جمله از شیرین عبادی، سیمین بهبهانی، شیرین نشاط و شهرنوش پارس‌پور نام برد.

در ادامه برگزاری این مراسم، دکتر استعلامی قطعه شعری از سروده‌های خود را در وصف ایران خواند و بعد از پذیرایی کوتاهی دو هنرمند جوان، ایمان صادق‌زاده و حسام دادآفرین به هنرمندی و نواختن موسیقی سنتی پرداختند.

محمد استعلامی با خواندن یک قطعه شعر از فریدون مشیری برنامه را آغاز کرد و از بنیان‌گذاران انجمن ادبی که با حضور و پایداری خود این انجمن را ۲۵ ساله کرده بودند تشکر و قدردانی کرد. وی سپس با اشاره به برنامه‌ریزی صورت گرفته از اینکه دکتر احمد کاظمی موسوی نتوانسته در این مراسم شرکت کند ابراز تأسف کرد و به دنبال آن خانم دکتر حورا یآوری از دانشگاه کلمبیا، با موضوع «ایران در گذر روزگاران» شروع به سخنرانی کرد.

خانم یآوری با حضور در جایگاه گفت: تشکیل این گونه انجمن‌ها با هدف حفظ

جشن بیست‌وپنجمین سال فعالیت انجمن ادبی ایرانیان مونترال

روز یکشنبه ۲۳ اکتبر ۲۰۱۱، ساعت ۴ تا ۷ بعد از ظهر، سالن شماره ۵۳۵ دانشگاه کنکوردیا شاهد حضور اساتید و هنرمندانی بود که برای برگزاری جشن تولد بیست و پنجمین سال فعالیت انجمن ادبی ایرانیان مونترال دور هم جمع شده بودند.

حضور چشمگیر مشتاقان ادب، به خصوص جوانان در برگزاری این مراسم بسیار دیدنی بود. در ابتدای مراسم دکتر



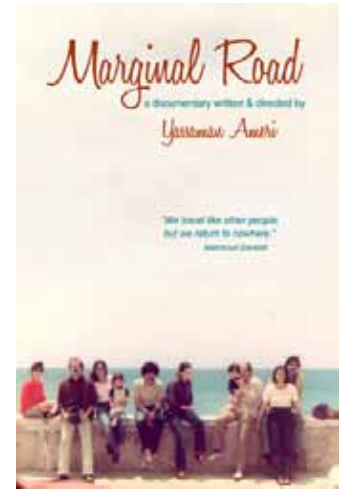
◀◀ ادامه در صفحه ۱۵

هفته تقویم برای رخدادهای جامعه ایرانی در مونترال

از پنجشنبه ۵ آبان ۱۳۹۰ - ۲۷ اکتبر ۲۰۱۱ www.Hafteh.ca Montreal@hafteh.ca

۲۸ اکتبر	<p>رونمایی کتاب: «جایی برای بودن» دانشجویان ایرانی مک‌گیل / سنا مژده</p> <p>17:30-Friday, Oct.28.2011 McGill Uni-Lev Bukhman Room</p>	۳۰ اکتبر	<p>سومین جلسه رزومه نویسی فرهنگسرای سینا / بابک عباسزاده</p> <p>17:00 Oct. 30, 2011 6528-Saint-Jacques-W</p>	۱۹ دسامبر	<p>شی با دکتر قدیریان نشریه پیوند / دکتر پرویز قدیریان</p> <p>19:00-Fri-Dec-16-2011 -Sherbrook-W4648</p>
۲۸ اکتبر	<p>فلسفه نیچه و نقد او به مدرنیته کتابخانه زاگرس / عطا هودشتیان</p> <p>18:00 Oct. 28, 2011</p>	۲ نوامبر	<p>سیامک نصر و گروه خورشید خانم جشنواره جهان عرب</p> <p>Wed-Nov.02.2011 La-Place-des-arts/Cinquieme-Salle</p>		
۲۹ اکتبر	<p>کلاس آموزش فتوشاپ کتابخانه زاگرس</p> <p>13:00 Oct. 29, 2011</p>	۴ نوامبر	<p>مفهوم مدرنیته با دکتر هودشتیان کتابخانه زاگرس</p> <p>NOV.04.2011</p>		
۲۹ اکتبر	<p>جشن هالووین تیش دیجیتال</p> <p>20:00 Oct 29 2011 Rose Bowl 6510 St Jacques</p>	۱۱ نوامبر	<p>افتتاح نمایشگاه نقاشی مکیک / مهرناز تنباکوساز</p> <p>Nov.11.2011.18:00 4438-rue de la Roche</p>		
۲۹ اکتبر	<p>آشنایی مهاجر با امور محضرداری کتابخانه زاگرس</p> <p>17:30 Oct. 29,200</p>	۱۹ نوامبر	<p>جشن سالانه: درخت آرزوها بنیاد نیکو</p> <p>18:30-Sat-Nov.19.2011 -Ave. Notre-Dame-de-Grace5319</p>		
۲۹ اکتبر	<p>گشایش نمایشگاه نقاشی خانه فرهنگ کت - دوسنز / خسرو برهمندی</p> <p>17:00-Sat-Oct.29.2011 5290-Ch. de la Côte-Des-Neiges</p>	۱ دسامبر	<p>جشنواره غذاهای ایرانی فرهنگسرای سینا</p> <p>Thu-Dec.01.2011 6528-Saint-Jacques-W</p>		
۲۹ اکتبر	<p>فینال مسابقه تخته نرد فرهنگسرای سینا</p> <p>14:00-29.Oct.2011 6528-Saint-Jacques-W</p>				
۳۰ اکتبر	<p>آموزش کامپیوتر به بزرگسالان کتابخانه زاگرس</p> <p>18:00 Oct. 30, 2011</p>				

اکران فیلم در حاشیه جهان در سینمای نو مونترال



در سالهای تبعید و مهاجرتش از خانواده و دوستانش برایش رسیده و با نماهایی که با سفر دوباره‌اش به پرتغال گرفته و گفتارش، که مهاجرتش را با قصه‌گویی روایت می‌کند، در خلق این اثر موفق شده است. برای موسیقی متن فیلم از آثار «شیدا قراچه داغی»، «محمد رضا علیقلی» و «آنسامبل فرناندو ریبررو» استفاده شده است. فیلم با کمک‌های مالی «شورای هنر کانادا» و «فیلم‌خانه ملی کانادا» ساخته شده است.

این فیلم در بخش سینمای کانادای چهلمین دوره «جشنواره سینمای نو» مونترال (Festival du Nouveau Cinéma FNC) به نمایش درمی‌آید. این جشنواره از ۱۲ تا ۲۳ اکتبر برگزار می‌شود.

یاسمن عامری پیش از «در حاشیه جهان» دو فیلم مستند «بهشت کجاست؟» و «روایت‌های مهاجرت» را برای شبکه تلویزیونی بی‌بی‌سی ساخته است. یاسمن هم‌اکنون در کالج «جان ابوت» John Abbott مونترال به تدریس عکاسی مشغول است.

درحاشیه جهان با عنوان لاتین Marginal Road اثر سینمایی یاسمن عامری، روز پنجشنبه ۲۰ اکتبر در سینمای نو مونترال اکران شد. به گزارش مجله شهروند، این فیلم ۵۷ دقیقه‌ای مروری است بر تجربه‌ای که اکنون بیش از سی سال از آن گذشته است. یاسمن عامری در مدرسه عالی سینما و تلویزیون درس خوانده است. وی همانند چند میلیون ایرانی دیگر در سال ۱۹۸۰ همراه با همسر و «صبا»، دختر خردسالش از ایران خارج شده با این امید که دوباره به وطن بازگردد.

فیلم «در حاشیه جهان» یک مستند شاعرانه تصویری - داستانی و دراماتیک است. نویسنده و کارگردان با استفاده از عکس‌های خود و نامه‌ها و عکس‌هایی که

مسابقه تخته‌نرد در فرهنگسرای سینا

عصر روز شنبه ۲۱ اکتبر، گروهی از طرفداران تخته‌نرد با حضور در فرهنگسرای سینا به رقابت با یکدیگر پرداختند. حسین میرزاخانی از برگزارکنندگان این مسابقه در این باره گفت: با حضور ۱۸ نفر از شرکت‌کنندگان اقدام به قرعه‌کشی کردیم و نکته جالب توجه این بود که در سری اول قرعه‌کشی



فیروز همتیان

مشاور املاک و مستغلات

- در مونترال و South Shore
- مسکونی و تجاری
- ارزیابی رایگان - تهیه وام مسکن

Firouz hemmatiyan
Chartered Real Estate Broker

Cell: (514) 827-6364
Bur: (514) 364-3315
Fax: (514) 364-3649
9515 Lasalle boul. Lasalle Qc.





VOYAGES SKY LAWN TRAVEL

آژانس مسافرتی اسکای لان

■ بهترین نرخ ها برای سفر به ایران واز ایران به سایر نقاط جهان
■ بهترین Package های سفر به جنوب گرم
■ تورهای مسافرتی به اقصی نقاط کانادا و آمریکا

شادی Cell: 514-660-7135 **یاسمین** Cell: 514-594-0344

shadim.sky@gmail.com ytaquiali@yahoo.com
www.skylawn.net www.skylawn.net

Tel: 514-388-1588 Fax: 514-388-2815
433 Chabanel Ouest, Suite 111, Montréal, P.Q. Canada H2N 2J3



Cheminée Perse

BBQ - Grill - Kabab

اولین رستوران fast Kabab ایرانی در کانادا

انواع کباب با پلو (کوبیده، جوجه، جوجه با استخوان) ۵/۹۹ دلار
وزیری (جوجه و کوبیده) + برنج + سالاد + سیب زمینی ۹/۵۰ دلار
سلطانی (چنجه و کوبیده) + برنج + سالاد + سیب زمینی ۸/۹۹ دلار
ساندویچ کوبیده ۳/۹۹ دلار
بختیاری (جوجه و چنجه) + برنج + سالاد + سیب زمینی ۷/۵۰ دلار

ساعات کار
دوشنبه تا چهارشنبه: ۱۱ تا ۱۸ / پنجشنبه و جمعه: ۱۱ تا ۲۰
شنبه و یکشنبه: ۱۱ تا ۱۷

هفت روز هفته با سه طبقه پارکینگ رایگان در خدمت شما

(514) 564-9790
Plaza Cote des Neiges / Food Court
6700 Cote des Neiges #178
Montreal H3S 2B2

165
Cote des Neiges




آموزشگاه زاگرس

آموزش دوره های کمک درسی
ریاضی، فیزیک، شیمی و زیست شناسی
اجرای پروژه های تحصیلی
کلاس های موسیقی
کلاس های هنری
آموزش فارسی به جوانان



کلاس های زبان (فرانس، اسپانیایی، انگلیسی، عربی)
آموزش کامپیوتر و فتوشاپ

تایپ و صفحه آرایی

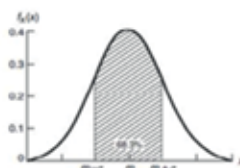


فیلمبرداری

عکاسی

زاگرس برگزار می کند

مشاوره آماری پایان نامه، تجزیه و تحلیل داده ها با
SPSS, SAS



- مشاوره در زمینه طراحی و
گزینش روشهای پژوهشی مدیریت
داده ها، طراحی پرسشنامه و ارائه
طرح نمونه گیری

- تنظیم گزارش کامل آماری همراه با رسم جداول و نمودارهای
مورد نیاز
- تجزیه و تحلیل آماری پایان نامه ها، طرحهای تحقیقاتی و
پروژه های دانشجویی

آموزش زبان فارسی به جوانان ایرانی و
به غیر فارسی زبانان را به ما بسپارید

5155 Décarie Montréal, Québec
H3W 3C2 CANADA
1(514)690-6343



دو نفر رقیب، کسانی بودند که در دوره های قبل تا مرحله فینال پیش رفته بودند و این بار باید در مرحله اول با یکدیگر رقابت می کردند که بعد از این رقابت سرسختانه، بالاخره یکی از آنها در مرحله اول بازی حذف شد.

میرزاخانن ادامه داد: در این مسابقه گروهها در ۵ دور به رقابت پرداختند تا اینکه دو نفر به فینال رسیدند. در هفته آینده، روز شنبه ساعت دو بعدازظهر، این دو رقیب در مرحله فینال به رقابت خواهند پرداخت تا برنده مشخص شود.

آشنایی ملتهای دیگر با موسیقی سنتی هدف ماست

با شروع فستیوال عربها در سالن اصلی place des arts، گروه موسیقی سیامک نصر در روز دوم نوامبر به اجرای برنامه می پردازد. این هنرمند، که بنا به گفته ی خودش فعالیتی ۳۰ ساله در زمینه یادگیری و تدریس موسیقی دارد درخصوص اجرای برنامه اش در این فستیوال ابراز داشت: از سال ۲۰۰۸ میلادی در فستیوالهای مختلف در مونترال شرکت کرده ام و با تشکیل گروههای موسیقی سنتی ایرانی به اشاعه فرهنگ موسیقی پرداخته ام و

تنها هدفم از این کار، آشنایی ملتهای دیگر با موسیقی ایرانی بوده است. در این فستیوال نیز گروهی که با من همکاری می کنند ترکیبی از هنرمندان ایرانی و کانادایی هستند. وی در خصوص علاقه هنرمندان خارجی به موسیقی سنتی ایران گفت: به دلیل ناشناخته بودن موسیقی ایرانی، زمانی که هنرمندان خارجی، کمی با این موسیقی آشنا می شوند مشتاق هستند تا بیشتر با این فرهنگ و موسیقی ارتباط برقرار کنند. اما کم کاری بسیاری از هنرمندان یکی از دلایلی است که مردم و هنرمندان این شهر با موسیقی ما آشنایی پیدا نکرده اند. از سوی دیگر حضور افراد غیرمتخصص در این زمینه نیز توانسته است تأثیر بدی بر روی موسیقی سنتی ما داشته باشد.

با دکتر هودشتیان: شش
خصوصیت اصلی سوز در مدرنیته
جلسه بعدی درس های فلسفه در

Advanced Aesthetics

کلینیک استتیک پیشرفته

مراقبت و زیبایی پوست توسط پزشکان ایرانی با مدارک معتبر
بین‌المللی از فرانسه، سوئیس و آمریکا

خدمات کلینیک: رفع موهای زائد صورت و بدن، درمان آکنه مقاوم،
جوانسازی پوست و رفع خالهای عروقی کوچک (با لیزر درمانی)،
بوتاکس-ژل- انواع Peeling و

تخفیف دانشجویی

Zaman.talieh@gmail.com

514-949-2116 514-639-1097

700 Bord du lac, Dorval, Quebec H9S 2B8

کتابخانه زاگرس با دکتر هودشتیان در تاریخ ۲۸ اکتبر برگزار خواهد شد و جلسه آینده، عصر روز جمعه ۴ نوامبر خواهد بود. در جلسه آینده به شش خصوصیت اصلی سوژه در مدرنیته و سپس مفهوم تسلط بر خود، تسلط بر دیگری، تسلط بر طبیعت و در نهایت تسلط بر جهان در مدرنیته غربی پرداخته خواهد شد. در جلسه قبل نیز شناخت بنیادین مدرنیته و چگونگی ورود مدرنیته به ایران و نخستین روابط ایران و غرب در دوره قاجار و در ارتباط با انقلاب مشروطه مطرح شد.

جلسه در کتابخانه نیما برای حمایت از جنبش « اشغال وال استریت »

روز جمعه ۲۱ اکتبر ساعت ۷ بعد از ظهر، در کتابخانه نیما با همکاری کمیته یادمان جلسه‌ای برای پیوستن و همراهی با جنبش اشغال وال استریت (اشغال مونترال) برگزار شد. رضا هومن، یکی از اعضای کتابخانه نیما در خصوص برگزاری این جلسه در این مرکز فرهنگی گفت: این کمیته با هدف همراهی با این جنبش که نمایانگر چشم‌انداز تازه‌ای برای آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی است، نشستی را در این مرکز برگزار کرد که با حضور چشم‌گیر جوانان روبه رو شد. در این جلسه شرکت‌کنندگان با همفکری درباره اینکه چطور می‌توانند به این جنبش که در سراسر دنیا علیه قدرتمندان و ثروتمندان انجام می‌شوند کمک کنند، به بررسی برنامه‌های خود پرداختند.

وی ادامه داد: قرار شد هر گروه یا جناحی به صورت فردی یا گروهی با شعارهای خود به این جنبش کمک کنند، به این ترتیب هر فرد با هر دیدگاهی که دارد با حضور در کمیته یادمان به این جنبش، که بخشی از آن مبارزه برای آزادی و دموکراسی برای ایران است، به فعالیت می‌پردازند. این گروهها وابسته به گروه سیاسی خاصی نیستند و تنها برای حمایت از این جنبش به فعالیت می‌پردازند.

رستوران یاس

با غذاهای ایرانی

با گنجایش ۵۰ نفر آماده پذیرایی از جشن‌های شماست



RESTAURANT YAS
Fine Persian Cuisine

5563 Upper Lachine
Montreal, QC H4A 2A6
514.483.0303

کالج حرفه و زبان کنکورد



www.collegeconcorde.com

In education we believe. Nous croyons à l'éducation

Collège agréé, Approved College

● کلاس‌های فرانسه و انگلیسی

● آمادگی برای TFI، IELTS و TOEFL

● دوره‌های تدریس مشاغل: حسابداری، مدیریت
معلمی زبان فرانسه CEFLSE و انگلیسی TESL

● کلاس‌های مشاوره و راهنمایی مسائل اداری - اجتماعی کانادا

گواهینامه‌های ما (Certificate) مورد تایید

اداره‌های دولتی کبک هستند

برای کلاس‌های کمک درسی در سطوح دبستان، دبیرستان،
کالج و دانشگاه در خدمت شما هستیم

www.collegeconcorde.ca

info@collegeconcorde.com

5440 Queen Mary suite 102 Montréal (Snowdon)
514 481-0555

تسلیم و همدردی

جناب رحمان اسماعیلی

درگذشت مادر محترم‌تان را به شما دوست
گرامی تسلیت می‌گوییم و در این غم جانگداز
خود را در کنار شما می‌دانیم. باشد تا
نیکوکاری‌های آن عزیز توشه‌ی آخرین سفرش و
سبب آرامش روح و روان او باشد.
برای شما و خانواده گرامی‌تان نیز شکیبایی
و آرامش آرزو می‌کنیم.

حسین پورشفیعی و خانواده

گفتگویی با بودای بامیان



در چند دهه اخیر، کشور جنگ‌زده ما افغانستان فصل غارت انسان‌های خونخوار و دزدان شده بود و این حالت تا به امروز، با شیوه دیگری ادامه دارد. همه اندوخته‌های معنوی ما در آتش جنگ ذوب شد و اکثر مظاهر فرهنگی، ادبی و هنری به «دار» کشیده و یا چور شد. خونریزی‌ها کلید قدرت و تحصیل عظمت شد و میراث‌های تاریخی چه در زیر سقف فرو افتاده موزیم کابل و چه در اماکن باستانی و شهرها به اسارت گرفته شد. اگر همسایه اعضای بدن اطفال دزدیده ما را در بازار قاچاق فروخته، همسایه دیگر حتی از دزدیدن سنگ‌های مقابر و دیوارهای مساجد هم دریغ نکرد. در این لابه‌لا، بوداهای بامیان، که حتی محمود غزنوی بت‌شکن و تیمور لنگ از شکستن آنها دست گرفته بود توسط تعدادی از وطن‌فروشان از هم پاشیده شد. روز اعدام پیکره‌های زیبای بامیان، پایان یک دوره درخشانی از تاریخ و نمادی از وحشت‌گرایی انسان‌ها است.

▲ بودای بامیان، ۱۷۳ فیت

تاریخ می‌گوید زمانی که از دل سنگ جان گرفتی، لبان متبسمی داشتی و دست راست تو از ناحیه آرنج به علامت صلح و دوستی بلند بود و چهره‌ات را هاله از نور احاطه کرده بود. آیا حقیقت دارد؟

◀ (بعد از یک لحظه سکوت) معذرت می‌خواهم اگر بی‌پرده‌تر صحبت می‌کنم. انسان در فطرتا موجود خودخواه و ماجراجو است، آرامش را تنها برای خود می‌خواهد و همیشه دنبال حادثه می‌گردد. دانه‌های شطرنج پیوسته از دانه‌های حریف خود هراس دارند، عیناً شبیه مردم دنیا که در تلاش غارت کردن یکدیگر هستند. امروز اگر به اکثر کشورها نظر بیندازیم می‌بینید که دقیقه به دقیقه در آفرینش حادثه و مصیبت، از یکدیگر پیش‌دستی دارند. سالهاست که سر و کله نفرت از خم هر کوچه کشورتان زبانه می‌کشد و در بین خانواده‌ها فاصله‌های عمیقی ایجاد گردیده است. امروز این عمل شعار زنده‌گی شما شده است. در قرن‌های که من شاهد جلال و شکوه خود بودم، تنها نیاز تاریخ بود که لبان متبسمی داشته باشم و همه را به آرامش، برادری و وحدت دعوت کنم. آتش در زیر خاکستر تا دیر زمانی نمی‌تواند بازی کند، یا خاموش می‌شود، یا دنیا را به آتش می‌کشد. نیروی چنگیز، آتیلا و هتلر، نمادهای زنده از زمره شما انسان‌های شریف بودند که با کارنامه‌های شرم‌آور خود سیر تاریخ انسانیت را تغییر دادند. فراموش نکنید امروز هم متأسفانه، آن نوع جنایات به شکل دیگر و با کیفیت و اندیشه دیگر، در روی زمین ادامه دارد. چه کسی می‌تواند جلو این زشتی‌ها را بگیرد؟ پاسخ روشن است، هیچ‌کس. به علتی که همه با یک صدا در آفریدن مصیبت‌ها، دست دارند، با همین برهان است که غرور ملی جای خود را به شرم ملی داده است.

شهباز پیکرتراشی، توجه آنان را جلب کرده بودم. اما دریغ فراوان! امروز شرایط تغییر کرده، حتی نزدیک شدن در حریم من، حکم مرگ را به خود گرفته است. تا دیروز سمبول روشنایی در تاریخ شما بودم و امروز به حیث یک سمبول گناه، محکوم به مرگ شده‌ام.

پس اجازه بده که با خشن‌ترین سؤال خود آغاز کنم. از چند روز به این طرف، داغ‌ترین خبر در امواج رادیوها و تلویزیون‌ها و نشرات دنیا، موضوع محکومیت به مرگ تو است. بعد از گذشت یک هزار و ششصد سال، چه باعث شد که دره زیبای بامیان را ترک گوئی؟

◀ این سؤال شما، افکار مرا به گذشته‌های دور می‌کشاند، به گذشته‌هایی که اکثر کشورهای امروز تولد نشده بودند. از اینکه یک روز به موجودیت من باقی مانده و فردا تاریخ اعدام من قطعی شده است، ترجیح می‌دهم جسارت بیشتر برای اندیشه‌هایم داشته باشم و کمی رازگویی کنم. شانزده قرن پیش یک مرد مقتدر تصمیم گرفت که در ساحه امپراتوری او، در دامنه سرسبز بامیان که هنوز دست بشر آن را آرایش نداده بود، تولد شوم. یک قرن کار بود که وجود من از بین سینه و رگهای این صخره عظیم بیرون برآید. تولد من تولد قرن بود. میلیون‌ها زایر چشم به راه من دوخته بودند تا از نیستی‌های تاریک یا به هستی روشن بگذارم. نیاز تاریخ هم همین بود که آفرینش من رشته وصل بین عقیده و بی‌عقیدتی باشد. اما امروز تقدیر من با سرنوشت بدی پیوند خورده که باید پاداش گناهان خود را بپردازم.

«گفت‌وگو» بی‌را که یوسف کهزاد با بت بامیان یک روز پیش از فروپاشی‌اش داشت به پیشگاه همه علاقه‌مندان تقدیم می‌کنم. در این گفت‌وگو، نامه‌نگار آقای کهزاد است.

ساعت چهار بعدازظهر است، خورشید آخرین شعاع کمرنگ خود را به سر تا پای بودا چسپانده و چنین معلوم می‌شود که نمی‌خواهد این ماتم‌زده را به عنوان وداع به زودی ترک بگوید.

گفتگو آغاز می‌شود.

باور کن کریستف کلمب به خاطر کشف امریکا آن قدر زحمت ندیده بود که من برای رسیدن تا دره بامیان دیدم.

◀ من شما را در ک می‌کنم. زمان در حرکت خود، پیوسته شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را تغییر می‌دهد. سال‌ها بود که جهانگردان، از کشورهای مختلف، بدون کوچکترین موانع به تماشای من می‌آمدند و عکس‌های یادگاری برمی‌داشتند. من پیش آنها یک سمبول قابل پرستش نبودم، تنها به حیث یک

تهران، بلوار آفریقا، خیابان تور، پلاک ۶۶
 تهران ۰۲۱-۲۲۰۲۵۰۸۴
 مونتترال ۷۲۶ ۷۳۴-۹۰۳۴-۵۱۴
 تورنتو ۸۴۸ ۴۲۹۱-۶۴۷
 ونکوور ۵۷۳ ۹۰۹۳-۶۰۴
 نمابر: ۷۲۶ ۴۳۹۴-۵۱۴
www.parscanada.com
info@parscanada.com

کنپارس

شرکت

خدمات مهاجرتی

- مهاجرت به کانادا از طریق:
- سرمایه گذاری فدرال و کبک
- نیروی متخصص فدرال و کبک
- کار آفرینی فدرال و کبک
- برنامه های استانی شامل:
- مینتوبا، نیو برانزویک،
- پرنس ادوار دآیلند، ساسکاچوان و ...



با مدیریت علی مختاری
 عضو انجمن کانادایی
 مشاوران مهاجرت (CSIC)
 عضو کانون وکلای تهران

PARSCANADA.COM

آخرین اخبار و مقالات در ارتباط با مهاجرت، کار و زندگی در کانادا
 را در سایت ما بخوانید.

از ضرورت آفرینش خود، چه شعاری به مردم داشتی؟

گرچه من یک جستجوگر خاموشی هستم، ولی در پرده خاموشی‌هایم، فریادهای زیاد نهفته است. شعار من دعوت به آرامش، فروتنی، رستگاری، صلح و عدم تشدد بود. امروز این فلسفه در دنیای مدرن حکم یک سکه قلب را به خود گرفته است. ولی نباید فراموش کرد که اخلاق و نجابت، تجلی‌دهنده جوهر انسان است. دنیای بی‌تعادل شما، پیش از تکنولوژی و کمپیوتر به «آدم درست» ضرورت دارد. نگاه کنید با گذشت صد سال در پیکر تکیده من هنوز خون تاریخ جاری است، مرگ من سقوط پایه‌های آئین بودیزم نیست. همین نیایش‌ها برای من، یک بحث تاریخی است. در این دنیا پیروانی هستند که من از عشق، شادی و از خواسته‌های‌شان احساس خوشی می‌کنم.

با گذشت هزار و شش‌صد سال که امروز در ظلمت ابدی جا داری و از هیاهوی زنده‌گی شرم‌آور چشم پوشیده‌ای، چه احساس داری؟

◀ (می‌خندد) احساس یک محکوم به مرگ. احساس من شبیه حبایی است که در چنگال امواج دیوانه، زنده‌گی کوتاه دارد. امروز زنده‌گی به یک دامگاه تزویر تبدیل شده است که بیشتر تحمل ادامه دادن آن را ندارم. همه احساس در من مرده است. تنها به فردای خود می‌اندیشم که تاریخ بامیان از نبود من، برای همیشه عزادار خواهد بود.

تو کتاب باز و آیینۀ تاریخ ما هستی، تا آن جایی که می‌بینم هنوز خون تو خشک نشده است و هنوز اشک‌های تو در برابر قبیح‌ترین برنامه‌های بشری، در حال چکیدن است. آیا با همه گذشته‌های درخشانی که داشتی، سکوت و فراموشی ابدی آینده برایت رنج‌آور نیست؟

◀ سکوت هم یک فریاد خاموش و من احساس ترا خوب درک می‌کنم، تو یک مشعل فروزان در سینۀ تاریخ ما هستی، آیا فکر کرده‌ای که بعد از تو، بامیان چه سرنوشتی خواهد داشت؟

◀ می‌دانم تنهایی زشت است، ولی بامیان مجبور است که تنهایی را بپذیرد. من از مرگ نمی‌ترسم، ولی از تنهایی بامیان می‌ترسم که فردا شاهد مرگ من خواهد بود. سکوت امروز من، فردا به فریاد تبدیل خواهد شد و سنگپاره‌های

وجود من به گوش همه جهانیان قصه‌های ناگفته من را خواهند گفت. امروز می‌بینم که همه چیز با زور سرکوب می‌شود؛ زور دستور می‌دهد و کم‌زور اطاعت می‌کند.

چه فکر می‌کنی که رفتن تو از این سرزمین، بر پیکر تاریخ ما چه اثری خواهد گذاشت؟

بهبتر است پاسخ این سؤال را از تاریخ فردای خود بجویید. چند ساعتی به فکری من باقی نمانده است، شدیداً احساس رهاشدگی از تاریخ شما می‌کنم. من می‌روم اما روح من همیشه در سینه صخره‌ها، باقی خواهد ماند. از چند روز به این طرف می‌بینم که طبعیت بامیان با همه زیبایی‌هایش به خاطر وداع آخرین من گریه می‌کند. پرنده‌ها بی‌آشیانه می‌شوند و پارچه سنگ‌های وجود من یک روزی دامن تاریخ و ظالمان را خواهند گرفت.

تو می‌دانی که دنیا بالای ارزش‌های هنری و تاریخی تو، به این اندیشه است که تو زیباترین شهکار دوره بودیزم در دنیا استی. آنان شب و روز در تلاش هستند که تو را از این محکومیت نجات بدهند، تا تاریخ بی‌هویت نگردد.

«می‌خندد» همه چیز را می‌دانم، ولی نقش‌های که روی صحنه به خاطر نجات من بازی می‌شود، خلاف سناریویی می‌باشد که در پشت پرده نوشته شده است. بعضی از کشورها که ظاهراً به فکری من احساس دل‌سوزی می‌کنند، در باطن از تماشاگران صادق فردای من خواهند بود. شاید فروریختن پارچه‌های وجود من، به اعتبار بین‌المللی‌شان بیافزاید و آوازشان در فضای این دنیای دیوانه رساتر شود.

آیا برای پاداش مفکوره‌های تاریک خود نمی‌توانستند به غیر از محکومیت تو راه دیگری جستجو کنند؟

البته راه‌های زیاد وجود داشت، ولی موجودیت من، گناه بزرگتر از همه گناهان تعبیر شده است. دست‌ها به تنهایی صدا ندارند، ولی در پشت پرده بازی‌های خطرناکی می‌آفرینند. انسان دیروز شبیه انسان امروز نیست، من به همه یارانی که از دست رفته‌اند و به همه یارانی که مانند من به نوبت در خط مرگ ایستاده‌اند، سر تعظیم و احترام خم می‌کنم. می‌دانم که مرگ من یک جنایت هولناک در تاریخ معاصر است و این افسانه قرن‌ها، قصه ویران شدن کاخ یک مدنیت خواهد بود و کسانی که در مرگ من دست دارند از زمره برده‌گان به شمار می‌روند که تنها برای خدمت اربابان زاده شده‌اند.

گفتار تو احساس مرا به یک آینده تاریک می‌کشاند، تاریخ ما با نام تو گره خورده و وداع تو، برای ما وداع ساده نخواهد بود. رفتن تو، رفتن نور از آشیانه تاریخ ماست. از همین بی‌تفاوتی‌ها بود که یک دست مردانه برای نجات تو دراز نشد و در این بازی ترا تنها گذاشتند.

برخلاف، دست‌ها دراز شد، اما در قهر ظلمت‌ها، قابل دید نبودند. بسیار دیر است اگر بخواهند یک شمع کاملاً آب‌شده را دوباره روشن کنند. زنده‌گی شکل یک نمایشنامه را دارد که بازیگران در جریان تاریخ عوض می‌شوند و سوزها تراژیدی‌تر می‌گردد. اساساً من چراغی بودم که آغاز و انجام من برای سوختن بود. من شکوه و جلال خود را سالهاست گم کرده‌ام و در گردن تاریخ شما آویزان بودم. بگذار اعتراف کنم که در مسیر تاریخ، شاهد کشورگشایی‌هایی بودم که رویاهای مرا به ناقوس تعصبات آویخته و با سنگپاره‌های خشم، طبعیت رام‌نشده مرا، در کوهستان‌های غربال‌شده تعصب سنگسار کردند. برعکس تیمور لنگ که در تاریخ شرق سمبول وحشت و خون‌ریزی بود، در پای پیکر سالخورده من ایستاد و به سربازان خود گفت: «من حالا با دشمنی روبه‌رو هستم که هیچ دفاع از خود کرده نمی‌تواند و با آرامش کامل در برابر من ایستاده است. کمال نامردی من خواهد بود که بر ضد او به مبارزه برخیزم و شهرت خود را با یک عمل ناجوانمردانه از دست بدهم.» اما دست‌های ناپاک دیگر، چشم‌های مرا کور کردند و روی مرا تراشیدند، هیچ افتخاری نداشتند جز اینکه خون بریزند و ملت بیگناه را از برق شمشیر خود بترسانند، آنها با وجود «بزرگواری و شجاعت» بیمارانی بودند که از برهم زدن آرامش دیگران، لذت می‌بردند.

امید است در جریان فرادهای نزدیک، فرزندان صادق و وطن‌پرست، ارزش‌های تاریخی تو را دوباره در جدار کبیر بامیان تجلیل کنند و به آشیانه فروریخته تو ارج بگذارند. عقیده تو در این زمینه چیست؟

این پرسش شما را آینده‌ها می‌تواند پاسخ گوید. آیا یک ظرف شکسته شراب قادر است که حیثیت و کیفیت خود را در میخانه حفظ کند؟ من فردا، حیثیت همان شیشه را در تاریخ شما خواهم داشت؛ اشکی که چکید و شیشه که شکست، برداشتن آن از روی خاک کار عاقلانه نیست. این نکته را باید علاوه کنم که بعد از مرگ من، تاریخ بامیان را از یاد نخواهند برد، بامیان بستر فروافتاده مرا با تمام ارزش‌های تاریخی‌اش حفظ خواهد کرد و به کسی اجازه نخواهد داد که لباس عاریتی، روی پیکر متلاشی‌شده من کشیده شود. بامیان دوهزارسال تاریخ مرا با همین حالت پذیرفته است و خرابه‌های من نیز برای جهانگردان همان اصالت خود را خواهد داشت.

یک محکوم که روی خط اعدام ایستاده است، به چه بیشتر فکر می‌کند؟

«بعد از لحظه تفکر» در آغاز احساس او متوجه گناهیانی است که مرتکب شده است. فکر می‌کند جزایی که برایش تعیین شده با گناهی که مرتکب شده است آیا عادلانه و منطقی است یا نه؟ گذشته‌ها مانند برق از نظرش می‌گذرد و آینده بالاتر از تصور، زیبا در ذهنش تجلی می‌کند. این اندیشه‌ها ثانیه به ثانیه ذهنش را متلاشی می‌سازد. فکر می‌کند با گذشتن هر لحظه از هستی خود فاصله می‌گیرد و به سوی نیستی نزدیک‌تر می‌شود، خود را محکوم می‌کند که بیهوده تولد شده است. همه جهان و بشریت را با تمام قضاوت‌هایش دشمن خود می‌پندارد، و پیش‌بینی می‌کند که اجتماع با او بسیار بیرحمانه رفتار کرده است. من این حق را به خود می‌دهم که همه شما را محکوم کنم که حالت سکوت من این‌قدر اسباب ترس و نفرت را در برابر عقیده و اندیشه‌های‌تان فراهم کرده است. من کوچکترین علاقه به برائت خود ندارم، اما اگر قضاوت با این خشونت در آینده‌ها ادامه پیدا کند، بنیاد جامعه متزلزل خواهد شد. در همین لحظه، همه عشق در وجود من مرده است. به غریقی شبیه شده‌ام که بدون تلاش، در چنگال امواج دیوانه خود را تسلیم کرده است. من به خاطر کسانی گریه می‌کنم که فردا به سرنوشت من مواجه خواهند شد، بدون اینکه بدانند چه صدمه بر پیکر جهان بشریت زده‌اند.

آخرین پیام تو به دنیا چیست؟

مرگ من یک بهانه است. من می‌میرم، شما می‌میرید، اما زنده‌گی ادامه خواهد داشت. به مردم بفهمانید که هیچ چیز، مقدس‌تر از محبت و دوستی نیست. یتیمان نیاز به نوازش دارند. گرسنه‌ها از شما جز لقمه نان چیزی بیشتری نمی‌خواهند. به دنیا بگویید که سلاح، زبان رسای انسان شریف نیست. مردم دنیا باید به کرامت‌های خود، ارج بگذارند و در ساختن ارزش‌های والای انسانی بکوشند. دست‌های‌تان را به پاک کردن اشک‌ها عادت دهید و به خاطر فشردن گلوها دراز نکنید. عشق تنها برای عشق کافی است. نفرت آهنگ دل‌انگیز در دلها ندارد. اجازه دهید که دیگران نفس بکشند. انسان خوب باشید تا دنیا را با وجدان آرام ترک بگویید. من می‌روم و بامیان عزیز را به شما می‌سپارم.

فردای آن روز در میان وحشت و سکوت مرگبار جوامع بشری، بودا اعدام شد. رفتن او رفتن نور از آشیانه تاریخ ما بود و تا امروز از پیکر تاریخ و فرهنگ ما خون می‌چکد.



MSMILINE
DENTAL HEALTH CENTER



دکتر رامین میرموجی

دندانپزشک در کلینیک

مجهز وست آیلند و MSmiline

از دوشنبه تا شنبه برای هموطنان

Tel: 514-675-3332

4935 St-Charles boulevard, Pierrefonds, QC H9H 3E4

www.msmiline.com

خدمات حسابداری و دفترداری

سرور صدر SOROOR SADR

امور دفترداری و حسابداری

تهیه و تنظیم اظهارنامه مالیاتی

تأسیس و ثبت شرکتها

ACCOUNTING AND BOOKKEEPING SERVICES

With Appointment

Gestion Financière Loyale

5263, boul Cavendish, Montreal, Quebec, H4V 2R6

514-777-3604

loyale.accounting@gmail.com



مهاجرین عزیز

- آیا می‌دانید که خریداران نیازی به پرداخت پورسانت ندارند؟
- هدیه‌ی ما به خریداران: ۱۲۰۰ دلار هزینه محضر
- اخذ وام برای مهاجرین با کمترین پیش‌پرداخت و بهره
- مشاوره رایگان و سرمایه‌گذاری در املاک

مشاور املاک

نادر خاکسار

514-969-2492

Five Star I.P.M Inc.
صرافی ۵ ستاره
Foreign Exchange & Transfer
اعتبار ما اعتماد شما است
امکال سریع ابر به ایران و سایر نقاط جهان و بالعکس
موجوهر فریبنايان
سندل از رهاك راجح بس العلق نا نهمين رخ بوجا كار موزه
2178 Ste-Catherine West Tel.: 514 585 2345 , 514 846 0221

SHARIF EXCHANGE
ارز شریف
Tel: (514)561-6408 www.sharifexchange.ca
Tel: (514)223-6408 259 Côte-Vertu Ville Saint-Laurent, QC

دیدگاه

قلندران حقیقت به نیم‌جو نخرند، قبای اطلس آن‌کس که بی‌هنر باشد!

■ امیرآرش

aarmid@gmail.com

از روزی که چشم باز کرده‌ایم، پدر و مادر و بزرگترها و بخصوص آنها که عاشق نصیحت کردن هستند، در گوشمان خوانده‌اند که فرزند دلبندم! تا می‌توانی درس بخوان تا در آینده برای خودت کسی بشوی. در نتیجه با درس بودن شد برایم یک نفس، معنی ناب کلام زندگی!
خلاصه همه چیز از بازی‌های کودکان تا پرداختن به خواسته‌های درونی‌مان، فدای آینده‌ی روشن از راه تحصیل شد. عمری با سیلی صورت خود را سرخ نگه داشتیم و مانند «کوزت»، آن دخترک بی‌پناه داستان «بینوایان» چشیدن شیرینی لذت‌های پشت ویتترین زندگی را به آینده‌ی نزدیک حواله کردیم.

خواندیم و نوشتیم و آموختیم و هر چه بیشتر جستجو کردیم، کمتر یافتیم. دست آخر در میان انبوهی از تابلوهای ورود ممنوع، دست روزگار پس گردنمان زد و درب باغ سبز «مهاجرت» را نشانمان داد. خلاصه رفتیم و در صف سفارت دولت فخریه کانادا زنبیل گذاشتیم. ولی کسانی بودند که قرار نبود مانند ما هفت خوان رستم را طی کنند، چون سرمایه داشتند. دیرتر از ما آمدند و بدون نیاز به نمره زبان و کاغذبازی‌های آنچنانی، خیلی زود کارشان راه افتاد و به خواسته خود رسیدند. باز خود را دلداری دادیم که گرچه قبای اطلسی نداریم، اما جایی هست که هنرمان خریدار خواهد داشت. خلاصه پس از بررسی امنیتی خودمان و جد و آبادمان، و سگ‌دو زدن فراوان، با کلی منت مفتخر به دریافت ویزای مهاجرت شدیم.

وقتی پای بر خاک دولت فخریه گذاشتیم، تازه دوزاری‌مان افتاد که نه تنها اینجا هم آسمان همان رنگ است، بلکه اسم و رنگ چشم و عادت‌هایمان هم در دسر ساز است! مدارک تحصیلی و سابقه کارمان را گذاشتیم در کوزه و با اندک پس‌انداز باقی‌مانده دوباره راهی دانشگاه شدیم. در دانشگاهی که اکثریت دانشجویانش را مهاجران و خارجی‌ها تشکیل می‌دهند، کمی به آینده امیدوارتر شدیم. غافل از آنکه در کشوری که حدود ۳۰ درصد دانش‌آموزان حتی دیپلم دبیرستان هم نمی‌توانند بگیرند، باز سهم مهاجران و خارجی‌ها از رده‌های بالای مدیریتی کمتر از ۱۰ درصد است!

آن سو مایه‌دارها زودتر از ما آمدند و جذب بازار شدند و بر داشته‌هایشان افزودند. خریدند و گشتند و لذت زندگی را بردند و ما همچنان چون «کوزت» پشت ویتترین زندگی افسوس خوردیم و به انتظار «ژان وال‌ژان» رهایی‌بخش نشستیم. چون کسی که پشت پرانتر زندگی‌اش یک منفی گذاشته باشند، هر چه بیشتر تقلا کردیم، بیشتر به مرداب ناکامی‌ها فرو رفتیم. هر چه انتظار کشیدیم خبری از «ژان وال‌ژان» نشد، گویی او هم این روزها قبای اطلس دیگران را به هنر ما ترجیح می‌دهد!

اختر نراقی در حال امضای کتاب برای سارا شیکوتین، یکی از دستارانش



دکتر اختر نراقی شاعر و نویسنده ایرانی ساکن مونترال را به عنوان یکی از برگزیدگان خود در لیست سال ۲۰۰۵ ثبت کرد و تقریباً به طور هم‌زمان، «انستیتوی آمریکایی زندگینامه بزرگان» American Biographical Institute, Inc. - ABI نیز نام وی را در لیست «متفکران بزرگ قرن بیست و یکم» وارد کرده است.

لیست «نامداران کانادا» نیز از سال ۱۹۹۹، هم‌ساله نام دکتر اختر نراقی را در خود جای داده است.

«خانه بزرگ سبز» The Big Green House شروع رمان سه گانه این نویسنده بود که با Blue Curtains و With Mara that Summer به پایان رسید و در ادبیات داستانی کانادا جای خود را باز کرد.

نراقی در سال ۱۹۹۸ جایزه «هلن پرایز» را بنیاد نهاد که این جایزه در اولین سال خود به بیست زن از سراسر جهان تعلق گرفت که کارنامه‌های درخشان از خود در دفاع از صلح، مخالفت با خشونت، به‌ویژه مبارزه با خشونت علیه زنان و کودکان به نمایش گذاشته بودند.

رونمایی اثر جدید اختر نراقی، نویسنده کانادایی ایرانی تبار

■ ژیل گاکنه

واقعیت که داستان این کتاب در گسپه اتفاق می‌افتد و نویسنده خود چند ماه از سال را در این شهر به سر می‌برد، در مجموع نمایان‌گر دلیل انتخاب گسپه به عنوان محل رونمایی کتاب است.

در ادامه گزارش این نشریه انگلیسی‌زبان آمده است: «نراقی به نقاط مختلف دنیا سفر کرده و کشورهای بسیاری را دیده است اما تأکید می‌کند که شهر گسپه و خلیج گسپه جای ویژه‌ای در قلب و ذهن او دارند.»

روزنامه از قول اختر نراقی که در برنامه رونمایی کتاب خود صحبت می‌کرد، می‌افزاید: «این محل، پاکي و خلوص دوران کودکی را زنده می‌سازد و زندگی کودکان را بازمی‌گرداند (...). این کتاب برایم عزیز است چرا که به گسپه می‌پردازد (...). من عاشق زیبایی طبیعی

جدیدترین اثر دکتر اختر نراقی مورد استقبال جامعه کانادایی قرار گرفت. نراقی این اثر خود را که همچون دیگر داستان‌هایش، به زبان انگلیسی نوشته و «On the Train to my Village» (در قطاری به سوی دهکده‌ام) نام دارد، در شهر زیبای ساحلی گسپه رونمایی کرد.

روزنامه محلی Gaspe Spec درباره‌ی این برنامه که روز ۱۶ اکتبر ۲۰۱۱ برگزار شد، نوشته است: «شاید در نگاه اول اینکه اختر نراقی کتاب خود را قبل از مونترال در گسپه رونمایی کرده است، برای برخی تعجب‌برانگیز باشد اما آنها که او را می‌شناسند می‌دانند که او عمیقاً با این محل پیوند دارد. این

رایاتک

شریک شما برای رسیدن به موفقیت

- ✓ میزبانی وب سایت
- ✓ طراحی وب سایت
- ✓ بهینه سازی روی جستجوگر گوگل
- ✓ تبلیغ بروی گوگل
- ✓ ارسال خبرنامه الکترونیکی
- ✓ تبلیغات بنری بروی سایت های بریننده

Tel : ۵۱۴ ۹۷۵ ۲۱۱۱
www.Rayatec.com
info@rayatec.com

CompuXellence

تعمیر کامپیوتر

لپ تاپ کامپیوتر

www.compuXellence.com

2155 Mackay, Montreal, H3G 2J2 (514) 849-5231

INSTITUT TECHNIQUE AVIRON TECHNICAL INSTITUTE DE MONTREAL

روباهای خود را واقعیت ببخشید



- جوشکاری و قالب‌سازی
- مکانیک اتومبیل
- طراحی صنعتی (اتوکد)
- برق کاری
- الکترونیک
- محافظ امنیتی
- طراحی سه بعدی
- جوشکاری عمومی
- جوشکاری تحت فشار

D.E.P 1800 hours
vocational Diploma:

- Welding & Fitting
- Auto Mechanics
- Industrial Drafting (AutoCAD)
- Electricity
- Electronics

Certificates
& Attestations:

- Security Officer
- Autodesk Inventor
- General Welding
- High Pressure Welding

Loans & bursaries available.
Lifetime placement service.



514.739.3010 De La Savane
WWW.AVIRONTECH.COM West of
5460 Royalmount, Ville Mont-Royal Décarie Blvd.



دیدگاه

درخت تو گر بار دانش بگیرد به زیر آوری چرخ نیلوفری را

■ امیر آرش

aarmid@gmail.com

پدیده دانش‌اندوزی به عنوان یکی از مهمترین دستاوردها و هدف‌های انسان، ماهیتی متناقض، نوستالژیک و دراماتیک دارد. بسیاری باور دارند که این سرمایه با ارزش انسانی، فراتر از چهارچوب زمانی و مکانی، ارزش خود را حفظ کرده و همواره یار و یاور آدمی خواهد بود.

در این دوره و زمانه که آدمیزاد به حاضری‌خوری و پاک کردن صورت مسئله، پس از برخورد با مشکلات عادت کرده است، گاهی اتکا به درخت پربار دانش دردسرساز می‌شود. کافی است که کمی ظرفیت جوگیر شدن را داشته باشید، تا موج‌های سونامی مهاجرت کورکورانه شما را چون کریستف کلمب به جای ساحل هند، به ناکجاآبادی چون کانادا ببرد.

در سال اول به بهانه‌های مختلف از جمله آموزش زبان یا گذراندن دوره‌های آموزشی کوتاه‌مدت، شما را پی نخود سیاه می‌فرستند، تا خزانه دولت فخیمه از بخشی از پس‌اندازتان بهره‌مند گردد. بعد از مدتی به شما می‌فهمانند که بدون داشتن مدرک تحصیلی در این کشور، کار درست و حسابی نصیبتان نخواهد شد. مدرک تحصیلی و نامه سابقه کار گذشته‌تان هم در بیشتر موارد به درد موشک درست کردن می‌خورد. خلاصه مجبور می‌شوید دوباره وارد تحصیل شوید. در کشوری که حدود سی درصد جوانانش حتی دیپلم دبیرستان هم نمی‌گیرند، شاید تحصیل بهترین راه ترقی باشد. با این خیال خام باز از جیب مبارک خرج کرده و چون «کوزت»، آن دخترک بی کس و کار داستان «بینوایان»، تنها به دیدن چیزهای خوب از پشت شیشه‌های فروشگاه‌ها بسنده می‌کنید، به امید آن روز بزرگ.

آن‌گاه با یک تناقض عجیب مواجه می‌شوید. در دانشگاه بخش قابل توجهی از دانشجویان غیربومی هستند، به‌ویژه در کارشناسی ارشد و دکترا. حالا اگر به شما بگویند که کمتر از ده درصد مدیران ارشد این کشور را مهاجران تشکیل می‌دهند، چه حالی به شما دست می‌دهد؟

خیلی که خوش‌شانس باشید، پس از چندین بار رد شدن در مصاحبه کاری، با کلی منت، یک کار دسته‌دیزی با یک حقوق بخور و نمیر به شما می‌دهند، تا بتوانید بدهی‌هایی را که در چند سال گذشته بالا آورده‌اید، پرداخت کنید. در ادامه با امضای یک قرارداد طولانی‌مدت خانه، افسار زندگی‌تان به دست بانک مربوطه افتاده، تا برای همیشه زیر سایه دولت فخیمه کار کنید و بیش از نیمی از حقوقتان را به عنوان مالیات تقدیم آنها کنید.

اینجاست که باید گفت که درخت دانش نه تنها در همه شرایط بار نمی‌دهد، بلکه چشمی حقیقت‌بین می‌خواهد تا بدانیم بر این درخت زندگی چه بکاریم و ریشه‌اش را در چه خاکی استوار کنیم. گاهی بهتر است که مثل پینوکیو چیزهای دیگری مانند سکه‌های طلا را در زیر درخت چال کنیم، تا شاید نتیجه بهتری بگیریم. البته مراقب روباه مکار و گربه نره‌های بی‌شمار زمانه باشید، تا دست از پا درازتر دنیای فانی را ترک نکنید!

Une Nuit De Piano Perse Persian Piano Night

Performance des Oeuvres pour Piano par les Persan Compositeur Contemporains/
Performance of Piano Works By Persian Contemporary Composers

Aminoullah Hossein
Ardeshir Rohani
Keyan Emami
Pouya Hamidi
Saman Shahi
Afarin Mansouri

Samedi Oct. 29th, 8:00 p.m.

Chapelle Saint-Louis de
l'église Saint-Jean-Baptiste
4230 Rue Drolet
Montreal, Quebec H2W 2L6

Performers:

Keyan Emami, Pouya Hamidi,
Maziar Heidari, Saman Shahi

Billets en prévent à l'adresse suivante:
www.icot.ca et à la porte;

Purchase Tickets online:
www.icot.ca or at door

Admission:

Réguliers/Regular \$20
Etudiants/Students \$10

با حمایت:



HAFTEH.CA



Design by Maryam Kafi, maryamnilgooni@yahoo.com



▲ منزل یک میلیون دلاری هیوا، دانشجویی ۱۸-۱۹ ساله، دختر مهرگان امیرخسروی در مونتreal - Photo: HafteH

مهرگان امیرخسروی و طوبی عبدالله زاده سیاهکلی، شرکای متهم اختلاس میلیارد دلاری در مونتreal!

مهرگان امیرخسروی در تاریخ ۱۲ آبان ۱۳۸۹ به عنوان عضو هیأت مدیره «شرکت توسعه سرمایه‌گذاری امیرمنصور آریا» سهامی خاص اعلام شده است. این شرکت به شماره ۲۷۳۲۱۰ از سال ۱۳۸۵ در دفتر اسناد رسمی کشور ثبت شده است.

شرکت مذکور یک هلدینگ است که زیرمجموعه‌ی گسترده‌ای از مؤسسات صنعتی، کشاورزی، خدماتی و ورزشی را دربرگرفته است.

بنا به گزارش وبسایت «عصر امروز»، این هلدینگ در گزارش رسانه‌ها، در تاریخ ۲۸ خرداد ۱۳۸۵، تحت شماره ۲۷۳۲۱۰ به ثبت رسیده است. دامنه فعالیت آن بسیار گسترده بوده و از سرمایه‌گذاری در خرید، مشارکت، اداره، در اختیار گرفتن، تأسیس،

در ساختمان ۳۶۰ خیابان سن‌زاک غربی در مونتreal شد. اتاق ۳۲۰ این ساختمان، دفتر رسیدگی به درخواست‌های مهاجرت از طریق سرمایه‌گذاری است.

مهرگان امیرخسروی برادر و شریک تجاری مه‌افرید امیرخسروی است که اکنون به اتهام دست داشتن در اختلاس سه‌هزار میلیاردی و چند فقره اتهام دیگر در زندان به سر می‌برد. لازم به ذکر است که این فرد با نام امیر منصور آریا شناخته می‌شود و با این نام نیز فعالیت‌های اقتصادی بزرگ می‌کرده است.

خانواده‌ی مهرگان امیرخسروی از سال پیش ساکن مونتreal کانادا هستند. او خود بعد از دستگیر شدن برادرش در مرداد ماه ۱۳۹۰، به کانادا آمد.

طبق سند شماره ۸۷/۳۲/۱۴۰۶۱، منتشرشده در «روزنامه رسمی» ایران، آقای

تصویر روی جلد از راست به چپ: مهرگان امیرخسروی، طوبی عبدالله زاده سیاهکلی و وکیل مهاجرت خانواده امیرخسروی، ساختمان اداره مهاجرت کبک در ۳۶۰ سن‌زاک غربی، در مونتreal

Cover photo: HafteH / Lorraine Goh

■ خسرو شمیرانی

پنجشنبه ۲۰ اکتبر ۲۰۱۱، ساعت ۱:۳۰ دقیقه بعد از ظهر، چند ساعت قبل از اینکه مقامات کانادا شروع تحقیقات درباره چگونگی شهروند شدن محمودرضا خاوری، و بررسی احتمال جعل در درخواست شهروندی وی را اعلام کنند، مهرگان امیرخسروی همراه با همسر، وکیل و یکی از اقوام‌اش وارد اتاق شماره ۳۲۰

در تاریخ ۲۲ جولای ۲۰۱۱، کمتر از دو سال بعد از حضور در مونترال خانم هیوا امیرخسروی، دختر ۱۸-۱۹ ساله آقای مهرگان امیرخسروی ساختمان شماره ۲۱۷ در خیابان Dali در وست آیلند مونترال را به مبلغ یک میلیون دلار به نام خود ثبت کرد. خانم هیوا امیرخسروی جوان، دانشجوی کالج John abbott است و طبق اطلاعات موجود تا کنون در کانادا شاغل نبوده است.

آقای مهرگان امیرخسروی، در مرداد ماه گذشته که برادرش به اتهام اختلاس تاریخی زندانی شد، در ترکیه به سر می‌برد. او از همان‌جا به کانادا آمد و به همسرش خانم طوبی عبدالله‌زاده سیاهکلی و دختر و پسرش هیوا و هیراد پیوست.

طوبی عبدالله‌زاده سیاهکلی در لیست افراد مرتبط به اختلاس بزرگ

سایت تابناک که به آقای محسن رضایی فرمانده سابق سپاه پاسداران و عضو کنونی مجمع تشخیص مصلحت نظام منتسب است، گزارش کرده است که خانم طوبی عبدالله‌زاده سیاهکلی، یکی از ۴۶ شخصیت حقوقی و حقیقی است که بانک مرکزی ایران نام آنها را طی یک بخشنامه به بانک‌های کشور مخابره کرده و از آنها خواسته است تا «اطلاعات مربوط به انواع حساب‌ها و دارایی‌های این ۴۶ نفر را در اختیار اداره کل نظارت بر بانک‌ها و مؤسسات اعتباری بانک مرکزی گذارند.»

در گزارش تابناک آمده است: «در اطلاعیه بانک مرکزی که خطاب به همه بانک‌های عامل صادر شده، نام ۴۶ شخصیت حقیقی و حقوقی آمده که همگی از شرکت‌های وابسته به امیرمنصور آریا و یا در ارتباط با اختلاس سه هزار میلیارد تومانی این فرد هستند. در این فهرست، نام چندین شرکت فولادی و مواد غذایی نیز به چشم می‌خورد.»

این گزارش ادامه می‌دهد: «به گزارش تجارت نیوز، در اطلاعیه بانک مرکزی خواسته شده است که اطلاعات مانده انواع حساب‌های جاری، سرمایه‌گذاری و پس‌انداز ریالی و ارزی و دیگر وجوه نقد ۴۶ شخص حقیقی و حقوقی که نامشان قید شده، در اسرع وقت به اداره کل نظارت بر بانک‌ها و مؤسسات اعتباری بانک مرکزی فرستاده شود. همچنین

▲ سندی از سایت «روزنامه رسمی، ایران که اسناد رسمی شرکت‌ها مربوط به ثبت و جلسات سالانه و اطلاعات چارت سازمانی شرکت‌ها و ... در آن درج می‌شود

افزایش ۴۰۰ برابری سرمایه طی دو سال

به گزارش عصر ایران، اسنادی که دو سال بعد از تأسیس اولیه این شرکت به «روزنامه رسمی» کشور تحویل داده شده‌اند، جهشی ناگهانی را در سرمایه آن نشان می‌دهند بدون آنکه در محتوای این اسناد به محل کسب این منابع اشاره‌ای شده باشد.

در یکی از این اسندها می‌خوانیم: بنا به تفویض اختیار حاصله از مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۸۷/۱۰/۳۰ به هیأت مدیره، در خصوص افزایش سرمایه، ضمن رعایت کلیه تشریفات قانونی، سرمایه شرکت از محل تبدیل مطالبات حال شده و از طریق صدور سهام جدید از مبلغ ۵۰۰ میلیون ریال به مبلغ ۲۰۰ میلیارد ریال منقسم به دویست میلیون سهم بانام، به ارزش هر سهم ۱۰ هزار ریال افزایش یافت و ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح گردید. در تاریخ ۲۶ اسفند ۱۳۸۷ ذیل دفتر ثبت شرکتها و مؤسسات غیرتجاری ثبت و مورد تأیید و امضا قرار گرفت.

هم‌زمان با جهش چهارصددرصدی سهام این شرکت، همسر و دو فرزند آقای مهرگان به کانادا آمده و در مونترال مستقر شدند.

ایجاد، توسعه، تکمیل، فروش، واگذاری و اجاره کارخانه‌ها، واحدها و شرکت‌های فعال در بخش‌های تولیدی و خدماتی در داخل و یا خارج از کشور، تا سرمایه‌گذاری در انجام دادن مطالعات و بررسی‌های اقتصادی، فنی، مدیریتی و نظارت و پیگیری، اجرای سرمایه‌گذاری و ایجاد شرکتها و مؤسسه‌های مطالعاتی و اجرایی در جهت تکمیل هدفهای شرکت، سرمایه‌گذاری در ارائه خدمات، فنی، سازماندهی، سرمایه‌گذاری، تجاری، بازرگانی و تولیدی را دربرمی‌گیرد.

اسناد موجود در «روزنامه رسمی» نشان می‌دهد که این هلدینگ، یک شرکت تقریباً فامیلی با سرمایه اولیه اندک ۵۰ میلیون تومان، بوده است. براساس سند مورخ ۱۲ آبان ۱۳۸۹ منتشره در «روزنامه رسمی»، آقای مهرگان امیرخسروی رئیس هیأت مدیره، شرکت است.

آقای مه‌آفرید امیر خسروی که اکنون در زندان به سر می‌برد، نایب رئیس هیأت مدیره، مرداوین امیرخسروی عضو هیأت مدیره و در عین حال مدیرعامل آن است. این اسناد اشاره دارند که کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور شرکت از قبیل چک، سفته، بروات و قراردادهای و به طور کلی هر گونه قراردادی که برای شرکت ایجاد تعهد نماید، با امضای دو نفر از سه نفر اعضای هیأت مدیره و اوراق عادی و اداری با امضای هر یک از اعضای هیأت مدیره به تنهایی همراه با مهر شرکت معتبر است.

کشور رقم بخورد. گفته می‌شود اگرچه رقم اختلاس این پرونده ۲ هزار و ۸۰۰ میلیارد تومان اعلام شده، اما این رقم تنها مربوط به بخشی از تخلقات «الف.خ» است و با ادامه تحقیقات، ابعاد این پرونده در بانکها و موارد دیگر افزایش یافته است.

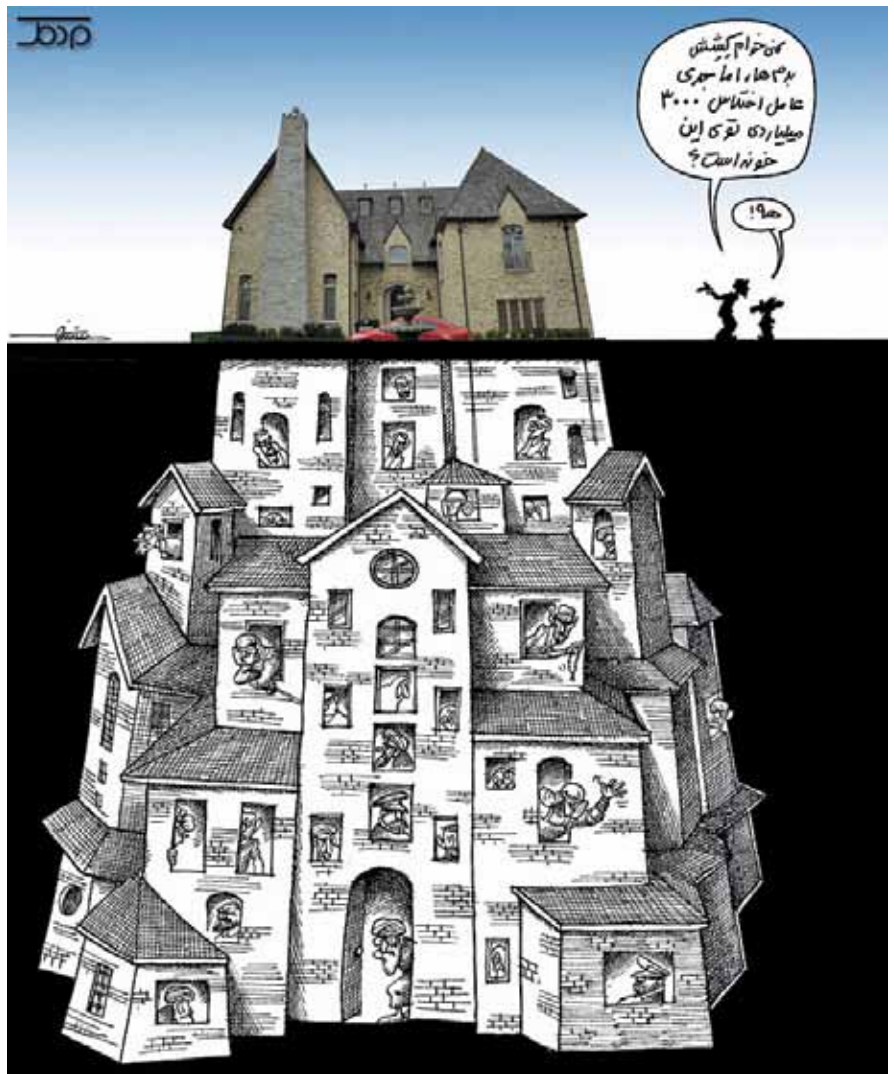
گزارش خبرگزاری آریا درباره دیگر جنبه‌های فعالیت این شرکت چنین توضیح داده است:

اتهام اختلاس

مه‌آفرید امیرخسروی با «اقدام به دریافت وام‌های هنگفت بانکی، خرید شرکتهای دولتی با پیش‌قسط حاصل از وجوه سیستم بانکی و گشایش اعتبارهای مکرر» سرمایه خود را افزایش می‌دهد. اما محمدرضا خباز نماینده مردم کاشمر و عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی پیرامون فعالیت‌های وی چنین اتهاماتی را بر اساس گزارش سازمانهای بازرسی در جلسه غیر علنی مجلس مطرح می‌کند و با اشاره به این فرد، که تا سال ۱۳۷۲ در سربازی بوده است، می‌گوید: وی سال ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ با برادرانش یک گاوداری داشته و این گاوداری را از امکانات طرح‌های زودبازده که توسط رئیس جمهور طراحی شده بود، تأسیس کرد که نخستین بار طعم این پول‌ها به این صورت زیر دندان وی مزه کرد و این تخلف بزرگ و فساد اقتصادی از آنجا آغاز شد. او متهم اصلی اختلاس سه میلیارد دلاری بانک صادرات ایران است که در ۲۷ شهریور ۱۳۹۰ دستگیر شده است.

خباز افزود: بنابراین این فرد در سال ۱۳۸۵ توانسته یک وام طرح زودبازده را بگیرد و البته در همان سال نیز یک شرکت خانوادگی به ثبت می‌رساند، لذا از آنجا که راه‌ها را یاد گرفته و عواملی نیز در بانک‌ها دارد و طبیعتاً پشت‌اش نیز از این جهت گرم است، در سال ۱۳۸۹ تقاضای تأسیس بانک می‌کند که بانک از مهر تا دی‌ماه سال ۱۳۸۹ فشار می‌آورد که باید سهم مؤسسين را پرداخت کنید.

وی ادامه داد: خسروی در اسفندماه ۱۳۸۹ سهم مؤسسين را پرداخت می‌کند و از ۲۰ اسفندماه پذیرهنویسی آن انجام می‌شود که آغاز شروع تخلف از این زمان است که البته مشخص است بانک‌ها باید به کسی وام دهند که بدهی بانکی نداشته و فرد خوش حسابی باشد. این نماینده مجلس توصیه‌های برخی مقامات اجرایی و سفارشات دفتر برخی افراد را در بروز این تخلقات مؤثر دانست و



▲ از سایت مردمک

به آن متهم است چنین توضیح داده است: «امیرمنصور آریا با تباری و نفوذ به شعبه بانک صادرات در محل کارخانه فولاد، اقدام به صدور LCهای (اعتبار اسنادی ریالی داخلی) جعلی به مبالغ ده‌ها میلیارد تومان می‌کرده است و بدون آنکه وجه LCهای مذکور را به بانک بپردازد، آن‌ها را دریافت و به بانک‌های دولتی و خصوصی دیگر داخلی به قیمتی پایین‌تر از قیمت رسمی LC می‌فروخته است. از آنجا که این LCها در سامانه اطلاعاتی بانک صادرات ثبت نمی‌شود، خریداران LC با استعلام از همان شعبه صادرکننده اقدام به خرید LC می‌کردند و در نهایت مبالغ LCهای مذکور به بیش از ۲ میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلار یا معادل سه هزار میلیارد تومان می‌رسد. این اقدام «الف.خ» عاقبت پس از یک اشتباه، توسط بانک صادرات کشف و به نهادهای نظارتی گزارش می‌شود تا بزرگترین پرونده اختلاس

دارایی‌های غیرنقدی شامل همه اموال منقول، غیرمنقول، اوراق بهادار و سهام، صندوق امانات و نیز مانده بدهی این اشخاص (اعم از تسهیلات و تعهدات) نزد بانک مربوطه استخراج و به این اداره فرستاده شود.»

در ادامه این گزارش که با عنوان «همه شرکای اختلاس‌گر بزرگ!» به انتشار رسیده، یک لیست ۴۶ نفره درج شده که در آن نام خانم طوبی عبدالله‌زاده سیاهکلی در کنار مرداویج امیرخسروی، مهرگان امیرخسروی و مه‌آفرید امیرخسروی به چشم می‌خورد. غالب نام‌های دیگر، به شرکت‌های مرتبط با هولدینگ امیرخسروی‌ها تعلق دارد.

سایت «خبرگزاری آریا» چگونگی انجام اختلاس را که شرکت خانوادگی امیرخسروی‌ها



▲ خانم طوبی عبدالله‌زاده سیاهکلی، روی لیست بانک مرکزی در رابطه با اختلاس ۳۰۰۰ هزار میلیاردی

یادآور شد: یک شرکت تراورس راه‌آهن نیز به قیمت ۲۱۷ میلیارد تومان از طریق مذاکره به خسروی واگذار می‌شود که ۷ درصد این پول که حدود ۱۵، ۱۶ میلیارد تومان می‌شود، پرداخت کرده و حدود ۲۰۰ میلیارد دیگر بدهکار می‌شود. همچنین بانک به سرعت با توصیه دیگری که از آقایان می‌گیرد این فرد را در مناقصه دیگر راه‌آهن به ارزش هزار و ۲۰۰ میلیارد تومان برنده کرده و در این مناقصه نیز فقط حدود ۱۰ درصد آن را که ۱۲۰ میلیارد تومان می‌شود، پرداخت می‌کند.»

وامهای بانکی

بخشی از سرمایه «امیرخسروی» از طریق دریافت وامهای کلان بدون داشتن اعتبار کافی و با بهره بسیار پایین انجام شده است. اعطای وام ۲۵ میلیارد تومانی بانک پارسبان، به منظور خرید مجتمعی در خیابان فرمانیه تهران یکی از این نمونه‌هاست، که بدون اعتبار مالی به ایشان تفویض شده است.

زمین‌خواری

محمدرضا خباز مدعی است که ۲۳۰ هکتار زمین در کیش و صدها هکتار زمین در اطراف کاشانک به قیمت متری ۱۶ ریال به وی واگذار شده است.

انتقال پولهای اختلاس

علاوه بر سرمایه کلانی که توسط شرکتهای

فوق به خارج از کشور منتقل شده است، بخشی از این سرمایه‌ها نیز از سوی برادرانش به خارج از ایران انتقال یافته است. از این رو با توجه به اینکه همسر و فرزندان «مهرگان امیرخسروی» و «مسعود امیرخسروی» در کانادا و آمریکا ساکن هستند، مقدار قابل توجهی از سرمایه اختلاس شده در طی این سالها به این دو کشور انتقال یافته است. بخش دیگری از این سرمایه نیز به طور پیوسته به مالکیت همسر، فرزندان و خویشان نزدیک برادران «امیرخسروی» درآمده تا در صورت افشای اختلاس، امکان بازگشت آن به خزانه ملی وجود نداشته باشد.

تأسیس بانک آریا

وی در اواخر سال ۱۳۸۹ موافقت بانک مرکزی برای تأسیس بانکی با نام «بانک آریا» را جلب و در اسفند همان سال اقدام به پذیرهنویسی و سپس انتشار آگهی استخدام کارمند نمود. اما در مرداد سال ۱۳۹۰ بانک مرکزی مجوز فعالیت بانک را باطل کرد.

فعالیت ورزشی

خسروی در عرصه ورزش نیز فعالیت داشته است. امیر عابدینی درباره تأسیس باشگاه فوتبال داماش گیلان می‌گوید: «من عملاً مؤسس باشگاه داماش نبودم بلکه وقتی که آقای مه‌آفرید امیرخسروی می‌خواستند که باشگاه داماش را تأسیس کنند، یک مؤسسه اقتصادی از «مجموعه سرمایه‌گذاری امیر منصور آریا» داشتند که معتقد بودند در آن مجموعه باید یک مؤسسه اجتماعی و فرهنگی هم وجود داشته باشد. از همین رو به من پیشنهاد دادند که باشگاهی را به همین نام داماش تأسیس کنم. این باشگاه در سال ۱۳۸۵ تأسیس شد.»

سایت خبرگزاری آریا خانواده امیرخسروی را چنین معرفی می‌کند:

برادران مه‌آفرید برادر کوچک خانواده است و ۳ برادر دیگرش نیز در فعالیتهای اقتصادی وی شریک می‌باشند که مهرگان، مرداویج، مسعود امیرخسروی نام دارند.

مهرگان امیرخسروی

مهرگان امیرخسروی، برادر سوم و نفر دوم به لحاظ تصمیم‌گیریهای اقتصادی در این خانواده است. وی متولد ۱۳۴۲ و ساکن شهر



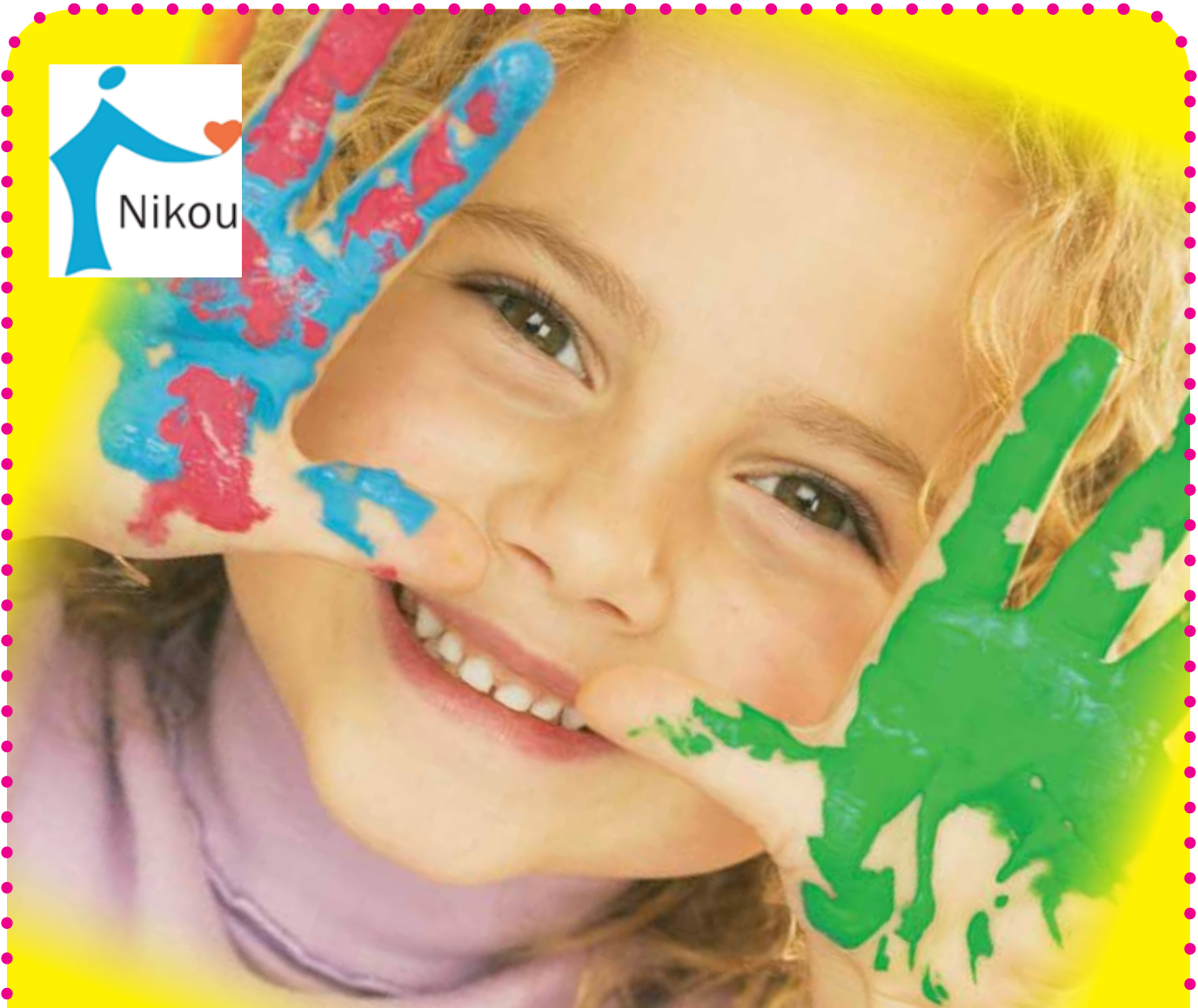
رشت است. در پی دستگیری «مه‌آفرید» در مردادماه ۱۳۹۰، مهرگان که در ترکیه به سر می‌برد به کانادا گریخت. همچنین از دو سال پیش همسر و فرزندان در کانادا زندگی می‌کنند. همسر وی «طوبی» و فرزندان «هیوا» و «هیراد» نام دارند.

مرداویج امیرخسروی

مرداویج امیرخسروی برادر دوم خانواده است که در تهران زندگی می‌کند. وی مدیر عامل شرکت توسعه سرمایه‌گذاری امیر منصور آریا و مدیر عامل شرکت آهن لوشان است. مرداویج صاحب دو فرزند است.

مسعود امیرخسروی

مسعود امیرخسروی، برادر بزرگ خانواده و تنها عضو تحصیل‌کرده در این خانواده است. وی پنجاه و هفت ساله، ساکن زعفرانیه تهران و کارشناس ارشد عمران است. مسعود امیرخسروی که سالها در منطقه شرق تهران زندگی می‌کرد، از سه سال پیش و پس از به وجود آمدن سرمایه اختلاس‌شده به شمال شهر تهران نقل مکان کرد. وی مأمور خرید این شرکتها بوده و از اوایل دهه هفتاد شمسی نیز استاد رشته عمران، در دانشکده فنی دانشگاه آزاد واحد تهران جنوب بوده است. او که در مهرماه ۱۳۸۸ از مدیر عاملی شرکت آهن و فولاد لوشان استعفا داده، مالک دوازده درصد از سهام این شرکت صنعتی است. همسر و فرزندان وی ساکن آمریکا شده‌اند که «خورشید» و «امیر» نام دارند.



بنیاد نیکو برگزار می‌کند: **درخت آرزوها**

در راستای یاری به نیازمندان داخل کشور برنامه آینده خود را تحت عنوان درخت آرزوها برگزار می‌کند.

شنبه ۱۹ نوامبر ۲۰۱۱ از ساعت ۱۸:۳۰ تا ۲۳:۰۰

Centre Le Manoir : 5319-Ave. Notre-Dame-de-Grace, Montréal QC H4A 1L2

بهای بلیت: ۳۰ دلار

(دانشجویان با ارائه کارت دانشجویی ۲۵ دلار / اطفال زیر ۵ سال رایگان)
محل‌های تهیه بلیت: میکیک، تپش دیجیتال، اخوان وست آیلند، زاگرس

تلفن‌های تماس: ۵۱۴-۸۰۴-۴۵۷۹ ۵۱۴-۶۲۴-۴۵۷۹

با نگاهی که در آن شوق برآرد فریاد

با سلامی که در آن نور بیارد لبخند

دست یکدیگر را بفشاریم به هم

جام دل هامان را مالمال از یاری، غمخواری

بسپاریم به هم (فریدون مشیری)

لوبیات: شعر، داستان و نوشته‌های لوبی



به تماشا سوگند

و به آغاز کلام

و به پرواز کبوتر از ذهن،

واژه‌ای در قفس است.

حرف‌هایم، مثل یک تکه چمن روشن بود.

من به آنان گفتم:

آفتابی لب درگاه شماست

که اگر در بگشاید به رفتار شما می‌ناید.

«هشت کتاب»

اضطراب باغ‌ها در سایه هر میوه روشن بود.

هشت کتاب، صص ۳۷۰-۳۶۹

در نگاه شاعرانه سپهری همه مظاهر طبیعت زیبا و دوست‌داشتنی است. شب نشانه پلیدی و تاریکی و شقاوت نیست. لاله قرمز و شبدر هر دو زیبایی‌اند.

کرکس هم‌سان کبوتر است، کران تا کران هستی همه چیز در زنجیره حیات با نظم و نسقی در هم گره می‌خورد و یگانه می‌شود. «نمود»‌های طبیعت متفاوتند ولی «بود»‌ها از وحدت انباشته.

و نگوییم که شب چیز بدی است و نگوییم که شبتاب ندارد خبر از بینش باغ

و نخوانیم کتابی که در آن باد نمی‌آید و نخواهیم مگس از سر انگشت طبیعت ببرد.

و نخواهیم پلنگ از در خلقت برود بیرون. و بدانیم اگر کرم نبود، زندگی چیزی کم داشت

و اگر خنج نبود، لطمه می‌خورد به قانون درخت

و اگر مرگ نبود، دست ما در پی چیزی می‌گشت

احساس در جویبار کلمات سروده‌های سپهری جاری است. این احساس در برخی ترکیبات چنان سیال و جاری

موج می‌زند و از رنگارنگی و پاکیزگی طبیعی سرشار است که احساس یگانگی و همبستگی به طبیعت را در خواننده

سهراب سپهری، شاعری که جور دیگر می‌دید (۲) به مناسبت سالگرد تولد شاعر

■ حسن الف طبری

نگاهی به سروده‌های سپهری سپهری شاعری است طبیعت‌ستا. او چنان خود را با طبیعت همسان و همدان می‌پندارد که می‌گوید: «می‌دانم، سبزه‌ای را بکنم خواهم مرد». غالب سروده‌های او دعوتی است برای تشریف به آئین طبیعت: یگانه شدن با زمین، همدلی با گل، پیوستن به گیاه، یکی شدن با درخت.

در برخی از مصرع‌های منظومه «آب را گل نکنید»، دریایی از ذوق، لطف، شیوایی و زیبایی نهفته است، به طوری که با خواندن آنها، کام‌مان از شور شعر سهراب شیرین می‌شود.

سپهری بی‌اعتنا به کشمکش‌های روزمره که همگان به آن خو کرده‌اند، کنار چشمه‌ساران زلال، زیر سایه‌های خنک می‌نشیند و با نگاهی کیهن‌گشایی به طبیعت و هستی می‌نگرد، با طبیعت راز و نیاز می‌کند. بی آن نیست که «راز گل سرخ» را شناسایی کند، بلکه می‌خواهد «در افسون گل سرخ شناور» باشد. او چنان در دنیای شاعرانه و هنرمندانه

خود غرق بود که به همه چیزهای دنیای پیرامون رنگ شعر می‌داد، به اشیا نگاهی تازه داشت و با حساسیتی کم‌نظیر به همه پدیده‌های طبیعت زندگی می‌بخشید.

«آب و گل و گیاه و درخت، سبزه صحرا، کوه و دشت در سروده‌های سپهری جان می‌گیرند و حرکت می‌کنند، در حقیقت کلام او حرکت طبیعت و رقص اشیا و تبسم واژه‌ها و انبساط و لطف تصویرها را یک‌جا در خود جمع کرده است.

کلمات در شعر او زنده هستند و همه اشیا طبیعت در سخن او به سماع برمی‌خیزند.»

زبان سپهری سرشار از طراوت و جذب است و سروده‌های او زلال. چون آب سادگی گل است و به سیالی آب:

باید کتاب را بست
باید بلند شد

در امتداد وقت قدم زد
گل را نگاه کرد
ایهام را شنید.

شعرهای سپهری با وجود اینکه سرشار از حس‌آمیزی و معانی است، با کلماتی

مادرم ریحان می‌چیند
نان و ریحان و پنیر، آسمانی بی‌ابر،
اطلسی‌هایی تر

رستگاری نزدیک، لای گل‌های حیاط
سپهری به مضمون‌ها و ترکیب‌های
سنّتی و رایج شعر معاصران خود پشت پا

زده و کلمات و ترکیب‌ها و مفاهیم تازه‌ای
وارد شعرش کرد:

با سبد رفته به میدان، صبحگاهی بود
میوه‌ها آواز می‌خواندند
میوه‌ها در آفتاب آواز می‌خواندند...

القا می‌کند. سپهری با ابزار و واژگان، به مدد قریحه تصویرگری، چشم‌اندازهای خیال‌انگیزی را به تصویر می‌کشد و مخاطب را به سوی افق‌های وهم‌انگیزی می‌کشاند: به سراغ من اگر می‌آید پشت هیچستانم...
پشت هیچستان چتر خواهش باز است: تا نسیم عطشی در بن برگی بدود زنگ باران به صدا می‌آید آدم اینجا تنهاست
و در این تنهایی، سایه نارونی تا ابدیت جاری است...

حساسیت شاعر را نسبت به طبیعت ببینید تا چه حد است: حنجره جوی آب را قوطی کنسرو خالی زخمی می‌کرد.

تعبیر جوی آب به حنجره و زخمی شدن حنجره جوی آب توسط لبه‌های تیز قوطی کنسرو چه شگفت‌انگیز است. سپهری زندگی را در طبیعت و طبیعت را موجودی زنده و در حال زندگی می‌دید. در میانه همه زندگی، ما خوابزندگان شهرنشین با دود و دمه‌های اتومبیل که به آن عادت کردیم و آپارتمانی که ما را این همه از طبیعت جدا کرده، سپهری پیامبرگونه ظهور کرد و از طراوت آب، لطافت باران، زیبایی روزان ابری و از گلبرگ‌های لطیف شقایق سخن گفت. اصلاً سپهری طبیعت را مقدس می‌دید و چنان ستایشگرانه از آن سخن می‌گفت که کمتر کسی با این صراحت، وابستگی و پیوستگی‌اش را به طبیعت نشان داده است:

من صدای نفس باغچه را می‌شنوم
مثل يك گلدان
می‌دهم گوش به موسیقی روییدن

احساس و اندیشه‌هایی که در قفس کلام سپهری خفته‌اند، به مدد کارگاه خیال بیدار شده، به صورت سروده‌ای از شبستان سخن بیرون می‌آیند، آنگاه که به گوش ما می‌رسند دروازه‌های ناپیدای درون را به رویمان می‌گشایند:

من به آغاز زمین نزدیکم
روح من در جهت تازه اشیا جاریست
انسانی که تا این حد شور و جذبه درونی دارد
و به میزان والا‌یی از استغنا‌ی روحی می‌رسد،
توقع چندانی از زندگی ندارد:
من به سببی خشنودم
و به يك بوته بابونه

زندگی در ازدحام شهرهای پرجمعیت، و گذران روزها در مدار پرشتاب حرص و آزمندی ما را از طبیعت و زندگی فطری‌مان جدا کرده است و مواهب ظاهری و گذران تکراری روزمره رابطه ما را با فطرت و گوهر درونی‌مان گسسته است:

هیچ چشمی عاشقانه به زمین خیره نبود
کسی از دیدن يك باغچه مجذوب نشد...

سپهری به کرات همگان را دعوت می‌کند که با طبیعت یکی شوند. او به دنبال ساختن جامعه جدید و تغییر شرایط اجتماعی نیست، بلکه می‌خواهد انسان با طبیعت همساز شود. حضور بی‌شمار واژه‌هایی چون: درخت، گل، برگ و باد دلالت همین موضوع است.

او حتی نماز را در حضور عناصر طبیعت می‌خواند، قبله‌اش گل سرخ و دشت سجاده اوست و وضو با تپش پنجره‌ها می‌گیرد و اذان نمازش را باد می‌گوید، سر گلدسته سرو. در این دشت پرشکوه که علف تکبیره‌الاحرام می‌گوید، فقط نمازگزارانی راه می‌یابند که جیب‌شان پر از عادت نیست:

من مسلمانم
قبله‌ام يك گل سرخ
جانمازم چشمه، مه‌مهر نور
دشت سجاده من.

من وضو با تپش پنجره‌ها می‌گیرم
در نمازم جریان دارد ماه، جریان دارد طیف
من نمازم را وقتی می‌خوانم
که اذانش را باد، گفته باشد سر گلدسته سرو
من نمازم را پی تکبیره‌الاحرام علف می‌خوانم
پی قد قامت موج...

سپهری با کلامی بی‌پیرایه و بی‌آدین، هم‌ذات‌پنداری خود را با طبیعت این‌گونه سروده است:

من پر از نورم و شن
و پر از دار و درخت
پرم از راه، از پل، از رود، از موج
پرم از سایه برگی در آب...

سپهری دیدگانی حساس داشت، خود را با آب و خاک هم‌ریشه، با گل هم‌دل و با گیاه هم‌زبان می‌دید. نم‌نم باران که شروع می‌شد، می‌دید که چگونه هر درخت قطره‌های باران را می‌نوشد و لباس بهار به تن می‌کند. سپهری خیره به تماشای ارتفاع آسمان می‌نشست، پرسه بی‌خیال ابر بهار، بازیگوشی باد، آوارگی پرندگان و شکوه صورت کوه را نظاره می‌کرد.

جلال خسروشاهی، یکی از دوستان سپهری

در کتاب «ادای دین به سهراب»، ص ۷۵ تا هوای خنك استغنا... می‌نویسد:

«با سهراب نشستن خوش بود. نفسش دل را گرم می‌کرد. سهراب از درختان، پشه‌ها، گل و پرنده‌ها طوری حرف می‌زد که انگار قوم و خویش یا دوستان نزدیکش هستند. او به ما یاد داد که سوسکه‌ها، مگس‌ها، سنجاقک‌ها و گل‌های وحشی کناره جوی‌ها را که در هیچ گل‌فروشی پیدا نمی‌شود و «فروشی» نیستند بتوانیم «ببینیم»، و از صدای سیرسیرک‌ها در شب‌های تابستان لذت ببریم...»

او حتی تفاهم و هم‌زیستی میان عناصر طبیعت و رابطه پنهانی آنها را با حساسیت و بصیرت خود می‌دید:

من ندیدم دو صنوبر را با هم دشمن
من ندیدم بیدی سایه‌اش را بفروشد به زمین
رایگان می‌بخشد، نارون شاخه خود را به
کلاغ...
گاه چنان «همه تن چشم» می‌شد و عاشقانه به زمین و عناصر آن می‌نگریست و هم‌دل و هم‌زبان با گل، گیاه و آب می‌شد که در توصیف مادر و دوستانش گفت:
مادری دارم مثل برگ درخت
دوستانی دارم مثل آب روان...

شعر «در گلستانه» که سرشار از امید و زندگی است، به تابلوی نقاشی مانده است. این بار انگار سپهری نقاش به جای قلم‌مو با ابزار واژگان شعری را نقاشی کرده است: زندگی خالی نیست
مهربانی هست، سیب هست، ایمان هست
آری
تا شقایق هست زندگی باید کرد.
در نگاه سپهری خود بودن، ساده بودن مهم است و دست نبردن در قانون حیات. و به صراحت در شعرهایش می‌گوید:

ساده باشیم چه در باجه يك بانك
چه در زیر درخت
و نیرسیم كجائیم؟
بو کنیم اطلسی تازه بیمارستان را
بد نگوئیم به مهتاب اگر تب داریم.
سپهری نگاه هستی‌شناسانه‌اش را در «صدای پای آب» این‌گونه سروده است:
من به مهمانی دنیا رفتم
من به دشت اندوه
من به باغ عرفان
من به ایوان چراغانی دانش رفتم
رفتم از پله مذهب بالا
تا ته کوچه شك

تا هوای خنك استغنا...
و در جای دیگر می‌گوید:
خودم را از روبه‌رو تماشا کردم
روی خودم خم شدم
حفره‌ای در هستی من دهان گشود.
.....
بر سیم درختان زدم آهنگ ز خود روئیدن
و به خود گسترده

به گفته محمدرضا عبدالملکیان: شاعرانگی سهراب سپهری در خلاصه‌ترین بیان، از ترکیب سه کلمه شکل گرفته است، «جور دیگر دیدن» که کلمه دیگر جان‌مایه این تبلور و تعالی است و ذات هنر همین دیگر و دگرگونی است. شکل و صورتی دیگر، تصور و تصویری دیگر، خیال و خلاقیتی دیگر...
جور دیگر دیدن سهراب را به تماشای چشم‌اندازهای تازه‌ای می‌برد. (ادب نامه شرق/ اردیبهشت ۸۵)
سهراب واقعاً جور دیگر می‌دید. منظور از جور دیگر دیدن این است که همه ما در طول زندگی در معرض تهاجم ذهنی محیط و اطرافیان خود هستیم. به عبارت دیگر دانسته‌های مان توسط آدمهای دور و بر به ذهن ما منتقل شده و به صورت اعتبار و ارزش‌های موروثی جا خوش کرده است. ما با همین نرم‌افزارهایی که ناخواسته در ذهن ما کار گذاشته به جهان پیرامون نگاه می‌کنیم و آن‌گونه می‌بینیم که دیگران انتظار دارند. ره چنان می‌رویم که رهروان رفتند. جور دیگر دیدن یعنی خروج از اسارت ذهن، و تأثیرات و القانات محیط، تا پدیده‌ها آن‌طور که هستند رخ بنمایند. بسیاری از باورها بدون دخالت و اختیار ما در اذهان ما انباشته شده. به نظر سهراب باید «ذهن‌تکانی» بکنیم و غبار باورها، عادت‌ها و اندیشه‌های کهنه را بروییم. زیر باران برویم. ذهن خود را تطهیر کنیم تا از ایده‌ها و پندارهای گذشته پاک شود:
چترها را باید بست
زیر باران باید رفت
فکرها را، خاطره‌ها را
زیر باران باید برد
با همه مردم شهر زیر باران باید رفت
دوست را زیر باران باید دید
عشق را زیر باران باید شست
رخت‌ها را بکنیم
آب در يك قدمی است.
هشت کتاب



ندهد، داوطلب امتحان نشد. تا اینکه بعد از شش سال با درخواست استاد، تن به امتحان داد تا به تکمیل موضوع رساله دکترایش که نقد و تصحیح مرصادالعباد بود بپردازد، اما دفاع از پایان‌نامه را نیز پنج سال دیگر به تعویق انداخت تا بیشتر در حضور استاد باشد و بالاخره در اول تابستان ۱۳۳۹ موفق به اخذ درجه دکترا شد. ریاحی طی دوران تحصیل با دبیری در دبیرستان‌های قزوین و تهران، حکیم نظامی قم، دبیرستان ایرانشهر گرگان و همچنین مدیریت دانشسرای گرگان و دبیرستان محمدقزوینی تهران روزگار می‌گذرانید و به جهت شایستگی‌اش، در شهریورماه ۱۳۳۹ به معاونت وزارت فرهنگ آذربایجان منصوب شد و به عضویت کمیسیون قوانین در وزارت فرهنگ و سازمان لغت‌نامه دهخدا درآمد و کارهای مطبوعاتی‌اش را نیز با نوشتن در روزنامه مهرگان و سردبیری روزنامه شفق به صاحب امتیازی دکتر شمس‌الدین جزایری و سردبیری مجله کیهان فرهنگی (مهر ۱۳۳۴ - خرداد ۱۳۳۵) ادامه می‌داد.

دکتر امین ریاحی، سامان‌دهنده کتاب‌های درسی

شرکت وبستر نیویورک نیز طبق همان قانون پرداخت خواهد شد. اینچنین از آن زمان، کتاب‌های همه مدارس ایران واحد گشت. کتاب «داستانی به نام کتاب درسی» نوشته ریاحی که به شرح تاریخچه کتاب‌های درسی در ایران و گزارش اصلاح آن می‌پردازد، به یادگار مانده از آن دوران می‌باشد و خود در خاطراتش بیان می‌کند: «...حالا کسی قدر این اصلاح کتاب‌های درسی را نمی‌داند! نداند! ولی من آن را بزرگترین خدمت همه عمر خودم می‌دانم. اگر من آن موقع این کار را نکرده بودم انقلاب و جنگ که شد بچه‌ها بی‌کتاب می‌ماندند...»

بزرگمردی که در نگاهی گذرا علاوه بر عناوین بالا، مشاور وزیر و قائم‌مقام وزیر فرهنگ در شوراها، وزیر مختاری رابین فرهنگی ایران در ترکیه، مدرس ادبیات فارسی و تاریخ و فرهنگ ایران در دانشگاه آنکارا، استاد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران در گروه‌های ادبیات فارسی و تاریخ، دبیر کلی هیأت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور، مشاور وزیر و معاون فرهنگستان ادب و هنر ایران، ریاست بنیاد شاهنامه فردوسی و مدیریت مجله سیمرغ بنیاد، رئیس دانشکده هنرهای زیبا، استاد دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران در کارنامه فرهنگی‌اش به چشم می‌خورد، پس از انقلاب به جهت قبول وزارت آموزش و پرورش در زمان دولت بختیار، راهی زندان اوین گشت. با وجود اینکه پس از دستور رهبر انقلاب مبنی بر عفو وزاری که دستور قتل نداده و در سطح وسیع غارت بیت‌المال نکرده‌اند مورد عفو قرار گرفت، تمامی زحماتش در زمینه خدمت به فرهنگ این مرز و بوم نادیده گرفته شد، و از حق و حقوق قانونی‌اش نیز محروم گشت چنان‌که جهت امرار معاش ناگزیر شد کتابخانه دی‌قیمتش را بفروشد. صد افسوس که تجلیل از شمس‌پژوه به‌نام ایران، صاحب آثار گران‌سنگی چون کسبای مروزی، گلگشت در شعر و اندیشه حافظ، سفارتنامه‌های ایران (تاریخ روابط پانصدساله ایران و عثمانی)، زبان و ادب فارسی در قلمرو عثمانی، تاریخ خوی، سرچشمه‌های

وطن‌پرستی که هرگز فراموش نکرد

دکتر محمدامین ریاحی خویی

■ سحر وحدتی

saharvahdati23@yahoo.com

و به پاس همه تلاش‌های آذریان در راه نجات آذربایجان، در زمستان ۱۳۲۵ش نیز نخستین اثر منظومش را تحت عنوان «در راه نجات آذربایجان»، با مقدمه دکتر رضازاده شفق و تقریظی از حسن نرزه در تهران به چاپ رساند.

شاعری که به شاعری شهره نشد

گرچه شعرهایی سرود، به شاعری شهرت نداشت و نامش با شمس و مولوی و فردوسی گره خورده بود.

پدرش شیفته مولانا بود و شبهای بلند زمستان را برای اهل خانه با غزل‌های پرشور مولوی و حکایت‌های کوتاه می‌نمود و هر ازگاهی پسرش را به تماشای مناره شمس تبریزی در ۲ کیلومتری مغرب شهر می‌برد. محمدامین نیز با بالا و پایین رفتن از پله‌های دره‌شکسته مناره‌ای که صدها شاخ و کله آهو سراپای آن را پوشانده بود همیشه می‌خواست جای مولوی باشد در جستجوی شمس و گویی در این آمد و شدها افسانه شیرین آن دو را که پدر بیان می‌نمود، به عینه می‌دید.

«شاعر و عارف بزرگ ایران در جستجوی شمس به کنار این بنا رسید. شمس را در بالای مناره دید. از همین پلکان بالا رفت ولی چون به بالای مناره رسید شمس را در پایین دید. شتابان پایین آمد. این بار شمس را بر فراز مناره دید. این طلب نیازمندان و گریز نازنینانه چندین بار تکرار شد ولی بالاخره دست نیاز مولوی به دامن ناز شمس نرسید. چه افسانه شیرینی است... تو گویی دو گوشم بر آواز اوست، که همه جا در پای مناره و در آن پلکان تنگ و تاریک و بر فراز مناره می‌خواند:

چند کنم تو را طلب، خانه به خانه در به در
چند گریزی از برم، گوشه به گوشه کو به کو»
علاقه به شمس با گذشت ایام در او افزون‌تر شد و تأثیر افسانه‌وار شمس بر مولوی برایش رازی ناگشوده‌تر، تا اینکه در محضر استاد بدیع‌الزمان فروزانفر، خود را چو مولوی شیفته شمس خویش یافت.

در مهرماه ۱۳۲۷ش تحصیل در دوره دکتری ادبیات فارسی را آغاز کرد. گرچه مدت تحصیل در دوره دکتری دو سال بود، وی تاب جدایی از استاد را نداشت و شش سال تحصیلی در درس‌های استاد فروزانفر نامنویسی نمود و به جهت اینکه لذت حضور در کلاس‌های درس را از دست

سخنان خطیب عصر و استاد بزرگ، دکتر رضازاده شفق که شاهد اشک‌های شبانه قوام‌السلطنه در ساعات ناامیدی از حل مشکلات کشور بود، نیز نتوانست او را از نوشتن مقالات علیه قوام در روزنامه اختر شمال تبریز بازدارد. هرچند بعدها به قضاوت اشتباهش درباره قوام پی برد، آن سالها نمی‌توانست با سیاست‌های کسی که گمان می‌شد دست‌نشانده روس‌هاست و به مساله تجزیه آذربایجان دامن می‌زند، موافق باشد، چنانچه وقتی علاقه‌مندی وی به ائتلاف با حزب وحدت (پیروزی) ایران را از زبان وزیر فرهنگش شنید، به عنوان یکی از اعضای حزب، به مخالفت پرداخت، و درخواستش را رد نمود و پیش‌تر در استیفای حق معلمان آذربایجانی که به علت عدم همکاری با دولت پیشه‌وری از کار برکنار و امید اشتغالشان در مدارس تهران نیز به ناامیدی مبدل گشته بود، بدون هماهنگی قبلی و با غیظی تمام وارد اتاق وزیر فرهنگ وقت، ملک‌الشعراى بهار، شد و با لحنی آمیخته به گستاخی رو به او کرد که: «شما چه وزیر هستید؟ شما اینجا نشست‌ه‌اید و تریاک می‌کشید و وزارت می‌کنید. وانگهی شما استاد زبان فارسی هستید، یک عمر ادعا کرده‌اید که عاشق زبان فارسی هستید. حالا می‌خواهید با مظفر فیروز آذربایجان را ترک کنید.» اما همین جملات، ملک‌الشعراى بهار را شیفته محمدامین ساخت، گویی از فحش‌های وی لذت می‌برد و تا لحظه مرگ، این جوان وطن‌پرست را که بعدها افتخار شاکردی بهار را پیدا نمود، می‌ستود. (پیام دکتر ریاحی تحت عنوان «استادم بهار»، در یکصد و بیستمین سالگرد تولد بهار، گویای ارادت ریاحی به این بزرگ‌مرد ایران زمین است).

به راستی محمدامین، وطن‌پرستی بود که هرگز نتوانست بلوای آذربایجان را فراموش کند، بالاخص خاطره روز ۱۶ شهریورماه ۱۳۲۴ که جوان شیردل آذری در میدان شهر تبریزان شد و شهری به عزایش نشست و فقط شعر محمدامین تسلی بخش آنان گشته، در آن روز ورد زبان‌ها شد:

در ره عشق وطن خونین کفن بایست بود
شاهد ما این شهید پاک جان‌افشان ما
عشق مغرورانه می‌گوید در این سودا بلند
کشته‌ی ما بین و گر خواهی بیا میدان ما

Multissage

Centre d'activités éducatives,
culturelles et éditoriales

سازمان آموزشی مولتی ساژ

با همکاری بهترین دانش آموزان دانشگاهی

کلاسهای زیر را برگزار می کند:

۷ روز هفته
با بازگینگ
رایگان



کمک درسی

فرانسه، ریاضی، فیزیک، انگلیسی و علوم طبیعی
برای مقاطع تحصیلی دبستان، دبیرستان و کالج

آماده سازی آزمونهایی

TOEFL, IELTS

TFI, TEF, TEFaQ

OQLF (فرانسه) برای داوطلبان ورود به نظامهای صنفی



تمرین آزمونهای عملی و نظری (به انگلیسی، فرانسه و فارسی)

OIIQ ویژه پرستاران

MCCQE (Part II) ویژه پزشکان

تمرین مصاحبه های اداره مهاجرت کبک

آموزش زبانهای فرانسه، انگلیسی و اسپانیایی

در سه سطح مقدماتی، میانه و پیشرفته

آموزش نامه نگاری اداری

مشاوره آموزشی برای مقاطع دبستان، دبیرستان و کالج

★ با درخواست شما برخی کلاسها را
در خانه شما برگزار می کنیم

www.multissage.ca

Suite 250
3333, Cavendish Bd.
Montréal (Qc), H4B 2M5

Tél. : (514) 770 1771
Email : direct@multissage.ca
www.multissage.ca

فردوسی شناسی، بگشای راز عشق (گزیده کشف الاسرار مبدی)، فردوسی و... دکتر محمدامین ریاحی، دیر به عمل آمد و نشان شمس وقتی بدو تعلق گرفت که سال بعد چشم از این جهان فروبست. خورشید زندگی این وطن پرست نامی در ۱۱ خردادماه ۱۳۰۲ ش در شهرستان خوی طلوع و در ۲۵ اردیبهشت ماه ۱۳۸۸ در بیمارستان ایرانمهر تهران غروب نمود و با وجود تلاشهای فرهنگدوستان زادگاهش، جهت دفن پیکره وی در جوار آرامگاه شمس تبریزی، در قلعه ناموران بهشت زهرای تهران به خاک سپرده شد.

کارنامه درخشان امین ریاحی

محمدامین با در اختیار داشتن کتابخانه‌ای انباشته از جنگهای خطی و اسناد مهم خاندان پدری از جمله فرمان شاه عباس صفوی، محمدشاه قاجار، سند فروش شهر سلماس و توابع آن و... در خانه، اوقات بیکاری را به خواندن دواوین شعرا و تذکرها می‌گذراند و شعر می‌سرود و تمامی شماره‌های مجله ادبی ارمغان را دنبال می‌کرد. در آن ایام مقالات مربوط به سرقات ادبی نظرش را جلب نمود و او که به تحقیق دریاخته بود برخی از اشعار موجود در دیوان شاعر شاطرعباس صبحی متعلق به وی نیست، نخستین مقاله‌اش را در ۱۳۱۸، در حالی که دانش‌آموز دبیرستان خسروی خوی بود، تحت عنوان شاطرعباس صبحی نوشته، به دفتر ارمغان ارسال نمود. او با دریافت نامه‌ای سرشار از تحسین و تمجید از استاد وحیدی دستگردی و مزده درج این مقاله در شماره بعدی ارمغان، در پوست خود نمی‌گنجید. آن روز وقتی ارمغان به دستش رسید قید مدرسه را زد و با دستپاچگی تمام دنبال مقاله‌اش گشت ولی وقتی آن را به اسم دیگری دید گویی همه آنچه در ذهن از دستگردی ساخته بود، شکست. با وجود دریافت نامه‌ای از دستگردی و عذرخواهی وی مبنی بر اینکه به علت کسالت و عدم حضورش، کارکنانش دچار چنین اشتباهی شده‌اند و با آن که در ارمغان بعدی دوباره همان مقاله به اسم ریاحی زده شد، اما هیچ لطفی برایش نداشت. خلاصه وی با چاپ دو مقاله در ارمغان (س ۲، ش ۴، فروردین ماه ۱۳۱۹ و س ۲۲، ش ۳-۲، اردیبهشت و خرداد ماه ۱۳۲۰) کار خود را شروع نمود.

شعری از دکتر ریاحی تحت عنوان «نامه او»

ترا که بود به احوال خفتگان نظری
چرا به کشته هجران نمی‌کنی گذری؟
به انتظار تو خواهیم سرمه بصری
ز گرد راه تو خواهیم امید صبح دهد
مرا خیال تو امشب، امید صبح دهد
شب فراق تو دارد مگر ز پی سحری؟
ز نامه تو چراغ حیات روشن گشت
فدای دست تو بفرست نامه دگری
کلید خوی تو باب امیدواری بست
مگر وفای تو بکشاید از امید دری
به نامه دگران چشم شوق دوخته‌ام
که از وفای تو بازایدم مگر خبری
غمت شکفته و گل درد، و ناامیدی بر
جز این، تپال صحبت نمی‌دهد ثمری
به زخم دم به دمات خو گرفته‌ام ای عشق
کجاست تیر نگاهی و مرهم نظری
شرار ناله من جان عالمی را سوخت
چه شد که در دل سنگش نمی‌گند اثری؟
ریاحی از سفر مهریان نشد دل دوست
مگر به سوی دیار عدم کنی سفری

پس از اتمام دوره راهنمایی می‌بایست جهت ادامه تحصیل به ارومیه می‌رفت که آتش جنگ جهانی دامن دیار آذربایجان را گرفت و اینچنین یک سال از تحصیل باز ماند. با محدودیت امکانات و فقر فرهنگی آن روز و نبودن کتابخانه‌ای در شهر، به فکر جمع‌آوری یادگارهای گذشته شهرش از تاریخ و فرهنگ و زندگی شاعران و دانشمندان گذشته، افتاد و در سال‌های بعد نیز با کنجکاوی افزون‌تر و برخورداری از امکانات بیشتر به کار خود ادامه داد که حاصل آن کوشش‌های پنج‌ساله کتابی شد به نام تاریخ خوی که در ۱۳۷۲ انتشار یافت و خود اذعان می‌نمود: «من راه خود را از تحقیق در شعر و زندگی شاعران گذشته شروع کردم و از آنجا که ادبیات بعد از اسلام ما از تاریخ این ادوار جدا نیست، به مسایل تاریخی رسیدیم، چنانکه در آثار بزرگان و پیشروان ما هم از علامه قزوینی، سیدحسین تقی‌زاده، بدیع‌الزمان

قلب افشاگر

■ نویسنده: ادگار آلن پو
ترجمه: ح. ا. طبری

ایستادم. يك ساعت تمام همچنان میخکوب بودم، در عین حال حواسم به او بود و متوجه شدم او هم توی تختخوابش هنوز نشسته است. پیرمرد گوش به زنگ بود، درست مثل من که چندین شب پی در پی آنجا منتظر بودم و به صدای حرکت سوسک‌ها گوش می‌دادم که نشانه مرگ بود. در این دم صدای ناله خفیفی شنیدم و متوجه شدم که این ناله برخاسته از ترسی کشنده است، ناله‌ای از سر درد و اندوه نبود، صدای خفهای بود که در شرایط وحشتناک از اعماق روح برمی‌خیزد. من این صدا را خوب می‌شناختم: شب‌های بیشمار، درست در نیمه‌های شب وقتی همه عالم به خواب رفته‌اند، این صدا از اعماق وجودم با پژواکی سهمناک برمی‌خاست، صدا چنان هولناک بود که مرا گیج و پریشان می‌کرد. گفتم که

خواب پیرمرد را آشفته نکنم. آن قدر این حرکت را به کندی انجام می‌دادم که يك ساعت طول می‌کشید تا سرم به طور کامل از لای در عبور کند. تازه پیرمرد را می‌دیدم که روی تخت دراز کشیده است. خوب، حالا بگو ببینم، ممکن است آدم خل و دیوانه تا این حد فرز و زرنگ باشد. وقتی سرم به طور کامل وارد اتاق می‌شد، تازه با نهایت احتیاط نور فتابه فانوس را طوری تنظیم می‌کردم بدون اینکه صدای غرغری شنیده شود، پرتوی خفیف روی «چشم کرکسی» اش بیافتد. هفت شب آرزو این کار را تکرار کردم، درست نیمه‌شب، ولی هر هفت شب چشم او بسته بود و من نمی‌توانستم منظورم را عملی کنم، چون چیزی که آزارم می‌داد خود پیرمرد نبود، بلکه چشم بدیمن او بود. و صبح‌ها وقتی هوا روشن می‌شد، من بی‌پروا وارد اتاق او می‌شدم. انگار نه انگار که دیشب چه گذشت، با لحنی گرم و صمیمی در حالی که او را به اسم کوچک صدا می‌زدم، گرم گفتگو می‌شدم و حتی می‌پرسیدم شب گذشته را چگونه گذرانده است. باید خواب پیرمرد شدیداً سنگین و عمیق بوده باشد که

خیلی عصبی بودم، هنوز هم هستم. ولی چرا فکر می‌کنی من دیوانه‌ام؟ این ناراحتی مرا از کار نیانداخته، بلکه حس‌هایم را تیزتر و حساس‌تر کرده است، مخصوصاً حس شنوایی‌ام را. هر صدایی که در زمین و آسمان هست به گوشم می‌رسد. حتی صداهای زیادی از توی جهنم را می‌شنوم. چطور ممکن است دیوانه باشم؟ حالا گوش کن، ببین من چقدر با سلامت و با آرامش، از سیر تا پیاز آنچه را که اتفاق افتاد برایت تعریف می‌کنم.

نمی‌توانم توضیح دهم که چطور شد این فکر به مغزم خطور کرد، ولی از وقتی که در ذهنم جا خوش کرد دیگر دست از سرم برنمی‌داشت. نه کینه‌ای به پیرمرد داشتم نه غرض و مرضی. در واقع خیلی هم دوستش داشتم. نه از او بدی دیده بودم و نه هرگز به‌ام توهین یا تحقیر کرده بود. طمعی هم به مال و اموال او نداشتم. فکر می‌کنم تقصیر چشم او بود. ها خودش! یکی از چشم‌های او با چشم کرکس مو نمی‌زد، چشم آبی رنگ‌باخته، با لایه نازکی که روی آن را پوشانده بود. هر موقع چشمش به من می‌افتاد چنان حالتی به من دست می‌داد که انگار خون در رگ‌هایم از حرکت بازمی‌ایستاد. رفته رفته این فکر در ذهنم جای گرفت که باید پیرمرد را نابود کنم و از شر نگاه او خلاص شوم.

موضوع این است که تو تصور می‌کنی من دیوانه شده‌ام. آدم‌های دیوانه چیزی سرشان نمی‌شود. باید می‌دیدید که من دست به چه کارها که نزده‌ام. باید بدانی با چه دقت و دوراندیشی‌ها و با چه زمینه‌سازی‌ها و پنهان‌کاری‌ها دست به کار کشتن پیرمرد شدم. يك هفته قبل از اینکه او را به قتل برسانم، بیش از همه وقت احساس خوب و محبت‌آمیزی به او داشتم. هر شب حدود نیمه‌های شب، یواشکی می‌رفتم چفت در را برمی‌داشتم و آهسته، آهسته در را به اندازه‌ای باز می‌کردم که سرم را ببرم تو. روی فانوس را پوشانده بودم. وقتی مطمئن شدم که روزنه یا پرتوی از نور وجود ندارد، سرم را توی اتاق می‌بردم. اگر می‌دیدید چطور با دوز و کلک وارد اتاق می‌شدم، از خنده روده‌بر می‌شدی. بی سرو صدا و آرام سرم را توی اتاق می‌کردم که

این همه نیمه‌شب‌ها وارد اتاقش می‌شدم و اصلاً سر در نمی‌آورد. هشتمین شب برای باز کردن در بیش از شب‌های قبلی احتیاط کردم. به نظرم می‌آمد زمان سریع‌تر از همیشه می‌گذشت. پیش از آن شب، هرگز سراغ ندارم که نیروهای درونی و هوش و بصیرتم تا این حد حساس شده باشند. به دشواری می‌توانستم احساس موفقیت خودم را مهار کنم. از فکر این‌که من در اینجا حضور دارم، اندک اندک در اتاق پیرمرد را باز می‌کنم و او ذره‌ای به رفتار اسرارآمیز و افکار من شک نمی‌کند، پیش خودم خندیدم. شاید صدای خنده‌ام را شنید، چون حرکت خفیفی کرد همه اتاق تاریک بود (از ترس دزد، درها را سفت و محکم بسته بود). از این رو می‌دانستم که پیرمرد قادر نیست درز در را که بازتر شده بود ببیند. سرم را از لای در به درون اتاق کشیدم، داشتم نور فانوس را تنظیم می‌کردم که انگشت شستم به گیره حلبی آن خورد، با صدای آن پیرمرد از خواب پرید و جیغ زد: «آنجا کیه؟» من از جایم جنب نخوردم، بی‌حرکت و ساکت

با این صدا آشنا هستم. حالا هم می‌دانم پیرمرد چه احساسی دارد، هرچند در دلم می‌خندم، در عین حال حس ترحم مرا برمی‌انگیزد. پیرمرد با شنیدن همان اولین صدای خفیف تا کنون روی تختخوابش بیدار مانده و می‌دانستم از آن وقت هر لحظه بر ترس او افزوده می‌شود. سعی می‌کرد آن را به توهنات خود نسبت دهد، اما نمی‌توانست. با خود می‌گفت: «چیزی نبود، شاید صدای باد بود که در دودکش پیچید، یا صدای پای موشی موقع عبور از کف اتاق» یا «صدای يك جیرجیرک!» با این فرضیات سعی می‌کرد خود را دلداری دهد، ولی همه‌اش بی‌فایده بود. کاملاً بی‌فایده! چون مرگ در دو قدمی او بود و اکنون آهسته آهسته سایه شوم خود را به روی

قربانی‌اش می‌افکند. تأثیر اندوه‌بار سایه نادیدنی مرگ است که حضورم را در درون آن اتاق حس می‌کند، با اینکه نه مرا می‌بیند و نه صدایم شنیده می‌شود. مدتی بس طولانی و با صبر و حوصله زیاد منتظر ماندم و بی آنکه متوجه بشوم که او دراز کشیده یا نه، تصمیم گرفتم اندکی از نور فانوس را به او بتابانم. فکرش را بکنید که چگونه توانستم با مهارتی زیاد نور کم‌فروغی به باریکی یک نخ از لای در به چشمهای کرکسی او بتابانم.

چشم، باز باز بود، وقتی به آن خیره شدم، داشتم از ترس سکنه می‌کردم. آن‌را با وضوح کامل دیدم، چشم آبی رنگ‌باخته، با لایه نازکی که به نحوی ناآشکارا آن را پوشانده بود، از دیدن آن چنان ترس برم داشت که تا مغز استخوانم به لرزه افتاد. من

نفس می‌کشیدم. فانوس را بی‌حرکت نگاه داشتم. با چه سختی سعی کردم که پرتو نور را روی چشم او ثابت نگاه دارم. تپش جهنمی قلب او زیادتر می‌شد. هر لحظه بر صدا و سرعت آن افزوده می‌گشت. پیرمرد بیش از حد وحشت‌زده شد. برای همین لحظه به لحظه بر شدت صدای تپش قلب او افزوده می‌شد. آیا هنوز به سلامت من شك داری؟ من که پیش از این گفته بودم که من همان آدم عصبی‌ای هستم که بودم. و حالا در این ساعات آرام شب، و در میان سکوت مرگبار این خانه قدیمی، صدایی چنین حیرت‌انگیز مرا به مرز وحشت و دلهره‌ای تحمل‌ناپذیر کشاند.

باز هم لحظاتی دیگر مقاومت کردم و همچنان بی‌حرکت ایستادم و جنب نخوردم ولی تپش شدید و شدیدتر شد. فکر کردم با این شدت که قلب او می‌زند، باید منفجر شود. دغدغه تازه‌ای به سراغم آمد. نکند صدایی به این شدت به گوش همسایه‌ها برسد! عمر پیرمرد به سر آمده بود. با صدایی بلند، فانوس را پرت کردم و به درون اتاق خزیدم. او جیغ

کشید، تنها يك بار و برای آخرین بار. من با حرکتی تند او را از تخت‌خواب به کف اتاق انداختم و بعد تشك سنگین را کشاندم روی او. بعد از شادی لیخندی زدم که بالاخره کار خودم را کردم. و قلب پیرمرد تا دقایقی همچنان در تپش بود، اما با صدایی خفه. دیگر جای نگرانی نبود، این ضریبان دیگر از چاردیواری اتاق به گوش همسایه‌ها نمی‌رسید. سر انجام قلب از تپش باز ایستاد، پیرمرد مرده بود. تشك را به جای اول برگرداندم و جسد را بررسی کردم. مثل سنگ مرده و بی‌حرکت بود. دستم را روی قلبش گذاشتم و چند دقیقه‌ای نگاه داشتم. از ضریبان خبری نبود. مثل سنگ بی‌روح و مرده بود. دیگر چشمهایش مرا آزار نمی‌داد. اگر هنوز به عقل و هوش من شك داری، اگر برایت شرح دهم که چقدر با مراقبت و احتیاط جسد را پنهان کردم، دیگر باید حرفت را پس بگیری. شب سپری می‌شد، من بی‌سروصدا ولی با سرعت کارم را شروع کردم. اعضای بدن را از هم جدا کردم. اول سرش را بردم، بعد دستها و پاهایش را.

غیر از چشم او هیچ جای دیگر صورت و هیكل او را نمی‌دیدم، چون به طور غریزی چنان پرتو فانوس را تنظیم کردم که فقط همان چشم لعنتی‌اش دیده می‌شد.

نگفته بودم که تو حساسیت و تیزهوشی مرا به حساب دیوانگی‌ام گذاشته‌ای؟ در این دم صدای خفیف و مبهمی به گوشم رسید، درست مثل صدای ساعتی که لای پارچه‌ای پیچیده باشند. من این صدا را هم خوب می‌شناختم. این ضریبان قلب پیرمرد بود. با شنیدن صدای ضریبان قلب، بر خشم من افزوده شد، درست مثل صدای طبل که سربازان را تهییج می‌کند.

با وجود این همه هیجان بی‌حرکت ایستادم. آهسته

بعد سه تا از تخته‌های کف اتاق را درآوردم و تکه‌های جسد را میان تخته‌های باریک حائل پشت و رو قرار دادم. تخته‌ها را طوری ماهرانه جابه‌جا کردم که چشم هیچ تنابنده‌ای - حتی چشم پیرمرد - در حالت طبیعی به جابه‌جایی آنها شك نمی‌کرد. چیزی برای پاك کردن و شستن نماند، چون هیچ لکه‌ای، حتی لکه خونی روی کف اتاق دیده نمی‌شد. خیلی دلوپس این قسمت از کار بودم ولی همه‌اش به خیر و خوبی تمام شد...

وقتی همه این کارها را تمام کردم، تازه ساعت شد چهار صبح، ولی هوا مثل هوای نیمه‌شب تاریک تاریک بود. همین که زنگ ساعت چهار نواخته شد، کسی در حیاط را زد. آرام رفتم و در را باز کردم. آرام بودم چون دلیلی برای ترسیدن وجود نداشت. سه مرد با ادب و متانت وارد شدند و خود را افسر پلیس معرفی کردند. در خلال شب یکی از همسایه‌ها جیغی شنیده بود، از روی بدگمانی به پلیس خبر داده بود و حالا این سه افسر آمده‌اند تا خانه را بگردند. من لیخند زدم. ترسی هم که نداشتم. به آنان خوشامد گفتم و گفتم جیغ و فریاد خودم بود؛ خواب دیده بودم. درباره پیرمرد گفتم که او مدتی است غییبش زده. به مسافرت رفته و مهمانان را همراه خود بردم تا گوشه و کناره‌های خانه پیرمرد را با چشمهای خودشان ببینند و خودم به آنها گفتم همه‌جا را بگردند، با دقت هم بگردند. آخر سر هم آنها را به اتاق پیرمرد بردم. اموال و دارایی او را نشان دادم که دست‌نخورده سر جایش بود. بی‌پروایی و هیچانی که از اعتماد به نفس پیدا کردم، موجب شد که چند تا صندلی را کشان کشان بیاورم درست توی اتاق پیرمرد و به مهمانان تعارف کردم که برای رفع خستگی کمی اینجا استراحت کنند. صندلی‌ای که خودم روی آن نشستم درست روی تخته‌هایی گذاشتم که جنازه پیرمرد زیر آن پنهان شده بود. افسرهای پلیس راضی بودند. رفتار من هم عادی و قانع‌کننده بود. به طور فوق‌العاده‌ای وضعیتی آرام و عادی داشتم. وقتی دیگر از سؤال و جوابهای من اطمینان پیدا کردند، آنها نشستند و به صحبت‌های معمولی پرداختند. ولی طولی نکشید وضعیتم دگرگون شد و دلم می‌خواست که آنها هرچه سریعتر از اینجا بروند. سرم گیج می‌رفت، در گوشم صداهای عجیب و غریب پیچید، ولی آنها همچنان نشسته بودند و صحبت‌شان گل کرده بود. صداها در گوشم بلندتر و محسوس‌تر ادامه پیدا کرد. شروع کردم به حرف زدن تا شاید از سر احساسی که بر من غلبه کرد خلاص شوم، ولی بدتر شد. تا اینکه بالاخره متوجه شدم که این صدا از گوشهای من نیست. شك نداشتم، حالا رنگ و رویم پریده‌تر شد. حرف زدن را با روانی و صدای بلندتر ادامه دادم. ولی آن صدا بلندتر شد. چه خاکی به سرم بریزم؟ صدا اول ضعیف و فروخورده بود و به صدای ساعتی که در پارچه

ادامه در صفحه ۴۵ ◀◀

سعید قطب‌زاده، اجرای مراسم را برعهده داشتند. کلاری، فیلمبردار با سابقه ایران که در این فیلم برای اولین بار با فرهادی کار کرده گفت: «کار با فرهادی مثل یک حادثه است، در طول ۳۰ سال فعالیت در سینما، با بزرگان زیادی کار کردم اما در زمان این فیلم درسهایی یاد گرفتم خیلی بیشتر از سینما، برایم خود زندگی بود. فرهادی انسان بزرگی است و این خیلی مهم‌تر از فیلمساز بزرگ بودن است و در همه حال بر زندگی اطرافیانش تأثیر می‌گذارد. اعتراف می‌کنم بعد از این فیلم، همسر را بیشتر دوست دارم، فهمیدم چرا حرف طبقه دیگر اجتماع را نمی‌فهمیدم و چرا به همه دیگر دروغ می‌گوییم. فرهادی را اگر درک کنید، به بهترین شکلی هدایت می‌شوید. کار با او اگر چه باید دقیق و هوشمندانه و باظرافت باشد ولی سخت نیست. برای من که سالها در قواعد دست و پاگیر کار کرده بودم، سخت بود این قدر در کارم، آزاد و سیال باشم. مثل فیلمبرداری با موبایل می‌ماند. او تأکید داشت با فیلم ۳۵ میلیمتری، فضای فیلمهای موبایلی را خلق کنیم. خودم را به دست اندیشه‌هایش سپردم. باورم نمی‌شد که این فیلم را فیلمبرداری کردم. در این فیلم تنها سه پلان است که روی پایه فیلمبرداری شد و بقیه را با دوربین ۱۴ کیلوبی روی دوشم گرفتم.»

مریلا زارعی بازیگر گفت: «با فیلمهای فرهادی، احساس می‌کنم در دنیایی دیگر، با استانداردهای دیگری هستیم؛ اتفاقاتی که از درون به بیرون منتقل می‌شود و در زندگیمان جاری است. آرزویم این است که بازیگران ایران، سعادت حضور در حداقل یکی از فیلمهای فرهادی را داشته باشند.»

پیمان معادی بازیگر اصلی فیلم می‌گوید: «یک ماه قبل از فیلمبرداری، با فرهادی تحلیل‌های مفصلي درباره نقشم داشتم. کار این آدم، نگاهش، چگونگی صدا و لحنش ... وقتی به این جزئیات رسیدم، دیگر کار سختی نبود. به نظرم مراحل کشف و شناخت نقش، سخت‌ترین قسمت کار است و گرنه ایفای آن اصلاً دشوار نبود.»

شهاب حسینی گفت: «تردیدی در پذیرفتن نقش‌های مکمل در فیلمهای فرهادی ندارم. دعوت ایشان، مثل دعوت به یک کشتی مجهز و بزرگ است، لذت می‌برم و می‌آموزم. خدا را شکر می‌کنم این موقعیت را در کنار آقای فرهادی داشتم. نقش حجت در این فیلم، برایم سخت‌تر از «درباره الی» بود، چون ماه‌ها از اجتماع‌اش بسیار ملموس و قابل مشاهده بود.»

سارینا فرهادی درباره اولین حضورش در فیلم پدر می‌گوید: «اوایل برایم سخت بود و فیلمبرداری را جدی نمی‌گرفتم اما پس از چندبار حضور در صحنه و دیدن جدیت عوامل، به‌ویژه پدرم، انگیزه پیدا کردم و کم‌کم

نسبت به همه چیز نسبی است و این اندیشه قطعاً در کارهایم وجود دارد. نوشتن برای من مثل رانندگی است. از من درباره ایده‌پردازی در فیلمنامه و دقت در پردازش جزئیات فیلمهایم پرسیدند، باید بگویم که قواعد را می‌دانم و در عین حال خیلی به آن فکر نمی‌کنم. وقتی می‌نویسم، به این فکر

سال ۱۳۶۵ فعالیتش را در انجمن سینمای جوان اصفهان آغاز کرده که نخستین حضور حرفه‌ای‌اش را می‌توان در سال ۱۳۸۰ به عنوان فیلمنامه‌نویس، در کنار ابراهیم حاتمی‌کیا در فیلم «ارتفاع پست» دانست. فیلم «درباره الی» به دلیل بازی گلشیفته فراهانی در ابتدا توسط مقامات وزارت ارشاد کنار گذاشته

طی این هفته قرار است یک سری از کارهای اصغر فرهادی در فستیوال سینمای مدرن که بعد از فستیوال جهانی فیلم مونترال، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، اکران شود. این بهانه‌ای شد برای اینکه یک بار دیگر در هفته، به فرهادی و کارهای او بپردازیم.

فستیوال «سینمای مدرن مونترال» و اصغر فرهادی



MONTREAL 40TH FESTIVAL DU NOUVEAU CINEMA
OCTOBER 12-23 2011
NOUVEAUCINEMA.CA

شده بود، اما سرانجام با رایزنی‌های نهادهای غیردولتی سینما و داوران جشنواره، دستور نمایش فیلم داده شد و در اکران نوروزی قرار گرفت. البته به دلایل نامعلومی از اکران آن جلوگیری و بالاخره پس از ۴ ماه توقف اکران شد. فرهادی در چهاردهمین جشن خانه سینما، برای هنرمندان در غربت مثل: گلشیفته فراهانی، بهرام بیضایی، امیر نادری و ... آرزوی بازگشت کرد، که در نهایت در اوایل مهر ۱۳۸۹ در حالی که ۲۰ درصد از فیلمبرداری «جدایی نادر از سیمین» گذشته بود، مجوز ساختش را از دست داد و شمقدری معاون سینمایی وزارت ارشاد گفت که او باید حرفهایش را اصلاح کند، اما سرانجام این فیلم زیبا ساخته شد و امید است به لطف پروردگار بالاترین افتخار سینمای ایران را در مراسم اسکار امسال کسب کند.

اصغر فرهادی فیلمنامه‌های زیبایی نوشته از جمله: مجموعه تلویزیونی «روزگار جوانی» (۱۳۷۷)، مجموعه‌های تلویزیونی «داستان یک شهر یک و دو» (۱۳۸۷-۱۳۸۰)، «ارتفاع پست» (۱۳۸۰)، «شهر زیبا» (۱۳۸۲)، «چهارشنبه‌سوری» (۱۳۸۴)، «کنعان» (۱۳۸۶)، «دایره زنگی» (۱۳۸۶)، «درباره الی» (۱۳۸۷) و «جدایی نادر از سیمین» (۱۳۸۹).

در این قسمت بد نیست به خلاصه‌ای از سخنان اصغر فرهادی در نشست خبری آخرین فیلمش (جدایی نادر از سیمین) اشاره کنیم که در بهمن‌ماه ۱۳۸۹ در سالن سعدی برج میلاد برگزار شد، تا شما عزیزان بیشتر با دیدگاهها و نظرات این هنرمند گرانقدر کشورمان آشنا شوید:

«به دنیا و زندگی نگاه مطلق ندارم، دیدم

اصغر فرهادی متولد ۱۳۵۱ در سده اصفهان است. او علاوه بر کارگردانی، فیلمنامه‌نویس بسیار موفق هم هست و تاکنون توانسته در سالهای ۱۳۸۴، ۱۳۸۷ و ۱۳۸۹ سه بار جایزه سیمرغ بلورین بهترین کارگردانی را از جشنواره فیلم فجر به دست آورد. بالاترین افتخارات او کسب خرس نقره‌ای جشنواره برلین به عنوان بهترین کارگردان برای فیلم «درباره الی» و همچنین خرس طلایی جشنواره برلین برای فیلم «جدایی نادر از سیمین» است. او اولین فیلمساز ایرانی است که به این افتخار دست یافته است.

فیلم «جدایی نادر از سیمین» از کشور ایران، به عنوان نماینده در مراسم اسکار معرفی شده که همان‌طور که در شماره‌های گذشته به تفصیل در مورد آن گفتیم، علاوه بر کاندید شدن در بخش بهترین فیلم خارجی‌زبان، احتمال نامزدشدنش در بخش بهترین فیلم، بهترین کارگردانی و بهترین بازیگری و بهترین فیلمنامه‌نویسی هم می‌رود و بی‌صبرانه منتظر روزی هستیم که نامزدهای نهایی اسکار معرفی می‌شوند. از دیگر کارهای فرهادی می‌توان به «رقص در غبار» (۱۳۸۱) برنده جایزه ویژه هیأت داوران جشنواره فیلم فجر و «چهارشنبه‌سوری» (۱۳۸۴) برنده بهترین کارگردانی این جشنواره هم اشاره کرد. همسر ایشان خانم پریسا بخت‌آور نیز کارگردان بسیار خوبی است که فیلم «دایره زنگی» را در سال ۱۳۸۶ ساخته و دخترشان سارینا فرهادی، در فیلم «جدایی نادر از سیمین» به خوبی توانست نقش ترمه را ایفا کند. اصغر فرهادی مدرک فوق لیسانس رشته تئاتر را از دانشگاه تربیت مدرس گرفته و از

H.PADAR

**FINEST TAILORING
IN MONTREAL**

**Custom made suits
for men and women
Ready to wear**



ما با چند دهه تجربه در فرهنگ لباس، طراحی، تک دوزی و تخصص در تغییرات لباس آخرین مدها را براننده‌ی شما می‌کنیم

ما افتخار می‌کنیم که تا کنون خانم‌ها و آقایان بازرگان، مشاهیر صحنه‌های بین‌المللی و بزرگترین طراحان جهان از خدمات تخصصی و هنری **H Padar** بهره برده‌اند



www.hpadar.com

1121 Ste. Catherine West, 2nd Floor

514.842.5608

اخبار کوتاه سینمایی

◆ فرج... سلحشور، کارگردان فیلم یوسف پیامبر، در گفتگویی با گفتن اینکه سینمای ایران «فاحشه‌خانه» است، جنجال آفرید. او گفته، با صحبت‌هایم قصدم این بود که نسبت به دعوت آنجلینا جولی به ایران واکنش نشان دهم! پگاه آهنگرانی، هانیه توسلی، باران کوثری، ترانه علیدوستی و نگار جواهریان، پنج بازیگر جوان و بسیار توانای ایران در نامهای سرگشاده به این گفته واکنش نشان داده‌اند که به قسمتی از آن اشاره می‌کنیم: «از اینکه می‌بینیم پرداختن به زندگی نورانی پیامبران، نقشی در کلامتان نداشته و شهرتتان را به خاطر نفرت‌پرانی و بی‌ادبی به هم‌نوعانان کسب کرده‌اید، بسیار متأسفیم. ای کاش لطف کنید سینمایی را که خجالت می‌کشیم بگوییم، شما را یاد کجا می‌اندازد، به حال خود رها کنید، شاید رستگار شوید!» سلحشور در تعدیل حرف‌هایش از همه بازیگران زن ایرانی عذرخواهی کرده و گفته، منظورم این بوده که با وجود این همه بازیگر خوب ایرانی، چرا باید یک بازیگر هرزه بین‌المللی بیاوریم!

◆ در زمان بستن این صفحه، مطلع شدیم که فیلم «جدایی نادر از سیمین» آقای فرهادی توانست ۳۷۵ فیلم حاضر در جشنواره بین‌المللی فیلم ونکوور را شکست داده و برنده جایزه انتخاب مردم شود؛ جشنواره‌ای که از ۲۹ سپتامبر تا ۱۴ اکتبر در کانادا برگزار شد. این فیلم اخیراً در جشنواره بین‌المللی فیلم تورنتو به عنوان دومین فیلم منتخب تماشاگران معرفی شد.

در جشنواره ونکوور، فیلم «ترانه‌ها را بخوان» از خانم سوزان روستاک، بهترین فیلم غیرداستانی از سوی تماشاگران و فیلم «Peace Out» ساخته چارلز ویلکینسن کانادایی، بهترین مستند و «استار باک» ساخته کن اسکات، بهترین فیلم کانادایی برگزیده شد. امیدوارم این روند موفقیت‌ها برای فیلم بارزش جدایی نادر از سیمین، در هشتاد و چهارمین دوره جشنواره اسکار امسال هم تکرار شود.

در جریان فیلمبرداری فکر نمی‌کردم که در فیلمی با هدایت پدرم کار می‌کنم.»
و اما امسال چهلمین سال جشنواره سینمای مدرن (شروع از سال ۱۹۷۱) است؛ جشنواره‌ای که پایه‌گذارانش کلود جامبرلن و دیبیتی ایپیدس بودند. ایپیدس ادبیات را در دانشگاه سانفرانسیسکو، تئاتر را در آکادمی هنر دراماتیک آمریکا و سینما را در مدرسه فیلم لندن خوانده است. آنها پدیدآورندگان یک جشنواره آوانگارد بودند. فستیوال سینمای مدرن کار مستقش را ادامه داد و محل بسیار مناسبی را برای معرفی فیلمها و هنرمندان فراوانی به جامعه کبک و کانادایی بوده است؛ کسانی مثل: آتوم آگویان، جیم جارموش، عباس کیارستمی، اسپایک لی، ویم وندرس، جین کمپیون، پدرو آلمودوار، مارگریت دوراس، گی مدین، ریموند دیاردون، پیتر گریناوی و...
با پیشرفت سریع تکنولوژی و فن‌آوری، دنیا، هر روز در اطرافمان در حال تغییر است و دیدن فیلمهای سینمایی در چنین زمانی با بهترین کیفیت نزد بینندگان، بسیار لذت‌بخش است. فستیوال سینمای مدرن، محلی برای کشف کردن و بهتر دیدن است، فستیوالی که به جامعه در جهت حرکت رو به جلو کمک می‌کند. دیدن هنرمندان با استعداد و نگاه به آینده، هدف این فستیوال بین‌المللی است که آن را با ایجاد فضایی صمیمانه و ارتباط هنرمندان با یکدیگر و کارهایشان، به وجود می‌آورد.
به مناسبت چهلمین دوره این فستیوال، ۱۰۰

منابع: سایتهای Nouveau Cinema، سایت رسمی اصغر فرهادی، خبرآنلاین و شبستان.



نفت نسوخت و استیلی هم شعله‌ور نشد

■ تورج عاطف

که با تیم استقلال قرارداد داخلی بست و امروز کاپیتان پرسپولیس شده است (!) می‌گوید، در دو بازی با مس کرمان و نفت تهران خوب بازی کردیم و اعتراض مردم تیم را دچار تشویش می‌کند. به ایشان می‌گوییم آیا اجباری است که ایشان اظهار نظر کنند؟ همه می‌دانند در دو بازی با مس کرمان و نفت تهران تیم خوب بازی نکرده است، اما ایشان عاشق استقلال و محبوب کادر فنی پرسپولیس نمی‌خواهند که این حکایت را خوب بفهمند. همین حرفها را محمد نوری می‌گوید؛ او که یکی از بدترین بازیکنان سرخها در این فصل است اعلام می‌دارد که معترضان تماشاگر نما هستند. می‌پرسیم چه کسی به این آقا اجازه داده است که به مردم توهین کند؟ این تماشاگر نماهایی که ایشان از آنها یاد می‌کند همان‌هایی هستند که با تمام دغدغه‌های مالی برای این تیم و دیدن بازیهای بدش هزینه می‌کنند، اما شما که صدها میلیون تومان در این دوسال از این تیم بهره‌برداری کردید در چه جایگاهی قرار دارید که تماشاچی را تماشاگر نما بنامید؟

۴) نگاهی به اعضای کمیته فنی می‌اندازیم. جناب زادمهر با کمال بی‌شرمی می‌گوید تیم در فصل نقل و انتقال خوب یارگیری نکرد. از ایشان می‌پرسیم شما چه‌کاره بودید که اجازه دادید سرمربی تیم، بد یارگیری کند؟ این آقای به اصطلاح کارشناس، که در بسیاری از برنامه‌های تلویزیونی می‌آید امروز استیلی را مورد نقد قرار می‌دهد که شخصیت آرامی دارد و به این دلیل نمی‌تواند تیم را جلو ببرد. از ایشان می‌پرسیم این شخصیت را شما در پیش از فصل نمی‌شناختید؟ چرا تیم را به این شخص که کاربزمای پایین دارد سپردید؟ شما می‌گویید استیلی دستیاران خوبی ندارد؛ پس چرا شما سکوت کردید و اجازه دادید تیم با این کادر بسته شود؟ چرا شما از مردم عذرخواهی نمی‌کنید؟ شما به چه حقی خود را کارشناس فوتبال می‌دانید؟

و... راستی آیا در بازی آدینه گذشته، این مردم نبودند که سوزانده شدند؟

می‌چسبانند. مردم تیمشان را دوست دارند و به همین دلیل انتقاد می‌کنند و این علاقه هیچ ربطی به علاقه یا عدم علاقه به استیلی ندارد، اما گویا این



فرهنگ که بسیار در جامعه ما رواج دارد که کل را می‌خواهند فدای جزء کنند و همواره با دیده تردید به مردم و عشقشان نگاه کنند. استیلی می‌گوید: «اگر ما را نخواهند می‌رویم.» می‌پرسیم با چه زبانی باید به او بگویند که نه او و نه حامیان او را این مردم نمی‌خواهند. این همه اصرار بر نشنیدن و ندیدن و نفهمیدن بر چیست؟ آقای استیلی! مردم شما را که از تیمهای شاهین و شهرداری تبریز و صنعت نفت آبادان و داماش گیلان رتبه پایین‌تری دارید، نمی‌خواهند.



۲) استیلی تنها کسی نیست که مردم را می‌سوزاند از قول بیژن عزیزی که ۳) و این داستان در مورد بازیکنان هم وجود دارد. محمد نصرتی، همان کسی

سر تیتیر روزنامه‌های صبح پنجشنبه گذشته تهران بیشتر به بازی نفت تهران و پرسپولیس اختصاص داده شده بود. نفت تهران که تا آخرین روزهای فصل نقل و انتقال در گرداب واگذاری به استان اراک یا ماندن در تهران دست و پا می‌زد و به همین دلیل نه توانسته بود بازیکنان بزرگی جذب کند و نه آن که فصل آمادگی خوبی را پشت سر بگذارد، صدرنشین لیگ بوده و باید به مصاف پرسپولیس رده دهمی می‌رفت که به قول مدیر سابق و سر مربی‌اش، آماده بازگشت به روزهای اوج بود.

در سر تیتیر روزنامه‌ها نوشته شده بود که یا نفت یا استیلی خواهند سوخت اما بازی به تساوی رسید و باعث شد نه نفت بسوزد و نه استیلی شعله‌ور شود، اما حرفهای او و دوستانش باعث شد که طرفداران سرخ به آتش کشیده شوند و از رنجی که می‌برند شعله‌ور شوند. با هم نگاهی به قصه‌های استیلی و همراهان می‌افکنیم.

۱) استیلی می‌گوید ما به زمان نیاز داریم! نزدیک به سه ماه از بازیها گذشته است و استیلی کسی بود که اعلام کرده بود، از هفته پنجم تیم واقعی او را باید دید. حالا می‌بینیم پس از ۵ هفته از آن وعده، جناب سرمربی باز هم زمان می‌خواهد و لابد ۵ هفته دیگر و در آستانه نیم‌فصل باز ۵ هفته دیگر طلب می‌کند.

استیلی می‌گوید مردم یادشان رفته که ما با تیم صدرنشین بازی داشتیم. می‌پرسیم هفته پیش که به تیم فخرنشین مس کرمان باختید باز هم مردم یادشان رفته بود؟

استیلی می‌گوید اگر مردم تیمشان را دوست داشته باشند باید از تیم حمایت کنند. نمی‌دانیم این چه حرفی است که برخی افراد خودشان را به تیم

آموزشگاه سالنگ
برگزار می‌کند

کلاس‌های موسیقی:
گیتار، ویلون، سنتور، پیانو، تار و سه تار

برای اطلاع از کلاس‌های دیگر
با ما تماس بگیرید

(514) 690 6343

هر روز هر روز

مونترال < > تورنتو < > مونترال

مسافر، بار و بسته با نرخ‌های باور نکردنی

Montreal : 514-887-0432

Toronto : 647-822-2529

پویا برگزار می‌کند:

کلاس‌های تقویتی
فیزیک، شیمی، ریاضی، زیست‌شناسی،
فرانسه، انگلیسی

برای دوره‌های
دبستان، دبیرستان و دانشگاهی

5155 Décarie Montréal, Québec
H3W 3C2 CANADA

514-588-9038 514-690-6343 Métro Snowdon

Maryam & Rose
استتیکه الکترونیکی لیبر

4491-A St. Charles Blvd – Pfds, QC, H9H 3C7
(SPQ Concept)

514-833-1519 & 514-694-3735

رستوران شیراز

برای کیتزینگ جشنها و مراسم گوناگون در خدمت شما
با مدیریت خدیجه سیاح

(514) 485-2929

5625 Sherbrooke W.

اخبار کوتاه ورزشی

■ شروین برزگر

s.barzegar@hafteh.ca

رده چهارم قرار گرفته است. نکته جالب توجه در این فهرست نزول عربستان به رده یازدهم تیم‌های آسیایی است.

◀ کلودیو جنتیله مربی سابق تیم ملی زیر ۲۱ ساله‌های ایتالیا به عنوان سرمربی تیم ملی فوتبال لیبی انتخاب شد. این مربی ایتالیایی، در سال ۱۹۵۳، در لیبی به دنیا آمده است.

◀ مهتاب پارسامهر، عضو تیم ملی کامپوند ایران که تمریناتش برای حضور در مسابقات قهرمانی آسیا را در سایت تیراندازی آزادی دنبال می‌کرد، در پایان تمرین، زمانی که قصد عبور از روی محوطه پوشیده‌شده‌ای را داشت، ناگهان در چاله‌ای به عمق نزدیک یک متر افتاد و مصدوم شد. پارسامهر که شانس اول کسب مدال طلای ایران در این مسابقات است، از ناحیه پا مصدوم شده است. هفدهمین دوره مسابقات تیراندازی با کمان قهرمانی آسیا و انتخابی المپیک لندن، با حضور کمانداران ۲۴ کشور خارجی از قاره آسیا، در تهران آغاز می‌شود.



◀ رضا مهمان‌دوست، پرافتخارترین مربی تکواندوی ایران برکنار شد. مهمان‌دوست که در چهار سال اخیر سرمربی‌گری تیم ملی تکواندوی ایران را بر عهده داشته، در حالی از سوی فدراسیون کنار گذاشته شد که موفق شده تیم ملی تکواندوی ایران را به مقام قهرمانی جهان برساند؛ افتخاری تا به حال در تاریخ تکواندوی جهان، نصیب تیم دیگری غیر از کره جنوبی نشده بود.

◀ در خبری که سایت باشگاه اوساسونا با عکس شجاعی و تیتو «مسعود دوباره زیر تیغ» منتشر کرده، آمده: مسعود می‌خواهد سومین جراحی‌اش را در آلمان (یعنی همان جایی که جواد نکونام مورد عمل جراحی قرار گرفت) انجام دهد. همچنین پزشک تیم اوساسونا شرایط روحی شجاعی را خوب توصیف نمی‌کند و اضافه می‌کند مسعود به احتمال زیاد فصل ۲۰۱۱-۱۲ لالیگا را از دست می‌دهد.

◀ تیم ملی فوتبال کشورمان که با برتری مقابل تیم‌های بلژیک، آمریکا، اروگوئه و گواتمالا به مرحله نیمه‌نهایی هفتمین دوره مسابقات فوتبال جایزه بزرگ برزیل موسوم به جام جهانی کوچک راه یافته بود، برای راهیابی به دیدار نهایی این دوره از مسابقات به مصاف برزیل رفت و با نتیجه ۴ بر یک، تن به شکست داد و از راهیابی به دیدار بازماند.

◀ تساوی تیم فوتبال پرسپولیس برابر نفت تهران باعث شد این تیم پس از گذشت یازده هفته از مسابقات لیگ، با ۱۳ امتیاز در جایگاه یازدهم جدول قرار بگیرد. آخرین خبر موق از باشگاه پرسپولیس این است که همه اعضا برای خداحافظی با استیلی آماده هستند و تیم باید زیر نظر مربی موقت و نظارت مستقیم علی پروین تمرین کند.

◀ تیم ملی فوتبال ایران در تازه‌ترین رده‌بندی فیفا با هشت پله صعود در مکان ۴۲ جهان قرار گرفت. ایران در این رده‌بندی با ۶۲۶ امتیاز و بالاتر از تیم‌های نظیر نیجریه، سنگال، کامرون، چک، اسکاتلند و رومانی قرار گرفته است. در بین تیم‌های آسیایی هم تیم ایران پس از تیم‌های ژاپن، استرالیا و کره جنوبی در

خانواده: تغذیه سالم

دکتر پرویز قدیریان | www.allnaturalremedies.net / www.cancerriskinfo.com



برنج مصنوعی به بازار آمد

به حق چیزهای نشنیده! عمر ما کفایت نمود و برنج مصنوعی چینی را هم دیدیم. در یکی از مقالات گذشته نوشتیم که مردم چین به علت پیشرفت‌های ناگهانی و به خاطر جمعیت زیاد و نیاز به مواد غذایی و در ضمن مشکل کنترل کیفیت غذاها، از هر طریقی که بتوانند سوءاستفاده نموده و محصولاتی را به بازار می‌آورند که گاه کشنده و مہلک هستند. نمونه‌های آن را در سال‌های گذشته دیدیم که از مواد شیمیایی سمی مانند ملامین، در تهیه شیر کودک و غذای حیوانات استفاده کردند و سبب مرگ و میر عده زیادی شدند. این بار شاهد خبری هستیم که چینی‌ها برنج مصنوعی را از ترکیب سیب‌زمینی و صمغ (Resin) پلاستیک که از نفت به عمل می‌آید و ماده خطرناکی است، تهیه و به بازار آورده‌اند که اگر در ظاهر آن کاملاً دقت شود، مشکل می‌توان تشخیص داد که دانه‌های برنج در قالب‌های مخصوص به طور مصنوعی درست شده‌اند. تارنمای www.veryvietnam.com که یکی از منابع خبری مهم در این مورد است می‌نویسد، اگر شخصی حدود سه کاسه کوچک برنج مصنوعی چینی را بخورد، مثل این است که یک کیسه پلاستیکی را خورده است، به عبارت دیگر مواد سمی و صمغ موجود در مقدار برنج مورد بحث برابر صمغ یک کیسه پلاستیکی متوسط است که در نهایت سبب بیماریهای مزمن غیرقابل درمان شده و مرگ‌بار خواهد بود. متأسفانه اکثر کالاهایی که از چین وارد می‌شوند تقلبی هستند و به علت ارزان

بودن، بازارهای دنیا را اشباع کرده‌اند. از اسباب‌بازی کودکان تا داروهای شیمیایی و اغذیه به مواد زیان‌بار آلوده هستند و نتایج مصرف آنها تا چند سال دیگر در سراسر دنیا مشخص خواهد شد. به همین دلیل در اینجا توصیه می‌گردد به هیچ عنوان نباید از غذاهای چینی موجود در بازار استفاده نمود. رستوران‌های چینی شاید مجبورند رعایت بهداشت و قانون این سرزمین را بنمایند ولی آن دسته از غذاهایی که مستقیماً از چین وارد می‌شوند قابل مصرف نخواهند بود. / توضیح هفته: این مطلب در ماه مارس ۲۰۱۱ نوشته شده است.

خطر مصرف بی رویه ویتامین E جدی است!

ویتامین E که نوعی ویتامین محلول در چربی و آنتی‌اکسیدانی بسیار قوی است می‌تواند موجب مرگ زودرس شود. در چند دهه گذشته مصرف این ویتامین، مخصوصاً در بین کهنسالان به شدت افزایش یافته و یکی از دلایل مصرف زیاد این ویتامین، عقیده مردم در تأخیر انداختن پیری و جوان ماندن است. پژوهشگران این بررسی، ۱۹ مطالعه علمی در این زمینه را با یکدیگر تجزیه و تحلیل کرده (بیشتر از ۱۳۶ هزار نفر افراد مسن در این بررسی شرکت کرده‌اند) و به این نتیجه رسیده‌اند که افرادی که بیشتر از ۲۰۰ واحد بین‌المللی ویتامین ای در روز مصرف می‌کردند، ۵ درصد بیشتر از دیگران که چنین نمی‌کردند به مرگ و میر زودرس دچار شدند. اگرچه رقم ۵ درصد زیاد بالا نیست ولی نباید فراموش کرد که ۲۵ درصد کهنسالان آمریکایی به خوردن ویتامین



ای عادت دارند و این خود موجب نگرانی است و بالاتر از همه دو سوم همین افراد، روزی بیشتر از ۴۰۰ واحد بین‌المللی ویتامین ای می‌خورند. نباید فراموش کرد که همین افراد به همراه رژیم غذایی

پژوهشگران دانشگاه جان هاپکینز که یکی از دانشگاه‌های معروف دنیا است، طی مطالعه وسیعی به این نتیجه رسیده‌اند که مصرف زیاد و بی‌رویه

روزانه خود، مقدار لازم و کافی ویتامین ای دریافت خواهند کرد که ممکن است رقم کل ویتامین ای مصرفی را به ۱۵۰۰ واحد بین‌المللی در روز برساند که رقمی است بالا و خطرناک.

ویتامین ای ویتامین ضدسرطان نام گرفته و آنتی‌اکسیدانی است قوی که می‌تواند سلولهای بدن انسان را در برابر رادیکالهای آزاد محفوظ نگه دارد. با وجود همه این مزایا، ویتامین ای، ویتامینی است محلول در چربی و مصرف زیاد آن مخصوصاً به صورت مصنوعی (کپسول) اختلالات غیرقابل جبرانی را در بدن به وجود می‌آورد که یافته جدید یکی از آنهاست.

به عقیده من داروخانه‌ها نباید ویتامینهای محلول در چربی مانند ویتامین D، K، E و A را بدون نسخه به مردم بدهند و این موضوعی است که من همیشه به آن معتقد بوده و بر آن پافشاری می‌کنم. وقتی کسی بتواند به طور طبیعی غذا بخورد و از غذاهای مختلف تغذیه کند، نیازی به ویتامین اضافی ندارد، مگر این که شخصی بیمار باشد یا به هر دلیلی این دسته از ویتامینها به او نرسد یا نتواند آنها را در بدن مصرف کند، که آن هم باید توسط پزشک یا متخصص تغذیه بررسی و توصیه شود، نه توسط شخص معمولی. ویتامین ای در روغنهای گیاهی و دانه‌های روغنی مانند پسته، بادام، گردو، بادام‌زمینی و غیره به فراوانی وجود دارد و زمانی که به صورت غذاهای طبیعی مصرف گردد، بدن انسان قدرت انتخاب دارد و مقدار لازم را هضم، جذب و ذخیره می‌کند ولی وقتی به صورت قرص و کپسول مصنوعی خورده شود، وضع به این صورت نخواهد بود، زیرا مقدار زیادی از آن در بدن انباشته و منجر به مشکلات غیرقابل حلی می‌شود.



برنامه های فرهنگی، تفریحی و آموزشی فرهنگسرای سینا

مجموعه جلسات آموزشی تنظیم رزومه شغلی و کاربایی

جلسات یک هفته در میان تشکیل خواهد شد

موضوع این هفته:

روشهای پیدا کردن شغل مناسب و تکنیکهای مصاحبه

مهمان این هفته:

آقای دکتر بابک عباس زاده Medical Advisor at Sanofi

بخش اول جلسه به کاربایی از طریق شبکه ارتباطات و بخش

دوم به آماده سازی جهت مصاحبه اختصاص دارد

این جلسات با هدف آشنایی مهاجران با اصول تهیه رزومه و

کاربایی و به همت آقای دکتر ایرج بهشتی تشکیل می شود.

تاریخ سومین جلسه یکشنبه 30 اکتبر از ساعت 17 تا 19

درب سالن ساعت 16:30 باز خواهد شد

ویژه بانوان Zumba Fitness

از ساعت 18:45 تا 19:45 شهریه هر جلسه: فقط 5 دلار

2 روز در هفته، دو شنبه ها و چهارشنبه ها

جشنواره غذاهای ایرانی

این جشنواره در تاریخ های یکم تا چهارم دسامبر 2011

برگزار خواهد شد.

از کلیه هموطنان که علاقه مند به مشارکت در برگزاری این

جشنواره هستند، دعوت می گردد از طریق تلفن یا ایمیل با

فرهنگسرا تماس بگیرند.

ادامه مسابقات تخته نرد مونترال، پائیز 2011

شنبه 30 اکتبر ساعت 14، ورودی 10 دلار

به نفرت برتر جوایز ماندگار اهداء خواهد شد

درب سالن ساعت 13:30 باز خواهد شد

کلیه برنامه های فرهنگسرای سینا راس ساعت برگزار می شود.

آموزش مکالمه زبان انگلیسی (مبتدی، متوسط و پیشرفته)

شهریه هر جلسه فقط 4 دلار

آموزش مکالمه زبان فرانسه (مبتدی و متوسط)

شهریه هر جلسه فقط 4 دلار

آموزش موسیقی: دف، سنتور، ویولن، پیانو، گیتار الکتریک

Tel: 514-488-3000 E-mail: pr@seena.ca

www.Seena.ca



6528 St Jacques, Montréal, QC H4B 1T6
5 min to Vendome Metro; Bus 90,105

دارای پارکینگ رایگان برای مراجعه کنندگان عزیز

چند نظریه وجود دارد: یک نظریه این است که باکتریهای دهانی که وارد جریان خون می شوند به پلاکهای چربی عضله قلب متصل می شوند و ایجاد لخته بر روی آنها را تحریک می کنند. در نتیجه رگی که به علت وجود پلاک دیواره ضخیم و سفت شده و فضای داخلی آن از قبل تنگ شده، و مسدود می شود و حمله قلبی رخ می دهد. یک احتمال دیگر این است که التهاب ناشی از بیماریهای لته خود باعث افزایش تولید پلاک می شود.

بررسی ها نشان داده اند افرادی که دچار بیماری پریدونتیت هستند، دو برابر بیشتر از افراد بدون بیماری لته، دچار بیماری شریانهای کرونر قلب می شوند. عفونتهای لته ممکن است یک بیماری قلبی از پیش موجود را هم بدتر کنند. بیمارانی که در معرض ابتلا به اندوکاردیت عفونی هستند، باید پیش از اعمال دندانپزشکی آنتی بیوتیک دریافت کنند.

تحقیقات در مورد سگته مغزی ناشی از کاهش خون رسانی به مغز به علت انسداد شریانها هم رابطه ای نشان داده اند.



گزارش خبرگزاری فرانسه از استکهلم، آندرس هولملوند، یکی از سه پژوهشگری که نتایج تحقیق خود را در یک مجله پزشکی آمریکایی منتشر کرده است، تأکید کرد،

«بیماریهای قلبی - عروقی و به ویژه آسیبهای عروق کرونر ارتباط زیادی با تعداد دندانهای دارد که در دهان باقی مانده است.»

بر اساس نتایج بررسی های پانزده ساله در سه بیمارستان در سوئد، که برای اولین بار وجود ارتباط مستقیم میان تعداد دندانها را با بیماریهای قلبی ثابت می کند، بروز بیماریهای دهان و دندان با بیماریهای قلبی - عروقی همراه است.

دکتر هولملوند افزود: «مرگ در اثر بیماریهای کرونر نزد کسانی که کمتر از ده دندان دارند، بیش از هفت برابر افرادی است که بیشتر از بیست و پنج دندان دارند.»

دلیل این ارتباط مستقیم این است که باکتریهایی که باعث عفونت دهان می شوند می توانند از دهان وارد جریان خون شوند و به شریانهای قلب برسند و بر دستگاه قلبی - عروقی تأثیر گذارند. در حال حاضر در مورد چگونگی این ارتباط

کافه پرشیا

Café Restaurant



Persia

- انواع خورش‌ها و غذاهای ایرانی با طعم خانگی
- انواع کباب‌ها
- شیرینی‌های خشک ایرانی
- زولبیا بامیه، رولت و باقلوا ترکی

شیرینی خانگی سرو

سفارش غذا و شیرینی پذیرفته می‌شود

ساعات‌های کار: دوشنبه تا جمعه ۷:۳۰ صبح تا ۷:۳۰ بعد از ظهر

936 Girouard (corner of St. Jacques)
Tel: 514-489-8484

هفته از آن همه ماست

در کنارش باشیم و به بهبود آن

یاری برسائیم

ماهان ۱۰ دلار

با هم هفته‌های بهتری بسازیم

همین امروز **هفته** را مشترک شویم

برای مشترک شدن می‌توانید به
آدرس زیر ایمیل بزنید و آدرس
پستی خود را ارسال کنید.

info@hafteh.ca

۵۱۴-۷۸۷-۸۸۴۸

شادباش به

انجمن ادبی ایرانیان مونترال و

آقای محمد فاضل

انجمن ادبی ایرانیان مونترال، بیست‌وپنجمین سال حضور فرهنگ‌آفرین خود را آغاز می‌کند. تلاشی که گردانندگان این انجمن بویژه آقای محمد فاضل کرده‌اند ستودنی و فراموش ناشدنی‌ست. این انجمن با تداوم حضور فرهنگی توانست ردپای خود را در تلاش‌های ارزشمند جامعه کوچک ما باقی بگذارد.

ما در مرکز فرهنگی سینا به بنیان‌گذاران، دوستداران، همراهان و بویژه به آقای محمد فاضل که ادامه مستمر این کار را سبب شده، تبریک می‌گوییم و برای ایشان و انجمن ادبی در تلاش‌های زیبایشان موفقیت آرزو می‌کنیم.



مونترال اکتبر ۲۰۱۱ / مهر ماه ۱۳۹۰

مرکز فرهنگی سینا





ستون آشپزی

سیب زمینی های کوچک کره ای

(بچه سیب زمینی پخته)

این هفته قصد ما آموزش یه نوع غذا نیست بلکه هدف ارائه یک ایده است. بسیاری از افراد سیب زمینی را به هر شکلی دوست دارند: پوره، با پوست، بی پوست، تو تنور، تو زغال، پیچ پیچی، خلالی، استامبولی، پشندی. ولی از آنجایی که سرخ کردن سیب زمینی علاوه بر از بین بردن بسیاری از خواص آن، باعث بروز عوارضی چون چاقی میشود، میتوان از سیب زمینی های کوچک (بچه سیب زمینی ها) پخته به عنوان یکی از کنارچین های غذا و به همراه مرغ، ماهی یا گوشت استفاده کرد.

مواد لازم (برای دو نفر):

بچه سیب زمینی شسته شده با پوست
۵۰۰ گرم (نیم کیلو)

کره
۱ قاشق غذاخوری
جعفری خشک خرد شده ۲ قاشق غذاخوری
نمک و فلفل
به میزان لازم
فلفل سیاه
به میزان لازم (در صورت تمایل)

طرز تهیه:

سیب زمینی ها رو که کاملاً شسته و تمیزند توی آب می ریزیم و می گذاریم بجوشند. حدود ۲۵ تا ۳۰ دقیقه پس از جوش آمدن طول میکشد تا بپزند. وقتی که پختند (چنگال به راحتی تویش فرو می رفت) آبش رو دور بریزید. همون جوری که توی قابلمه است، یک قاشق کره و جعفری خشک و نمک و فلفل را روی آنها بریزید، بعد درب قابلمه رو ببندید، و قابلمه را تکان دهید بطوری که داغی سیب زمینیها کره را آب کند و سبزی خشک ها و نمک و فلفل را به اطراف سیب زمینی بچسباند. می توانید به همین صورت سرو کنید و یا به روی حرارت برگردانید که کره بیشتر پوست سیب زمینی ها را برشته کند و بیشتر به خورد آن رود. حالا کنار غذاتون بریزید و نوش جان.

سرگرمی

نکته هفته:

سکوت من هیچگاه نشانه ی رضایتم نبود... من اگر راضی باشم با شادی میخندم! سکوت نمی کنم.

نقل قول هفته:

من باور دارم ...

که همیشه باید کسانی که صمیمانه دوستشان دارم را با کلمات و عبارات زیبا و دوستانه ترک گویم زیرا ممکن است آخرین باری باشد که آن ها را می بینم... «نلسون ماندلا»

روش زندگی:

آب در عین نرمی و لطافت در مقایسه با سنگ، به مراتب سرسخت تر، و در رسیدن به هدف خود لجوج تر و مصمم تر است. سنگ، پشت اولین مانع جدی می ایستد. اما آب راه خود را به سمت دریا می یابد. در زندگی، معنای واقعی سرسختی، استواری و مصمم بودن را، در دل نرمی و گذشت باید جستجو کرد. گاهی لازم است کوتاه بیایی!

خبر هفته، بدون شرح:

سخنان رهبر انقلاب، راهگشای متفکران است رهبر شیعیان مدینه با اشاره به اینکه بیانات شیوای رهبر انقلاب اسلامی ایران راهگشای تمام متفکران، اندیشمندان و علمای جهان است، گفت: ملت ایران باید به وجود چنین شخصیتی ببالد.

شیخ کاظم العمری امروز در گفتگو با خبرنگار فارس در مشهد اظهار داشت: ایشان با گفتار بلیغ و روشنگرانه خود راه درست و روشن را پیش پا می گذارند وی با بیان اینکه نگاه رهبر فرزانه انقلاب اسلامی ایران بسیار جامع و دوراندیشانه است، تصریح کرد: ملت ایران از وجود چنین شخصیتی باید به خود ببالد.

رهبر شیعیان مدینه به برگزاری همایش بیداری اسلامی در چند هفته گذشته در تهران اشاره کرد و اظهار داشت: در این کنگره بین المللی آیت الله خامنه ای با سخنان گرم و دلنشین خود رهنمود بسیار مناسب و خوبی را به جهان اسلام برای ادامه حرکت های بیدارگونه خود ارائه کردند.

ادامه در صفحه بعد

جدول سودوکو

توضیح: خانه های جدول روبرو را با عددهای ۱ تا ۹ چنان پر کنید که در هر رج (سطر) و ستون و نیز در هر یک از جدول های درونی هر عدد تنها یک بار استفاده شده باشد.

	3		4					1
9		6			8			7 2
	4					6		5
					9			
3	7	2	5	8	4	1	9	6
			3					
7		1						6
5	6		2			3		8
4				9				1

آسان

5					2	1		
	9	4	7	1		8		
			6		9	7	4	
					8		9	
		8					4	
	1		2					
	3	5	4		1			
		1		3	6	5	8	
		6	5					4

متوسط

					6		3	8
								5
1			3		7	9		
	9						4	2
	2		5	9	1			7
3	1							8
		1	4		9			3
6								
4	5	6						

سخت

وی سطح این همایش را بسیار بالا برشمرد و عنوان کرد: سخنرانی با شکوه رهبر انقلاب اسلامی و همچنین رئیس جمهور ایران سطح برگزاری این کنگره بین‌المللی را دو چندان کرده بود. العمری تأکید کرد: دنیای اسلام با توجه به سخنان دلسوزانه رهبر مسلمین جهان در این سمینار دید بسیار خوبی را نسبت به ایران پیدا کرده است. / فارس - ۲۱ اکتبر ۲۰۱۱، ۲۹ مهر ۱۳۹۰

لطیفه هفته:

بخشید خانوم، می شه یه شماره کوچولو (!) داشته باشم ازتون یادگاری؟ - بله، شماره پام سی و هفت!

حکایت اول هفته:

سفره کافر و سفره مؤمن

مردی شی به خانه همسایه در آمد. قضا را صاحب خانه مهمان داشت و سفره شام را تازه گسترده بودند. مرد را به ادب تعارف کرد که نان و پنیری آماده است. اکنون که به فقیرنوازی آمده ای پیش آی و با ما هم کاسه شو.

مرد گفت: گوارای جانتان باد که من لحظه ای پیش شام خورده ام.

میهنمانان یک صدا گفتند: لقمه از گلوی ما پایین نمی رود که سرگرم تافتن تنور شکم باشیم و شما تماشاچی.

مرد گفت: حال که چنین است، سمعا و طاعتا! من نیز به مراقبت با شما مزمه ای می کنم.

پس پیش خزید. بر مسلط ترین نقطه سفره مستقر شد، آستین برزد و ایغاری (بورش و شیبخون) کرد که در چشم بر هم زدنی نه از نانیاره چیزی در سفره به جا ماند نه از نانخورش، و چون سفره برجیده شد، تحکیم ایمان مهمانان حیران را که گرسنه و حسرت زده برجانهاده بود در باب این عقیده شریفه که « رزق مخلوق با روزی رسان است » موعظتی تمام به میان آورد.

چون برخاستند صاحبخانه مرد را گفت: ای پیشوای دین و ای مبلغ کتاب مبین! روی ما گنهکاران سیاه باد اگر در آنچه گفتی اندکی شک داشته باشیم. اما برای آنکه همگان از درخت عدالت خداوندی به یکسان برخوردارند و شیطان لعین فرصت نیابد که در این باب شکی به دل های بندگان خدا راه دهد از این پس شامت را در خانه ی مومنان بخور و مزمه ات را به خانه ی کافران حربی ببر.

شومت ئی چه بوحور پیش و پِشِت به ار حونه خوت

شام را اینجا بخور و مزه مزه ات رو ببر حونه خوت

کتاب کوچه، احمد شاملو، جلد ۵، صفحه ۱۳۵۹

حکایت دوم هفته:

داستان جدید روباه و کلاغ

کلاغ پیری تکه پنیری دزدید و روی

شاخه درختی نشست.

روباه گرسنه ای که از زیر درخت می گذشت، بوی پنیر شنید، به طمع افتاد و رو به کلاغ گفت: ای وای تو اونجایی، می دانم صدای معرکه ای داری! چه شانس آوردم.

اگر وقتش را داری کمی برای من بخوان.

کلاغ پنیر را کنار خودش روی شاخه گذاشت و گفت: این حرف های مسخره را رها کن اما چون گرسنه نیستم حاضرم مقداری از پنیرم را به تو بدهم.

روباه گفت: ممنونت می شوم، بخصوص که خیلی گرسنه ام، اما من واقعاً عاشق صدایت هم هستم.

کلاغ گفت: باز که شروع کردی اگر گرسنه ای جای این حرفها دهانت را باز کن، از همین جا یک تکه می اندازم که صاف در دهانت بیفتد.

روباه دهانش را باز باز کرد.

کلاغ گفت: بهتر است چشم ببندی که نفهمی تکه بزرگی می خواهم برایت بیندازم یا تکه کوچکی.

روباه گفت: بازیه؟ خیلی خوبه! بهش میکن بسکتبال.

خلاصه ... بعد روباه چشمهایش را بست و دهان را بازتر از پیش کرد و کلاغ فوری پشتش را کرد و فضله ای کرد که صاف در عمق حلق روباه افتاد.

روباه عصبی بالا و پایین پرید و تف کرد: بی شعور، این چی بود؟

کلاغ گفت: کسی که تفاوت صدای خوب و بد را نمی داند، تفاوت پنیر و فضله را هم نباید بفهمد.

چیستان هفته:

شخصی برای نخستین بار سوار یک خودروی «فولکس واگن» شد و بسوی شهری حرکت کرد، درمیان راه خودروی او خراب شد ناچار ماشین را به کنار جاده هدایت کرد و کاپوت ماشین را بالا زد، ولی با کمال تعجب دید نه از موتور خبری هست، نه از سیلندر و نه چیز دیگر چطور چنین چیزی ممکن است؟

دانستنی‌های هفته:

کشف کوسه یک چشم

یک ماهی‌گیر مکزیک می موفق شد یکی از نادرترین انواع کوسه را که فقط یک چشم دارد، پیدا کند. این کوسه ۵۶ سانتی‌متری که فقط یک چشم فعال در وسط سر خود دارد، به دلیل اختلال سایکلوپیا به این حال و روز درآمده است.

به گزارش نشنال‌جئوگرافیک، انریکه لوسرو لئون، ماهی‌گیر مکزیک چند ماه پیش یک کوسه تیره رنگ باردار را شکار کرده بود و وقتی شکم او را باز کرد، با ده جنین کوسه مواجه شد که یکی از آن‌ها فقط یک چشم داشت. او این کشف را در فیس‌بوک منتشر کرد و این چنین شد که خبر به پژوهشگران مرکز میان‌رشته ای علوم دریایی لاپاز مکزیک

NASSER RENOVATION
 شرکت تعمیرات سافتمان ناصر برای همه‌گونه تعمیرات منزل و محل کارتان در فدمت شماست
 ارزیابی رایگان
 514-975-1515
 www.nasser-renovation.com

عکاسی رز Professional Photography
 عکس پاسپورتی، کانادایی، ایرانی، سیتیزن شپ، مدیکال کارت، PR کارت
 عکس‌های خانوادگی و فارغ التحصیلی
 تبدیل نوارهای ویدیویی از سیستم ایران و بلعکس
 Metro Snowdon, 5301 Queen Mary Corner Décarie 514-488-7121

آرایشگاه مردانه مسعود (کامیلیا)
 با ۱۵ سال سابقه کار در کانادا
 هر روز از ساعت ۹ صبح تا ۸ شب
 فقط با وقت قبلی
 5999-Ave de Monkland
 Montréal, QC H4A 1H1
 514-265-6435

**سفر به تورنتو
هر روز و همه روزه**
قیمت‌های ویژه برای سفر به آبشار نیاگارا

فقط ۴۰ دلار
(هر طرف)
مونترال - تورنتو - مونترال

هریس

سرویس برای مدرسه،
کالج و دانشگاه
موجود است

تلفن تماس مونترال
۵۱۴۵۶۱۲۷۸۶
تلفن تماس تورنتو
۶۴۷۹۳۳۶۹۱۱



شیرینی بابا

با شیرینی‌های سنتی، دسرهای ایرانی و غذاهای سرد ایرانی
در جشن‌ها و مراسم کوناگون همراه شما هستیم.


514-334-6528 www.bibicookies.ca



آژانس مسافرتی ITP Travel
نرخ‌های مناسب برای سفر به ایران و سایر نقاط

آتنا ذاکرین

5555 Westminster Ave. #101 Montreal QC H4W 2J2
itp.atena@yahoo.com Cell: 514-649-0109



سالن آرایش و زیبایی ایو
با مدیریت جدید

EVE & M
با خدمات کامل / متخصص آرایش عروس

Cote-St-Luc Metro: Villa Maria 5393
514-481-6765 / www.eveandm.com



فروشگاه مواد پروتئینی سن لوران

هر روز به جز دوشنبه‌ها مرغوب‌ترین گوشت و مرغ و ماهی،
انواع برنج، چای، عرقی‌ها، سبزی خشک و ...

(514) 369-3474 Marché de poisson et viande 5780 Sherbrooke West, Montreal QC, H4A 1X1

از ماجرا خبردار شدند و این جنین یک‌چشم را برای تحقیقات بیش‌تر از او قرض گرفتند. اکنون پژوهشگران اعلام کرده‌اند این جنین قطعا دچار سایکلوپیا و تک‌چشم است. پیش‌از این نیز چند بار دیگر پژوهشگران جنین‌های کوسه تک‌چشم را به شیوه‌ای مشابه مشاهده کرده بودند و این نکته که جنین کوسه‌ای در آب‌های آزاد دیده نشده، بدان معنی است که کوسه‌های تک‌چشم نمی‌توانند برای مدت طولانی در شرایط طبیعی زنده بمانند.

حواب چیستان:

سایکلوپیا نوعی اختلال مادرزادی است که در آن بخش پیش‌مغزی جنینی نمی‌تواند دو کره چشم را به‌وجود بیاورد. البته این کوسه دچار اختلالات دیگری نیز هست: او آلبینو است، یعنی پوست بدنش رنگدانه ندارد و سفیدرنگ دیده

ادامه از صفحه ۳۵ (قلب افشاگر ..)

بیچانه باشند شباهت داشت. نفسم در سینه حبس شده بود، ولی افسرها متوجه نشدند. با شور و حرارت و راجی می‌کردم و آن صدا همچنان بیشتر می‌شد. با هیاهو و آشفتگی درباره موضوعات بی‌اهمیت حرف‌های صد تا یک‌گاز می‌زدم در حالی که دست‌هایم را با عصبانیت تکان تکان می‌دادم، ولی آن صدا باز هم بلندتر می‌شد. سر در نمی‌آوردم چرا مهمان‌ها گورشان را گم نمی‌کردند؟

با قدم‌های بلند و سنگین شروع کردم به راه‌رفتن، به این طرف و آن طرف می‌رفتم تا نشان بدهم از حضور این آدم‌ها خشمگین هستم، ولی باز آن صدای لعنتی بلندتر می‌شد. ای خدای بزرگ! چه گرفتار شدم؟ از شدت عصبانیت دهنم کف کرده بود. با شدت و حرارت پرت و پلا می‌گفتم، فحش و بد و بیراه می‌دادم، صدلی‌ای را که رویش نشسته بودم بی‌اختیار به این طرف و آن طرف می‌بردم و روی همان تخته‌های جابه‌جا شده، صدلی را قژ قژ به عقب و جلو می‌کشاندم، ولی آن صدا همچنان بلند و بلندتر می‌شد. به فریادهایی بلند تبدیل شده بود. ولی افسرها انگار نه انگار که سرو صدایی هست، بی‌خیال و خندان با هم اختلاط می‌کردند. مگر ممکن است سر و صدایی به این شدت به گوش آنها نرسد؟ ای خدای بزرگ!

خانه کتاب

با حمایت کتابخانه زاگرس



▼ خانه کتاب ▼

فهرستی از کتاب‌های «خانه‌ی کتاب زاگرس»

- افسانه‌های آذربایجان - صمد بهرنگی
- سپیده‌دم ایرانی - امیرحسین چهل‌تن
- سه کتاب - زویا پیرزاد
- مرا به بغداد نبرید - ناهید کبیری
- گفته‌ها - ابراهیم گلستان
- بانوی نقاش - حاجیه شاطرلو
- کتاب آدم‌های غایب - تقی مدرسی
- شعر سکوت - بیژن جلالی
- سمفونی مردگان - عباس معروفی
- حافظ - بهاء‌الدین خرمشاهی
- گزینه اشعار - سیاوش کسرایی
- آیین در آیین - برگزیده شعر ا.ا. سایه
- سفر قندهار - محسن مخملباف



راهنمای مادران شاغل

نوشته: کارول اسمیلی، ایلین فارسلند
ترجمه: فریبا مقدم
ناشر: صابرین
تعداد صفحه‌ها: ۱۵۴ صفحه

مادر شدن تجربه‌ای منحصر به فرد است که زندگی شخصی را به کلی دگرگون می‌کند و تمامی اهداف و برنامه‌های زندگی او را تحت الشعاع قرار می‌دهد. در این میان اگر مادر برنامه‌های مشخصی در مسیر اهداف شغلی و پیشرفت‌های اجتماعی خود داشته باشد، گاهی بین وظایف مادری و برنامه‌های شغلی و اجتماعی او، تضاد ایجاد می‌شود. این کتاب با نگاهی عمیق به نیازهای مادر و فرزند و با در نظر گرفتن حساسیت‌های مربوط به دوران رشد نوزاد، مسائل تربیتی و روانی و سلامت جسمانی او و نیز نکات مربوط به ادامه کار مادر، مشکلات، فشارها و نیازهای او در این دوره، راهکارهایی ساده، عملی و چندجانبه ارائه کرده است.



دوران کودکی

نوشته: کریس جنکس
ترجمه: سارا ایمانیان
تعداد صفحه‌ها: ۲۳۰ صفحه
ناشر: اختران

جامعه‌شناسی دوران کودکی تاریخچه نسبتاً کوتاهی دارد، با این احوال در سال‌های اخیر در حکم یکی از حوزه‌های دانشگاهی و سیاست‌گذاری دامنه آن گسترش یافته است. علوم اجتماعی تا پیش از این با دوران کودکی یا از طریق نظریه‌های جامعه‌پذیری و یا به واسطه روان‌شناسی رشد سروکار داشته‌اند، که هر دو کودکان را پدیده‌ای طبیعی و نه اجتماعی می‌پنداشتند.

در کتاب «دوران کودکی» در زمینه عوامل اجتماعی سازنده معرفت، ما نسبت به کودکان و دوران کودکی به شناخت بیشتری می‌رسیم. این کتاب با نگاه به دوران کودکی از دیدگاه برساختارگرایی اجتماعی، چهارچوبی انتقادی به دست می‌دهد که می‌توان از طریق آن، نگرش‌های فردی و مشی کلی مرتبط با کودک را درک کرد. این فرض اساسی که دوران کودکی یک برساخته اجتماعی است، نشان می‌دهد که درک ما از دوران کودکی و مفاهیمی که به کودکان نسبت می‌دهیم به طور چشمگیری از فرهنگی به فرهنگ دیگر تغییر می‌کند، اما این تغییر در طی تاریخ هر فرهنگ هم به طور کاملاً ریشه‌ای رخ داده است.

کریس جنکس، استاد جامعه‌شناسی و معاون دانشگاه برنل است. او کتاب‌های بسیاری در زمینه فرهنگ، جامعه‌شناسی و دوران کودکی نگاشته است. او به نظریه جامعه‌شناسی، پسا ساختارگرایی و دگرشناسی، دوران کودکی، نظریه فرهنگی، فرهنگ بصری شهری و کران‌های رفتاری علاقه‌مند است.



خودآموز فروید، آشنایی با نظریه‌های بنیادی و توجه به تأثیرات مداوم او

نوشته: روت اسنودن
ترجمه: نورالدین رحمانیان
تعداد صفحه‌ها: ۲۱۶ صفحه
ناشر: آشیان

• آیا نیازمند راهنمایی سهل و آسان برای درک آثار فروید هستید؟
• آیا مایلید پدر روانکاو را بشناسید و اندیشه‌های او را درک کنید؟
• آیا در جستجوی مروری بر نظریه‌های اصلی روان‌کاوی هستید؟
کتاب حاضر راهنمایی جامع و ساده برای شناخت یکی از بانفوذترین متفکران قرن بیستم است. شرح دوران کودکی فروید و عوامل مؤثر در زندگی و شخصیت او قبل از تحلیل و درک افکار و عقاید او...
به کمک این کتاب راهنما (که بسیار ساده و عاری از اصطلاحات حرفه‌ای است) با بنیادی‌ترین اندیشه‌های فروید درباره تفسیر رؤیاها، غریزه جنسی، ماهیت ضمیر خودآگاه و هویت آشنا می‌شوید.
روت اسنودن، نویسنده باتجربه و مستقل در آثار داستانی و غیرداستانی و متخصص در روانشناسی عرفانی و رمزی است.



Ovu & Osu
opticien



برای مشاوره به زبان فارسی با همکار ما، هومن صحبت کنید

خدمات ما:

- Fashion and Classical eyewear
- Frames for all budgets
- Student Offers
- Eye Exam
- All prescriptions accepted
- 1 hour service

- عینک‌های مدرن و کلاسیک
- عینک برای هر بودجه‌ای
- قیمت‌های ویژه برای دانشجویان
- آزمایش چشم
- پذیرش تمام نسخه‌ها
- سرویس یک ساعته

coupon-cadeau

100\$

با این کوپن، با خرید یک عینک کامل (قاب+لنز) ۱۰۰ دلار تخفیف بگیرید



Ovu & Osu
opticien

Ovu & Osu
opticien

Address : 1606 Sherbrooke West (Corner Guy)

Tel : 514.509.4127

آگهی ارزان برای مشترکان هفته: هر هفته فقط ۶ دلار

Cours de français فرخ وهاب زاده

آموزش زبان فرانسه، در سطوح مقدماتی، میانی و پیشرفته (خصوصی و گروهی).
آمادگی جهت مصاحبه immigration، مکالمه، گرامر.

514-961-4140

french.courses.montreal@gmail.com

تعلیم رانندگی نینا

با کمک مربی آزموده و با

سابقه، گواهینامه خویش

را به آسانی بگیرید

514-844-9731

ترجمه رسمی و دعوتنامه شهريار بخشي

514-624-5609

514-889-3243

آموزش تینیس به مبتدیان

علی وکیل

alirvakili@yahoo.com

514-834-2095

آموزشگاه رانندگی آریا

با بیش از 20 سال سابقه، با بهای مخصوص برای هموطنان
12 ساعت تمرین / اتومبیل رایگان برای امتحان / سی.دی و کتاب
سوالات امتحان آییننامه برای موتورسیکلت موجود است.

514-621-3456

رایگان برای تئوری / 350 دلار

تلفن ارزان به ایران

ریتاکال سیستم تلفنی راه دوربا امکانات منحصر بفر
تماس ارزان با ایران و سایر کشورها با کیفیت استثنائی

www.RitaCall.com

514-906-1527

آموزش و تمرین پیلاتیس

(مناسب برای مشکلات کمر و ستون فقرات)

تدریس خصوصی و گروهی با پانتهآ پزشکان

514-476-7310 panteapezeshkan@yahoo.com

تدریس خصوصی زبان انگلیسی

بهرام رحیمیان

با بیست سال سابقه تدریس زبان

سطوح پایه، میانه و پیشرفته

514-886-9563

آموزش گیتار کلاسیک و پاپ توسط رضا رضایی

گیتاریست برگزیده

514-677-8358

کلاسهای رایگان محاوره انگلیسی و فرانسه در بهائی ستر مونترال

انگلیسی: شنبهها ۳ تا ۵ بعدازظهر

فرانسه: یکشنبهها از ۱:۳۰ تا ۳:۳۰ بعدازظهر

Address: 177 Pins avenue East, Montreal QC H2W 1N9 Tel: (514)849-07 53

مردی هستم 42 ساله شاغل و ساکن منترال. تصمیم به ازدواج با خانمی ایرانی ساکن منترال را دارم. در صورت تمایل بامن تماس بگیرید.

david_ka69@yahoo.com

چاپ رایگان : استخدام و آگهیهای غیر تجاری ، اجاره، خرید و فروش اتومبیل و ...

استخدام در رستوران ایرانی
آقای جدی / 25 تا 35 ساله
آشنا به زبان انگلیسی

514-564-9790

استخدام

به یک کارگر ساده نیازمندیم

514-894-8372

کباب سرا
کمک آشپز و ویترس
استخدام می کند

933-0933

سازمانهای فرهنگی و اجتماعی در مونترال

انجمن دفاع از حقوق بشر ایران - مونترال

Tel: (514) 299-1787

Addhi2005@gmail.com

انجمن حقوقدانان فارسی زبان کبک

www.ajpq.qc.ca

انجمن دوستداران زرتشت

با هدف بازشناساندن جشنهای باستانی

Tel: (514) 731-1443

انجمن زنان ایرانی مونترال

نشست ثابت اولین یکشنبه هر ماه ۱۰:۳۰ صبح

8043 St. Hubert

انجمن فرهنگی ایرانیان وست آیلند

مدرسه فارسی - هر شنبه از ساعت ۱۲:۳۰

2900 Lake / Tel: (514) 626-5520

انجمن ادبی - محمد فاضل

سخنرانیهای ادبی، اجتماعی و تاریخی

Tel: (514) 651-7955

بنیاد سخن آزاد

کنسرتهای موسیقی اصیل و سخنرانی

Tel: (514) 944-8111

خانه ایران

1117 St. Catherine W #420

Tel: (514) 544-5962

خانه کتاب ایران - میک

کالری - کتاب فروشی - کتابخانه

4438 De la Roche / Tel: (514) 373-5777

جمعیت دوستداران دانشنامه ایران - ایرانیکا

514-651-7955

کتابخانه نیما

5206 Decarie / Tel: (514) 485-3652

کافه لیت

www.Cafelitt.com

info@cafelitt.com

کانون فرهنگی چکاوک

6960 Sherbrooke W

Tel: (514) 787-8848

مدرسه ایرانی دهخدا

مدرسه فارسی - هر شنبه

4976 Notre Dame W

Tel: (514) 827-6364

دوستداران موسیقی کلاسیک (Dialogue)

514-484-8748

Sheida.g@hotmail.com

بنیاد نیکوکاری ایرانیان مونترال - نیکو

5146244579

farzint@hotmail.com

فرهنگ سرای سینا

سالن سخنرانی، مراسم و مجالس

514-488-3000 / www.Seena.ca

کانون مهندسی و آرشیوتک های ایرانی در کبک

514-946-5739 / aieaq.mtl@gmail.com

مرکز فرهنگی هنری زاگروس

5155 Boul. Decari

(514) 489-8686 www.zagros.ca

انتشارات مولتی ساز

3333 Cavendish Blvd #250

(514)770-1771

نیاز مندی ها

فقط با ۱۰ دلار در ماه!
نام و شماره تلفن موسسه خود را در اینجا آگهی کنید.

پیش شماره های
نوشته نشده ۵۱۴ هستند.

۵۵۴-۷۲۹۲	رایاتک	۵۶۲-۲۳۴۰	پژمان اسدی	۹۹۰-۲۵۰۰	اتومبیل (فروش)
۴۸۹-۸۶۸۶	زاگرس	۲۹۶-۹۰۷۱	علی پاکنژاد	۶۳۴-۱۱۱۱	Auto Highlander
	عینک سازی	۲۸۷-۳۶۹۰	نغمه ثابت		اتومبیل (تعمیرگاه)
۵۰۹-۴۱۲۷	Ovu & Osu Optician		پزشکی	۴۸۴-۴۴۸۱	اتو رایدر
	محضر رسمی		پزشکی جایگزین		اطلس
۸۳۱-۲۲۹۳	مونا کلابی	۹۳۱-۸۲۷۴	پروین زرساو-همیویت		اتومبیل (لوازم بدکی)
۹۰۳-۸۵۶۰	مونا صالحی	۹۷۹-۲۱۲۰	هیپنوتیزم-علی سلیمی	۹۳۵-۲۸۲۹	لوازم بدکی آلفا
	مد و لباس	۸۸۵-۶۲۹۴	نازنین کاشانی		آرایشگاه-زیبایی-اسپا
۸۴۲-۵۶۰۸	HPadar		ترجمه و دعوتنامه رسمی	۹۳۳-۰۷۶۳	آهنه
	مراکز مذهبی	۶۲۴-۵۶۰۹	شهریار بخشی	۸۹۲-۲۰۳۰	فریده متخصص لیزر
۸۴۹-۰۷۵۳	انجمن بهایی	۵۷۵-۷۰۸۰	محمدرضا نوشاد جمال	۴۸۱-۶۷۶۵	زهره
۳۴۱-۲۲۳۵	بنیاد آیت الله خویی		تلفن و موبایل	۹۳۴-۳۳۷۴	رویا
۲۶۱-۶۸۸۶	کلیسای ایرانی	۹۳۲-۸۴۳۲	PCCELL.ca	۸۱۳-۴۹۴۷	سوزان
۹۹۹-۵۱۶۸	کلیسای فارسی-کشیش عادل		چاپ و کپی	۵۸۶-۲۸۸۰	علی
۳۶۶-۱۵۰۹	مرکز اسلامی ایرانیان		انتشارات فرهنگ		ارز
	مشاور املاک	۹۳۱-۹۹۳۱	فتوکپی ان دی جی	۲۸۹-۹۰۱۱	پاسیفیک
۹۶۷-۵۷۴۳	مینو اسلامی	۴۸۸-۵۳۳۳	حسابداری	۸۴۶-۰۲۲۱	پنج ستاره
۲۰۷-۹۰۰۰	ژاله حافظی	۷۳۵-۰۴۵۲	حسن انصاری	۲۲۳-۶۴۰۸	شریف
۹۶۹-۲۴۹۲	نادر خاکسار	۷۷۷-۳۶۰۴	سرور صدر	۴۸۵-۶۰۰۰	مانی وایز
۵۳۱-۳۶۳۱	مهدی رحیمی	۴۸۷-۱۵۶۶	شکیب نیا	۱-۸۸۸-۸۷۳-۴۹۲۶	صرافای کانادا
۷۹۲-۴۵۷۷	مینا صالحی	۹۶۹-۲۴۹۲	نادر خاکسار		ازدواج و طلاق
۴۵۱-۴۶۶۳	سیمین ماهری		مسافر و بار - مونترال / تورنتو		آژانس های مسافرتی
۸۲۷-۶۳۶۴	فیروز همتیان	۵۱۴-۸۸۷-۰۴۳۲	قریان	۸۴۲-۸۰۰۰ EXT: ۲۹۶	فرناز معتمدی
	مشاور خانواده	۵۱۴-۵۶۱-۲۷۶۸	هریس	۳۸۸-۱۵۸۸	Sky Lwan
۶۶۳-۳۲۰۱	دکتر ملک		حیوانات خانگی		الکتریکی (تعمیرات)
	مشاور مهاجرت	۳۴۱-۱۱۷۱	آکوا تروپیکال	۸۳۳-۴۰۲۲	امیر (A.S.A)
۹۰۳-۴۷۲۶	علی مختاری		خشک شویی و خیاطی		آموزش
۲۸۹-۹۰۱۱	معصومه علی محمدی	۹۳۴-۵۶۰۰	Excel plus	۳۶۸-۹۰۱۲	پروین عبائی-فارسی
	نان و شیرینی		خطاطی	۹۶۲-۳۵۶۵	مدرسه فردوسی
۳۳۴-۶۵۲۸	شیرینی و کیکتینگ بی بی	۹۹۹-۸۷۷۹	پذیرش سفارش	۶۲۶-۵۵۲۰	مدرسه وست آیلند
۸۹۴-۸۳۷۲	نان سنگک شاطر عباس		دارو خانه	۸۲۷-۶۳۶۴	مدرسه دهخدا
۵۶۲-۶۴۵۳	شیرینی سرو	۲۸۸-۴۸۶۴	لوتیز داداش زاده	۹۸۹-۹۴۷۵	زبان فرانسه
	نو سازی و تعمیرات ساختمان		دکوراسیون منزل و محل کار		آموزش (راندنگی)
۸۳۵-۶۲۴۳	تی.ام.ان		دندان پزشکی	۶۲۱-۳۲۵۶	آریا
۹۶۳-۷۹۷۸	Décor chez toi	۹۳۳-۳۳۳۷	شهرزاد رضا نیا	۸۴۴-۹۷۲۱	نینا
۹۷۵-۱۵۱۵	ناصر	۶۳۴-۷۲۸۱	راضیه رضوی		آموزش (موسیقی)
	ساخت و ساز Builders	۶۸۴-۰۱۳۵	معصومه دولتشاهی	۶۷۷-۸۳۵۸	گیتار - رضایی
۵۷۴-۵۷۴۳	علی خاقانی	۷۳۱-۱۴۴۳	شریف نائینی	۵۶۷-۴۷۸۹	موسیقی-داوری
	وکیل - مهاجرت	۳۲۹-۲۳۰۳	آذین طاهری	۶۸۳-۴۴۵۷	موسیقی-سرایی
۹۶۱-۸۷۳۶	دیوید برگر	۶۸۵-۶۲۲۲	علی شفیع	۴۸۴-۸۷۴۸	پیانو-قرچه داغی
۸۴۵-۸۱۴۶	سام بیات	۶۹۵-۸۶۴۱	رامین میر موجی	۵۲۶-۱۰۴۷	پیانو-متین
۸۷۸-۲۴۰۰	نیما حجازی	۹۴۱-۳۲۰۷	فریدون هرنیدیان	۷۱۷-۸۰۲۴	پیانو-میم بطحایی
۳۹۵-۰۵۲۲	علی غلامپور	۴۸۴-۸۸۰۸	سایه ناعم	۵۲۷-۵۰۰۸	ویلون و پیانو
۹۵۴-۹۹۹۸	ونسان والایی	۳۱۸-۸۹۶۷	ساسان بیات	۲۶۲-۴۰۴۵	سنتور و عود
	وام مسکن		دندان سازی	۵۸۵-۶۱۷۸	سنتور - صابر جلیلزاده
	وب سایت و شبکه	۹۳۳-۸۳۸۳	افخم هادی	۲۶۲-۴۰۴۵	سنتور / عود-س بطحایی
۸۶۲-۶۶۴۲	Dream Media		رسانه های گروهی		آموزش (نقاشی)
	کلیتینگ	۵۶۴-۹۷۹۰	بازار	۹۳۸-۸۰۶۶	حمیرا مرتضوی
	کیتیرینگ	۴۸۹-۸۴۸۴	پوشه	۷۲۱-۵۲۴۲	میتر فارسی نسب
	گل		هفته		انتشارات
	کلیتینگ	۹۸۳-۱۷۲۶	شادی	۷۷۰-۱۷۷۱	مولتی ساز
	کلیتینگ		پیوند		بیمه و سرمایه گذاری
	کلیتینگ	۵۶۴-۹۷۹۰	شومینه پارس		
	کلیتینگ	۴۸۹-۸۴۸۴	پریشیا		
	کلیتینگ		لینک فلاور-وحید		
	کلیتینگ		طراحی		

Journal HafteH

Un magazine hebdomadaire pour la communauté iranienne de Montréal

A weekly Magazine for the Iranian Community in Montreal

27 Oct. 2011, numéro 171 – Oct 27. 2011, issue No. 171

Index issue 171

- **Cover story: Iranian accused of embezzlement arrived in Montreal.**

Mehregan Amirkhosravi and his wife, Tooba Abdollahzadeh Siahkali, who are being accused of involvement in a billion dollars embezzlement case, are in Montreal

Mr Mehregan Amirkhosravi is the President of Aria Holding. The vice president of the company has been arrested in Iran when Mr Mehregan was in a trip in Turkey. Aria holding is accused of being a tool for embezzlement in Iran.

HafteH has found the family in Montreal

- Word of the week: Canada a refuge for economic criminals?! / Editor
- Quebec and Canada News
- Test at Dehkhoda for finding a bone marrow transplant / Mahdieh Mostafae
- News of Iranian community in Montreal
- News and views of the Afghan community in Montreal: Interview with Buddha of Bamiyan / Hasib Fazl
- Book: Renowned Canadian – Iranian author launched her newly published book in Gaspé
- Literature: On Sohrab Sepehri – Part 2/ H.A. Tabari
- Portrait: M. A. Riahi / Sahar Vahdati
- Cinema: Works of Asghar Farhadi at Festival du nouveau cinéma / Atoosa Akhavan
- Healthy life: too much Vitamine D is not good / Dr Parviz Ghadirian
- Book: 3 new items / Zagros

Publication/Publisher:

HafteH Journal

Rédacteur / Editor: **Mehdi Marashi**

Rédacteur en chef/Editor in chief: **Khosro Shemiranie**

Rédactrice/Editor Ottawa : **Dr. Maria Sabaye Moghadam**

Désigner / Designer: **Behrouz Zamani** (BehGraphics.com)

Webmaster: **Payman Salimi & Shervin Barzegar**

Caricaturist: **Sirous Yahyaabadi**

Photographe/ Photographer: **Marjan Rahnvard**

Community news: **Masoud Bathaee**

Littérature / Literature: **Ida Esmati**

Cinéma / Cinema: **Atoosa Akhavan**

Sport: **Babak SaraniAzar, Shervin Barzegar**

Sci-Tech: **Hamid Shaygannia**

Fun & Family: **Shervin Barzegar**

Société/ Society: **Sahar Vahdati**

Khosro NoshadRavan, Mitra Roshan

Iran: **Masoud Bastani**

Remerciements particuliers à ceux qui ont contribué à ce numéro

Special thanks to those who contributed to this issue:

Amir Arash, Touraj Atef, Hasib Fazl, Mahdieh Mostafaie

ISSN 1918-4379 HafteH

Prix /Price: \$2.50 - À Montréal: **gratuit** / In Montreal: **Free**

Journal HafteH

3418 Stanley, unite# R1

Montreal QC H3A 1R8 Canada

Tel: (514) 787-8848



General: info@hafteh.ca

Editorial: editor@hafteh.ca

Advertising: ad@hafteh.ca



"میوه و تره بار سامی"

با چهار شعبه بزرگ
در خدمت ایرانیان مونترال

کیفیت: خوب
قیمت ها: غیر قابل رقابت

سامی، جایی که می توانید سبد
خرید خود را پر از میوه کنید اما
کیف پولتان را خالی نکنید

► Laval

1550 Boulevard Daniel-Johnson
Laval, QC, Canada (450) 978-1333

دوشنبه و چهارشنبه ۹ تا ۱۹:۳۰ پنجشنبه و جمعه ۹ تا ۲۱:۰۰
شنبه و یکشنبه ۸ تا ۱۹:۳۰ سهشنبه تعطیل

► Lasalle

400 avenue Lafleur, Lasalle, QC H8R 3H6
(514) 368-1333

دوشنبه و چهارشنبه ۹ تا ۱۹:۳۰ پنجشنبه و جمعه ۹ تا ۲۱:۰۰
شنبه ۸:۳۰ تا ۱۹:۳۰ یکشنبه ۹:۰۰ تا ۱۹:۳۰ سهشنبه تعطیل

► Nord-est Montréal

8200 19E Avenue, Montréal, QC H1Z 4J8
(514) 594-1333

شنبه تا چهارشنبه ۸:۳۰ تا ۱۹:۳۰
پنجشنبه و جمعه ۸:۳۰ تا ۲۱:۰۰

► Head Office

1505 rue Legendre Ouest,
Montréal, QC H4N 1H6
(514) 858-6363

SAMI



FRUITS

HafteH

Un hebdomadaire pour la communauté iranienne de Montréal
A weekly Magazine for the Iranian Community in Montreal
Vol.4 - No. 171 - Thursday October 27, 2011

www.HafteH.ca

3418 Stanley, unite# R1, Montreal QC H3A 1R8

Tel: (514) 787-8848 info@HafteH.ca

Convention du service Poste-Publications NO 41740020

ISSN 1918-4379 HafteH

GLBOX HD



www.GLWiz.com
www.GLARAB.com



✓ HD Quality
✓ wireless internet

GLBOX HD 60

GLBOX HD 200

- 256 Mb flash memory
- 1080i output resolution
- External WLAN antenna



- 2 GB flash memory
- 1080p output resolution
- Built in WLAN antenna
- Automatic WLAN failover option
- Designed in Italy

دستگاه کنترل از راه دور

پشت دستگاه کنترل از راه دور (کیبورد)

تماشای بیش از 120 شبکه ایرانی

افغان، تاجیک، کردی، آذری، ارمنی و آشوری

و بیش از 10,000 ساعت فیلم، سریال‌های متنوع و برنامه‌های جذاب ضبط شده که هر زمان که مایلید تماشا کنید

گالری عکس Picasa



سرویس YouTube



سرویسهای منحصر به فرد

GLBOX HD 200

Media Center



بیش از 40,000 رادیوی جهانی SHOUTcast



و GLBOX HD 60

جدید

هم اکنون سرویس جدید GLARAB با بیش از 120 کانال تلویزیونی و 80 کانال رادیویی به زبان عربی ارائه می‌شود.

مشترکین GLWiz می‌توانند از این پس از طریق GLBOX HD های جدید و یا از طریق GLARAB.com با پرداخت آبونمان جداگانه از سرویس GLARAB نیز بهره‌مند شوند.

برای تهیه GLBOX HD به وبسایت های GLWiz.com یا GLARAB.com و یا به مراکز زیر مراجعه نمایید

Ottawa

Payless Telecommunication

Tel: 001-613-795-5252

Montreal

UN ELECTRONIC SAT

Tel: 001-514-571-6564



www.GLWiz.com

Customer Service

Tel: 1.866.236.2026

001.905.762.5037

Fax: 1.877.800.6421

001.905.709.1910

glwiz@groupofgoldline.com

08-10-0033